



پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
پژوهشکده الهیات و خانواده



فصلنامه مطالعات اخلاق کاربردی

فصلنامه علمی - پژوهشی (ب)

سال چهاردهم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۳

۷۷

صاحب امتیاز: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

مدیر مسئول: عبدالرسول احمدیان

سر دبیر: اصغر هادی

دبیر تحریریه: سعید خانی

با دآوری می شود فصلنامه اخلاق با تغییر عنوان به مطالعات اخلاق کاربردی، به استناد به مصوبه شماره ۵۷۳ مورخ ۱۳۸۷/۰۴/۱۶ شورای عالی حوزه های علمیه و با توجه به ارزیابی کمیسیون نشریات علمی حوزه، شورای اعطای مجوزها و امتیازات علمی در جلسه مورخ ۱۴۰۱/۰۲/۱۲ رتبه علمی - پژوهشی (ب) را دریافت کرده است. مقالات منتشر شده از شماره ۴۳ به بعد دارای رتبه علمی پژوهشی است.

فصلنامه مطالعات اخلاق کاربردی به استناد ماده واحده مصوبه جلسه ۶۲۵ مورخ ۱۳۸۷/۰۳/۲۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی «مصوب شورای عالی حوزه علمیه قم» در خصوص اعطای امتیاز علمی، تأسیس انجمن های علمی، قطب های علمی و واحدهای پژوهشی و همچنین امتیازات آزاداندیشی در حوزه، دارای اعتبار رسمی بوده و موجد امتیازات قانونی در دانشگاه و حوزه علمیه می باشد.

فصلنامه مطالعات اخلاق کاربردی در پایگاه استنادی فایل متنی فصلنامه از طریق سایت «Morsalat.ir»، پایگاه استنادی علوم جهان اسلام «ISC»، بانک اطلاعات نشریات کشور «Magiran»، مرجع دانش «Civilica»، مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی «SID»، پرتال جامع علوم انسانی «Ensani»، پایگاه مجلات تخصصی نور «Noormags» و کتابخوان همراه پژوهان «pajooahaan» و پرتال دفتر تبلیغات اسلامی (http://journals.ete.ir) بارگذاری می شود. هیئت تحریریه در اصلاح و ویرایش مقاله ها آزاد است. دیدگاه های مطرح شده در مقالات صرفاً نظر نویسندگان محترم آنهاست. نشانی: اصفهان، خیابان حافظ، دفتر تبلیغات اسلامی اصفهان، فصلنامه علمی - پژوهشی (ب) اخلاق کاربردی.

تارنما: akhlagh.morsalat.ir * پست الکترونیک: akhlagh@dte.ir

تلفن: (۷۳۲۱ داخلی) ۴ - ۳۲۲۰۸۰۰۱ (۰۳۱) * صندوق پستی: ۶۹۷-۸۱۴۶۵

دورنگار: ۳۲۲۰۸۰۰۵ (۰۳۱) کد پستی: ۸۱۴۶۹۵۷۵۷۱

چاپ: موسسه بوستان کتاب قیمت: ۸۰۰۰۰ تومان



هیئت تحریریه

(به ترتیب حروف الفبا):

مسعود آذربایجانی

دانشیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

مهدی حبیب الهی

استادیار دانشگاه باقرالعلوم ع

حسین دیبا

استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

محمد رضا سالاری فر

دانشیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

محمد مهدی صفورایی پاریزی

دانشیار مجتمع آموزش عالی علوم انسانی اسلامی جامعة المصطفی العالمیة

مهدی علیزاده

استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

اصغر هادی

استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

داوران این شماره:

محمد جواد فلاح، سید حسن اسلامی اردکانی، مهدی حسن زاده، حسین دیبا، حسن

سراج زاده، محمد ثناگویی زاده اصفهانی، علی شیروانی شیری، اصغر هادی

راهنمای تنظیم مقاله

ویژگی‌های شکلی مقاله

حتماً با الگوی فصلنامه (مندرج در صفحه اول سامانه نشریه) تنظیم شده باشد؛

۱. حجم مقاله تایپ‌شده همراه با چکیده و کتابنامه (حداکثر ۷۵۰۰ کلمه) به آدرس سامانه نشریه ارسال شود.

۲. مقاله در محیط Word با پسوند DOCX (با قلم Noorzar نازک ۱۳ برای متن و Times New Roman نازک ۱۰ برای انگلیسی) حروف‌چینی گردد.

۳. شیوه‌های استناد بایستی به صورت درون‌متنی بین پرانتز به شرح ذیل باشد:

❖ **قرآن:** آیات (همراه با ترجمه) داخل گیومه درج شده و سپس نام سوره و شماره آیه (داخل پرانتز) آورده شود. **نمونه:** «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ؛ ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است» (حمد، ۱).

❖ **کتاب:** (نام خانوادگی نویسنده، سال انتشار اثر، شماره جلد: شماره صفحه، مثال: منبع فارسی با صفحات متناوب (مطهری، ۱۳۶۰، ج ۱: ص ۲۰۰-۲۲۰) و با صفحات متفاوت (امینی، ۱۳۸۷، ج ۱: صص ۲۰۰ و ۲۰۷؛ **نکته:** درج (حرف ق) برای تاریخ قمری لازم است. منبع انگلیسی با صفحات متناوب (Kant, 1788: p.224-288) و با صفحات متفاوت Kant, (1788: pp.44, 288).

❖ **مقاله:** (نام خانوادگی، سال انتشار اثر: شماره صفحه. مثال: یاسری، ۱۳۸۵: ص ۷۵).

تذکر:

✓ اگر از یک نویسنده، بیش از یک اثر در مقاله استفاده شود، در صورت اشتراک زمان انتشار آنان، پس از سال انتشار، با ذکر حروف الفبا در گیومه از یکدیگر متمایز شوند. مانند: (مطهری، ۱۳۶۰ «الف»، ص ۲۰۰) یا (مطهری، ۱۳۶۰ «ب»، ص ۱۴۵).

✓ اگر مؤلفان یک اثر **بیش از سه نفر** باشند، تنها نام خانوادگی یک نفر می‌آید و با واژه «دیگران» به دیگر مؤلفان اشاره می‌شود.

✓ اگر به دو اثر از یک نویسنده، بدون فاصله ارجاع داده شود، به جای تکرار نام نویسنده، از واژه «همو» استفاده می‌شود و به جای تکرار منبع و سال «همان» درج شود. در ارجاع به **منابع لاتین** در

متن به جای واژه «همان» از «ibid»، «همو» از «Idem» و «پیشین» از «op.cit» استفاده شود.

۴. معادل لاتین کلمات غیرفارسی و تلفظ واژگان و اصطلاحات مهجور داخل متن و پراکنش بیاید.

۵. **عبارات تکریمی:** از کلیشه به جای عبارات تکریمی استفاده شود. مانند: صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به جای (ص)، عَلَيْهِ السَّلَام به جای (ع)، بِهِ السَّلَام به جای (ره) و: به جای (عليهم السلام) و ...

۶. فهرست منابع و مآخذ (کتاب نامه) در پایان مقاله به ترتیب حروف الفبا و به روش زیر تدوین و درج شود:

- ❖ **کتاب ها:** نام خانوادگی، نام (سال انتشار)، *عنوان کتاب (ایرانیک)*، مترجم، جلد، نوبت چاپ، محل نشر: ناشر.
- ❖ **مقالات:** نام خانوادگی، نام (سال انتشار)، «عنوان مقاله»، نام نشریه (*ایرانیک*)، دوره و شماره نشریه، شماره صفحات مقاله.
- ❖ **منابع الکترونیکی:** نام خانوادگی، نام (تاریخ مشاهده منبع در سایت یا وبلاگ)، «عنوان مقاله یا نوشته»، آدرس دقیق اینترنتی یا دسترسی (CD و ...).
- ❖ **پایان نامه ها:** نام خانوادگی، نام (سال دفاع از رساله)، *عنوان رساله*، مقطع تحصیلی، گروه، نام دانشکده، دانشگاه.

ویژگی های محتوایی مقاله

- الف) **صفحه اول شامل:** ۱. عنوان کامل مقاله، نام و نام خانوادگی، مرتبه علمی دانشگاهی و پست الکترونیکی سازمانی نویسنده یا نویسندگان؛ ۲. چکیده فارسی (حداقل ۱۵۰ و حداکثر ۲۵۰ کلمه)؛ ۳. کلیدواژه ها (۳ تا ۷ کلمه) (**ترجمه و ارسال تمامی موارد به لاتین الزامی است**).
- ❖ در صورتی که مقاله برگرفته از پایان نامه باشد یا سازمان و نهادی هزینه مالی پروژه را پرداخت کرده باشد و یا تشکری لازم داشته باشد باید در پاورقی صفحه اول (چکیده) درج شود.
- ❖ مقاله پیش تر یا همزمان به مجله های دیگر ارایه نشده باشد و نویسنده به نشر آن در جای دیگر متعهد نباشد.
- ❖ اعضای هیأت علمی، اساتید و محققان مراکز آموزشی و پژوهشی موظف اند در مقاله خود پست الکترونیکی سازمانی خود را وارد کنند.
- ❖ در صورتی که مقاله مشترک است، عنوان (نویسنده مسئول) در پاورقی و در مقابل اسم

او درج شود.

ب) صفحات دوم تا آخر شامل: ۱. مقدمه و طرح مسئله، پیشینه تحقیق، روش تحقیق و گردآوری اطلاعات؛ ۲. تبیین ابعاد مسئله به صورت منطقی شده با رعایت انسجام و هماهنگی مطالب در زیرمجموعه سازی استاندارد (پیگیری از الگوی عددی یا حرف و عدد)؛ ۳. نتیجه گیری؛ ۴. پی نوشت ها (در صورت لزوم)؛ ۵. کتاب نامه.

اهداف

تولید و توسعه دانش در حوزه مطالعات اخلاق کاربردی و حرفه ای، با اولویت اخلاق اسلامی؛

تبیین اخلاق کاربردی و حرفه ای همه رشته های تحصیلی و حرفه های شغلی، با اولویت اخلاق اسلامی؛

تبیین اخلاق کاربردی همه شاغلان در همه مشاغل معتبر موجود و کارهای حرفه ای؛ با اولویت اخلاق اسلامی؛

احیاء تراث در زمینه اخلاق کاربردی و حرفه ای؛

احیاء مروت نامه ها و اخلاق کاربردی در زمان های گذشته؛

مطالعات اخلاق کاربردی و حرفه ای بین رشته ای؛ با اولویت اخلاق اسلامی؛

توسعه اخلاق کاربردی و حرفه ای، متناسب با نیازهای پژوهشی جهان معاصر.

یادآوری

۱. باتوجه به اینکه رویکرد فصلنامه، ناظر به مباحث اخلاق کاربردی است، مقالات پیمایشی در اولویت پذیرش نیستند.

۲. مقاله ارسالی باید گویای نوآوری در مسائل اخلاق و حوزه های مرتبط به ویژه اخلاق کاربردی باشد.

۳. هیئت تحریریه در رد یا قبول و نیز اصلاح مقالات آزاد است.

۴. دیدگاه های مطرح شده در مقالات صرفاً نشانگر نظر نویسندگان آنهاست.

فهرست مطالب

روش‌های اعتمادسازی انبیاء علیهم‌السلام در تربیت اخلاقی متربی از منظر قرآن	۹
الهه عبدالعلی‌نژاد، علی‌همت بناری، ناصر نورمحمد	
راهکارهای اخلاقی صیانت از حریم خصوصی در فضای مجازی با تکیه بر مفاهیم نهج‌البلاغه	۴۱
مهدیه اسماعیلی، حمید حمیدیان، احمد زارع زردینی	
تحلیل مسائل اخلاقی در عصر رسانه‌های نوین و شبکه‌های اجتماعی (ارائه چارچوب اخلاقی و راهکارهای کاربردی)	۷۵
محدثه قوامی‌پور سرشکه، امیررضا محمودی	
رهیافتی اخلاقی به حکم فقهی تردید در اعتقادات	۱۰۷
علی محمدیان، بتول سلحشور، معصومه تاجالدینی	
موانع شکرگزاری در زندگی از منظر متون اسلامی	۱۳۳
حسن سراج‌زاده	
بررسی جایگاه اخلاق هم‌زیستی مسالمت‌آمیز در کتاب‌های درسی تاریخ در رشته علوم انسانی	۱۶۵
راحله محمدباقر	

The Methods of Trust-Building by Prophets (Peace Be Upon Them) in the Moral Education of Trainees from the Perspective of the Quran*

Elaheh Abdolali Nejad,¹  Ali Hemmat Benari,²  Naser Nourmohammad³ 

1-Level 4 Graduate, Department of Comparative Interpretation, Rokn al-Hoda Institute of Higher Education, Kerman, Iran (Corresponding Author).
e.abdolalinejad@whc.ir

2-Assistant Professor, Department of Educational Sciences, al-Mustafa International University, Qom, Iran.
ah.banari@gmail.com

3- PhD Graduate, Baqir al-Olum University, Qom, Iran.
nasernor33@gmail.com



Abstract

The acceptance of the educator and the trust of the trainee in them are among the most important factors that facilitate moral education. Without these, any educational effort will not be fruitful. The divine prophets, being aware of this crucial aspect, used various methods of trust-building in fulfilling their primary mission-moral education. Understanding and modeling these methods, which were carried out under divine guidance and whose effectiveness is guaranteed, are of great importance for

*Cite this article: Abdolali Nejad, Elaheh, Benari, Ali Hemmat, Nourmohammad, Naser. (2024). The Methods of Trust-Building by Prophets (Peace Be Upon Them) in the Moral Education of Trainees from the Perspective of the Quran, Journal in Applied Ethics Studies, 3(77), 9-40

<https://doi.org/10.22081/jf.2024.69450.1930>

■ **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Isfahan, Iran). ***Type of article:** Research Article

■ **Received:** 2024/04/03 ● **Revised:** 2024/09/07 ● **Accepted:** 2024/09/08 ● **Published online:** 2025/05/28

educators, parents, and those responsible for education. This study aims to examine the methods of trust-building by prophets (peace be upon them) in the field of moral education from the perspective of the Quran. The research is exploratory in nature, qualitative in method, and has an inductive approach. To analyze the data, the thematic analysis technique was used. The results indicate that the prophets employed cognitive methods such as: living with the trainee, the ethical life of the educator related to the cognitive dimension, emotional methods such as creating a sense of affinity for the trainee and understanding them, purifying their invitation from any material suspicion, the ethical life of the educator related to the emotional dimension, and behavioral methods such as aligning words with actions, the ethical life of the educator related to the behavioral dimension, and reforming their relationship with God.

Keywords

trust-building, education, moral education, educational methods, divine prophets.



أساليب بناء الثقة من قبل الأنبياء ﷺ لدى التربية الأخلاقية للمتلقى من وجهة نظر القرآن الكريم*

إلهه عبدعلي نژاد،^١ علي همت بناري،^٢ ناصر نورمحمد^٣

١- خريجة المستوى الرابع في فرع التفسير المقارن من مؤسسة ركن الهدى للتعليم العالي. كرمان، إيران (الكاتبة المسؤولة).

abdolalinejad@whc.ir

٢- الأستاذ المساعد في قسم العلوم التربوية بجامعة المصطفى العالمية. قم، إيران.

ah.banari@gmail.com

٣- دكتوراه من جامعة باقر العلوم ﷺ، قم، إيران.

nasernor33@gmail.com

الملخص

إن قبول المعلم وثقة المتلقي به من أهم العوامل التي تمهد الطريق للتربية الأخلاقية، والتي بدونها لن يكون أي جهد تربوي حليفاً للنجاح. وانطلاقاً لهذا المبدأ، وفي تنفيذ الهدف الأهم لرسالتهم، وهو التربية الأخلاقية، استعمل الأنبياء الإلهيون أساليب مختلفة لبناء ثقة مخاطبيهم بهم. إن معرفة هذه الأساليب واتخاذها منهج عمل أمر مهم للغاية للمعلمين وأولياء الأمور والقائمين على التعليم؛ لأنها تمت بالهداية الإلهية، وفعاليتها مضمونة. يهدف هذا البحث إلى التعرف على أساليب بناء الثقة من قبل الأنبياء ﷺ

* **استشهد بهذه المقالة:** عبدعلي نژاد، إلهه؛ بناري، علي همت و نورمحمد، ناصر (١٤٠٣). أساليب بناء الثقة من قبل الأنبياء ﷺ

لدى التربية الأخلاقية للمتلقى من وجهة نظر القرآن الكريم. دراسات الأخلاق التطبيقية، ٣ (٧٧)، صص ٩-٤٠.

<https://doi.org/1022081/jf.2024.69450.1930>

□ نوع المقال: بحث؛ الناشر: مركز الدعوة الإسلامية في حوزة قم (معهد العلوم والثقافة الإسلامية، أصفهان، إيران) © المؤلفون

□ تاريخ الاستلام: ٢٠٢٤/٠٤/٠٣ □ تاريخ التعديل: ٢٠٢٤/٠٩/٠٧ □ تاريخ القبول: ٢٠٢٤/٠٩/٠٨ □ تاريخ الإصدار: ٢٠٢٥/٠٥/٢٨



في مجال التربية الأخلاقية من منظور القرآن الكريم. هذا البحث استكشافي من حيث الغرض، ونوعي من حيث الطريقة، وله منهج استقرائي. تم استخدام أسلوب التحليل الموضوعي لتحليل البيانات، وأظهرت النتائج أن الأنبياء من أجل بناء الثقة استخدموا أساليب معرفية مثل: التعايش مع المعلم، والحياة الأخلاقية للمعلم المرتبطة بالبعد المعرفي، وكذلك استعملوا أساليب عاطفية مثل: خلق مفهوم التسانخ لدى المتلقي، وتنقية دعوتهم من أي شيء مادي يشوبها. كما استخدموا العيش الأخلاقي للمعلم والذي هو مرتبط بالبعد العاطفي، والأساليب السلوكية مثل: المواءمة بين الكلام والسلوك، والعيش الأخلاقي للمعلم وهو المتعلق بالبعد السلوكي وتحسين العلاقة مع الله.

الكلمات المفتاحية

بناء الثقة، التربية، التربية الأخلاقية، الأساليب التربوية، الأنبياء الإلهيون.





روش‌های اعتمادسازی انبیاء (علیهم‌السلام) در تربیت اخلاقی متربی از منظر قرآن*

الهه عبدالعلی نژاد^۱، علی همت بناری^۲، ناصر نورمحمد^۳

۱- دانش آموخته سطح چهار، رشته تفسیر تطبیقی، مؤسسه آموزش عالی رکن الهدی، کرمان، ایران (نویسنده مسئول).

e.abdolalinejad@whc.ir

۲- استادیار گروه علوم تربیتی جامعه المصطفی العالمية، قم، ایران.

ah.banari@gmail.com

۳- دانش آموخته دکتری دانشگاه باقر العلوم (علیه‌السلام)، قم، ایران.

nasernor33@gmail.com

چکیده

مقبولیت مربی و اعتماد متربی به وی از مهم‌ترین عوامل زمینه‌ساز تربیت اخلاقی است که بدون آن هیچ‌گونه تلاش تربیتی، سودمند نخواهد بود. پیامبران الهی با اشراف به این اصل، در اجرای مهم‌ترین هدف رسالت خویش، یعنی تربیت اخلاقی، از روش‌های مختلفی برای اعتمادسازی مخاطبان خود بهره برده‌اند. شناخت و الگوگیری از این روش‌ها از این حیث که با ارشاد الهی به انجام رسیده و اثرگذاری آن‌ها تضمین شده است، برای مربیان، والدین و داعیه‌داران امر تربیت بسیار اهمیت

* **استناد به این مقاله:** عبدالعلی نژاد، الهه؛ بناری، علی همت و نورمحمد، ناصر (۱۴۰۳). روش‌های اعتمادسازی انبیاء (علیهم‌السلام) در تربیت اخلاقی متربی از منظر قرآن. مطالعات اخلاق کاربردی، ۳ (۷۷)، صص ۴۰-۴۹.

<https://doi.org/10.22081/jf.2024.69450.1930>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، اصفهان، ایران) © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۱۵ □ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۶/۱۷ □ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۱۸ □ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۲/۰۷





دارد. پژوهش پیش رو با هدف بررسی روش‌های اعتمادسازی انبیاء علیهم‌السلام در عرصه تربیت اخلاقی از منظر قرآن نگاشته شده است. این پژوهش از حیث هدف، اکتشافی و به لحاظ روش، کیفی و دارای رویکرد استقرایی است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، شیوه تحلیل مضمون به کار گرفته شده است. نتایج نشان می‌دهد پیامبران در راستای اعتمادسازی از روش‌های شناختی نظیر زیست مشترک با متربی، زیست اخلاقی مربی مرتبط با بُعد شناختی، از روش‌های عاطفی همچون ایجاد پنداره سخیت برای متربی و درک ایشان، خالص کردن دعوت خویش از هرگونه شائبه مادی، زیست اخلاقی مربی مرتبط با بُعد عاطفی، و از روش‌های رفتاری نظیر تطابق بین گفتار و رفتار، زیست اخلاقی مربی مرتبط با بُعد رفتاری و اصلاح رابطه با خدا استفاده می‌کردند.

کلیدواژه‌ها

اعتمادسازی، تربیت، تربیت اخلاقی، روش‌های تربیتی، پیامبران الهی.

مقدمه

یکی از اهداف مهم دعوت انبیای الهی، براساس آموزه‌های قرآنی (بقره، ۱۲۹؛ آل عمران، ۱۶۴؛ جمعه، ۲)، تزکیه و تربیت اخلاقی است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «عَلَيْكُمْ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ فَإِنَّ رَبِّي بَعَثَنِي بِهَا» (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۴۷۸). تربیت اخلاقی از مهم‌ترین ساحت‌های تربیتی در تکامل انسان می‌باشد که در شکل‌دهی ابعاد مختلف هویت انسانی، اعم از بینش‌ها، گرایش‌ها و رفتارهای وی تأثیرگذار است. از بین عناصر چهارگانه نظام تربیت اخلاقی که شامل اهداف، مبانی، اصول و روش‌های تربیتی است، اتخاذ روش‌های تربیتی صحیح و کارآمد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا امر تربیت با هدایت و گمراهی، و سعادت و شقاوت انسان در ارتباط است و هرگونه لغزش و اشتباه در انتخاب روش تربیتی، مبانی و اصول و اهداف تربیت را بی‌اثر کرده و چه بسا به گمراهی و نابودی انسان منتهی می‌شود. در راستای هدف اصلی انبیا که هدایت به صراط مستقیم است، تربیت اخلاقی به‌عنوان هدف فرعی و شرط تحقق هدف اصلی بسیار اهمیت دارد. اعتمادسازی انبیا برای تربیت اخلاقی موجب جلب مردم به هدف اصلی یعنی هدایت می‌شود.

قرآن کریم به‌عنوان مهم‌ترین منبع دین اسلام، دربرگیرنده حجم وسیعی از گزاره‌ها درباره روش‌های تربیتی انبیا علیهم السلام است. مطالعه این گزاره‌ها گویای این حقیقت است که اولین اقدام ایشان در زمینه‌سازی تربیت اخلاقی، اعتمادسازی بوده است. اعتماد، زیربنای هر رابطه پایدار است و قطعاً بدون جلب اعتماد متریان، تحقق هرگونه عمل تربیتی منتفی خواهد بود.

بازخوانی فرایند روشمند تربیت اخلاقی انبیا نشان می‌دهد اعتماد، دارای جایگاهی ویژه در این فرایند است؛ لذا مریان و متولیان امر تربیت باید با الگوگیری از سیره انبیای الهی، به‌عنوان الگوهای ممتاز تربیتی، در جلب اعتماد متریان خود اهتمام ورزند. اهمیت این موضوع زمانی دوچندان می‌شود که بدانیم اعتماد به‌عنوان





یک سازه مفهومی پیچیده در روان‌شناسی و جامعه‌شناسی، ابعاد روانی و اجتماعی انسان را تحت الشعاع قرار می‌دهد و با توجه به ابتدای تربیت اخلاقی بر مبانی روان‌شناختی و جامعه‌شناختی، دیدگاه‌های متعددی دربارهٔ اعتمادسازی مطرح شده است.^۱

ارزیابی دیدگاه‌های روان‌شناسان و جامعه‌شناسان در مقایسه با سنت انبیا، این نکته را نشان می‌دهد که نظریه‌های اندیشمندان در بیان جایگاه اعتماد در فرایند تربیت، توصیفی و گزارشی ثانوی و در ساحت نظر است؛ ولی آنچه در سنت انبیا مشاهده می‌شود، در ساحت عمل و ناظر به روش تربیت اخلاقی بوده است.

این پژوهش با هدف واکاوی روش‌های اعتمادسازی انبیا در تربیت اخلاقی، از منظر آیات قرآنی نگاشته شده و درصدد پاسخ‌دادن به این سؤال است: روش‌های شناختی، عاطفی و رفتاری انبیا در راستای اعتمادسازی برای تربیت اخلاقی کدام است؟

برای دستیابی به اهداف مدنظر در این پژوهش، ابتدا با رویکرد استقرای ناقص، آیات مرتبط با موضوع، انتخاب و کدگذاری شدند. پس از تدقیق بیشتر، روش‌ها در قالب سه دسته شناختی، عاطفی و رفتاری مرتب شدند و در نهایت، دلالت‌های مستقیم و غیرمستقیم قرآنی و اشارات مرتبط با روش‌های اعتمادسازی انبیا، از تفاسیر قرآنی استخراج و در قالب روش‌های مذکور تبیین و تحلیل گردیدند.

گفتنی است اگرچه روش اعتمادسازی به‌نحو ضمنی در روند تربیت اخلاقی استخدام می‌شود، تاکنون به‌صورت نظری به آن توجه نشده است؛ به‌طوری که طبق جستجوهای انجام‌شده باید گفت هیچ پژوهشی با عنوان و رویکرد مدنظر در این مقاله صورت نگرفته است.

۱. رک: نظریهٔ اعتماد بنیادی (شولتز، ۱۳۹۸، ص ۳۲۶؛ آنسلمو، ۱۳۷۹، ص ۱۶۲-۱۶۳) و نظریهٔ سرمایه اجتماعی (کوهکن، ۱۳۸۸، صص ۱۲۷ و ۱۲۹؛ گیدنز، ۱۳۷۸، ص ۱۴۰).



۱. مفهوم‌شناسی

۱.۱. تربیت اخلاقی

تربیت اخلاقی، فرایند زمینه‌سازی و به‌کارگیری شیوه‌هایی برای شکوفاسازی، ایجاد و تقویت صفات، رفتارها و آداب اخلاقی و اصلاح و زدودن صفات، رفتارها و آداب غیراخلاقی در خود یا دیگری است (بناری، ۱۳۷۹). در تربیت اخلاقی، از شیوه‌های علم تربیت برای تحقق نتایج و اهداف پذیرفته‌شده در حوزه اخلاق بهره می‌برند؛ ازاین‌رو، در تعریف تربیت اخلاقی گفته‌اند که تربیت اخلاقی به معنی کاربست ویژه یافته‌های تعلیم و تربیت برای تحقق اهدافی است که از حوزه علم اخلاق دریافت و پذیرفته شده‌اند (فتحعلی‌خانی، ۱۳۷۹، ص ۹۵).

۲.۱. روش تربیت اخلاقی

روش در اصطلاح یعنی پیمودن مسیری برای رسیدن به هدفی؛ براین‌اساس، روش در علوم نظری به راه یا قاعده‌ای اطلاق می‌شود که برای کشف حقیقت به کار می‌رود و در علوم عملی مانند اخلاق، به راهی که برای رسیدن به هدفی عملی اتخاذ می‌شود، روش گفته می‌شود. به عبارتی روش‌ها راه وصول به اهداف‌اند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۱، صص ۴۴۵ و ۴۴۸).

در این پژوهش منظور از روش، تربیت اخلاقی پیامبران در قرآن و چگونگی تحقق تدابیر و فعالیت‌های اثرگذار تربیت اخلاقی در موقعیت‌ها و شرایط مختلف است که قرآن کریم در مقام هدایت و تربیت انسان‌ها، پیامبران الهی را به‌عنوان مرییان بشر به استفاده از آن‌ها دعوت کرده یا از چگونگی رفتار تربیتی پیامبران با مخاطبان‌شان گزارش داده است.

۳.۱. اعتماد

اعتماد مصدر باب افتعال، از ریشه «عمد» به معنی تکیه کردن است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۳۰۵) و در زبان فارسی به معنی تکیه کردن، متکی شدن به کسی و واگذاشتن کار به کسی است (عمید، ۱۳۵۹، ص ۲۰۱).



اعتماد از مفاهیمی است که صاحب نظران علوم مختلف به آن توجه داشته‌اند. زتومکا^۱، اعتماد را نوعی نگرش و جهت گیری اخلاقی مثبت در قبال دیگری معرفی می‌کند که آن دیگری مورد تأیید است (ساعی، ۱۳۹۰، ص ۲۷). از دیدگاه مک‌لاود^۲ (۱۳۹۵، ص ۱۵) نیز اعتماد نگرشی است که ما درباره افراد داریم که امیدواریم قابل اعتماد باشند. با توجه به این تعاریف، منظور از اعتماد در این نوشتار، نوعی ارزش انسانی و احساس مثبت درونی (مبتنی بر شناخت و باور) درباره فرد یا افراد است و باعث اطمینان و پذیرش ایشان می‌شود.

۲. اقسام روش‌های اعتمادسازی انبیاء (علیهم‌السلام) در قرآن

تربیت اخلاقی، فرایندی پیچیده است و با توجه به تفاوت افراد در نحوه اثرپذیری تربیتی، باید از روش‌های مختلف شناختی، عاطفی و رفتاری استفاده شود. بین ابعاد مطرح شده رابطه تنگاتنگی وجود دارد؛ بدین صورت که بینش‌ها و گرایش‌ها دو عنصر اساسی رفتار انسان هستند. لازمه انجام هر رفتاری این است که انسان آن را بشناسد و سپس برای بروز و ظهور آن، میل و رغبت داشته باشد. پیاز^۳ معتقد است عاطفه جنبه انرژی‌دهندگی دارد و محرک شناخت و نهایتاً رفتار است. در مقابل، آگاهی و شناخت هم تأثیر بسزایی در تکوین عاطفه دارند؛ زیرا علاقه جز پس از معرفت، قابل تصور نیست. لذا حالتی دوسویه و تعاملی بین شناخت و عاطفه وجود دارد (جلالی، ۱۳۸۰).

با توجه به مطلب بالا، استفاده توأمان و ترکیبی از روش‌های یادشده می‌تواند در اعتمادسازی مؤثر باشد. واکاوی شیوه‌های تربیت اخلاقی پیامبران نشان می‌دهد ایشان به فراخور شرایط و روحیات افراد مختلف، از شیوه‌های متناسب و متنوع برای جلب

1. Sztompka
2. MacLeod
3. Piaget



اعتماد پیروان خود استفاده می‌کردند که تمام این شیوه‌ها در ذیل سه روش شناختی، عاطفی و رفتاری می‌گنجد. در ادامه به اهمّ این روش‌ها اشاره می‌شود.

۲.۱. روش‌های شناختی

روش‌های شناختی بر فرایندهای شناختی مانند ادراک، یادگیری، تفکر و حل مسئله تمرکز دارند؛ از آنجا که شناخت، اساس رفتار است و با تغییر شناخت می‌توان رفتار را تغییر داد، بهبود عملکرد شناختی افراد از مجرای روش‌های شناختی جایگاه ویژه‌ای می‌یابد. بعضی از روش‌های شناختی که انبیای الهی (علیهم السلام) برای اعتمادسازی به کار می‌بردند، عبارت‌اند از:

۲.۱.۱. زیست مشترک مربی با متربیان و مردم

شناخت هرچه بیشتر مربی و شفافیت زندگی و اهداف او، نقش مهمی در ایجاد اعتماد مربی به وی ایفا می‌کند. برای آنکه مربی به مربی اعتماد و از او تبعیت کند، باید بداند مربی چه کسی است، چه باورها و ارزش‌هایی دارد، چه اهدافی را دنبال می‌کند و چگونه می‌خواهد به او کمک کند. حد اعلای شناخت برای مربی، زمانی حاصل می‌شود که مربی رابطه تنگاتنگی با متربیان داشته باشد و با آن‌ها و در کنار آن‌ها زندگی کند. واضح است که مربی باید با مردم حشرونشر داشته باشد تا مردم او را از نزدیک ببینند و پس از شناخت مربی خود، در امر تربیت اخلاقی به او اعتماد کنند (قرآنی، ۱۳۸۸، ج ۶، ص ۲۲۹).

زندگی پیامبران الهی، گواه این حقیقت است که آن‌ها با مردم خود «زیست مشترک» داشتند؛ یعنی نوعی هم‌زیستی اخلاقی بلندمدت با مردم داشتند. قرآن کریم در آیات متعددی (برای مثال: توبه، ۱۲۸؛ بقره، ۱۲۹؛ آل عمران، ۱۶۴) به این موضوع اشاره می‌کند؛ از جمله در آیه ۳۲ سوره مؤمنون می‌فرماید: ﴿فَأَرْسَلْنَا فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ﴾. هم‌نشینی واژه «رسول» با «منهم» و «فیهم» بیانگر این حقیقت است که



رسولی، مرتبی و هادی مردم می‌باشد که در بین آنها و با آنها زندگی کرده است. در تفسیر آیه ۱۵۱ سوره بقره ﴿كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ...﴾ به نکته دقیقی در رابطه با این موضوع اشاره شده است:

واژگان «فیکم» و «منکم» در آیه مذکور، دو عنصر محوری به مثابه دو رکن رکن پذیرش رهبری هستند؛ زیرا اگر پیامبری در بین مردم باشد و همه نیازهای آنها را بداند و آداب و رسوم آنان را ارزیابی کند، ولی از نژاد و قبیله آنها نباشد و بالعکس، از قبیله آنان باشد، ولی در بین آنها نباشد، مشروعیت او، مقبولیت جامعه را به همراه ندارد؛ ولی اگر واجد هر دو اصل بود؛ یعنی هم در بین مردم بود و هم از نژاد آنان بود، مقبولیت او همانند مشروعیت وی به نصاب خاص خود می‌رسد و برای اهمیت مردمی بودن و در متن جامعه به سربردن، کلمه «فیکم» را قبل از کلمه «رسولاً» بیان فرمود تا شادابی و سرور جامعه برای پذیرش رسالت فراهم شود (جوادی آملی، ۱۴۳۲ق، ج ۷، ص ۴۹۸).

نکته شایان توجه این است که تمامی انبیاء علیهم‌السلام نه تنها در حین نبوت که حتی از قبل نبوت، در بین قوم خود زندگی می‌کردند و ارتباط تنگاتنگی با آنها داشتند؛ به نحوی که هیچ بُعدی از ابعاد زندگی ایشان از مردم مخفی نبود. قرآن کریم به این حقیقت درباره رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله تصریح کرده است: ﴿الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ﴾ (بقره، ۱۴۶). این آیه، شناخت دقیق و یقینی اهل کتاب از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله را به شناخت پدر از پسر تشبیه می‌کند که روشن‌ترین شناخت‌هاست؛ زیرا پدر و مادر، فرزند خود را (از ابتدای تولد) بدون استثنا می‌شناسند، اما ممکن است فرزند، پدر خود را نشناسد؛ چرا که شاید بعد از مرگ پدر متولد شده باشد یا در خردسالی پدرش فوت کرده باشد (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۲۰۲).

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله به این نکته اذعان کرده و می‌فرمود: «من قبل از آوردن قرآن، عمری بین شما بودم و در عین حال، هیچ خلائی از من سراغ ندارید»؛ ﴿فَقَدْ لَبِثْتُ



فِيكُمْ عُمْراً مِنْ قَبْلِهِ» (یونس، ۱۶). ایشان همواره در میان مردم بود تا جایی که کفار می‌گفتند: «این چه پیامبری است که غذا می‌خورد و در بازارها راه می‌رود؟» (فرقان، ۷). خداوند در آیه ۲۰ سوره فرقان پاسخ می‌دهد که همه پیامبران پیشین چنین بودند؛ غذا می‌خوردند و در بازارها راه می‌رفتند (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۱۹، ص ۳۰). پیامبر ﷺ تا حدی در دسترس مردم بود که طبق اولین آیه سوره مجادله ﴿قَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّتِي تُجَادِلُكَ فِي زَوْجِهَا﴾، حتی یک زن عادی می‌توانست به شخص پیامبر مراجعه و مشکلاتی را که با همسرش داشت به‌راحتی مطرح کند (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۹، ص ۴۹۹).

۲.۱.۲. زیست اخلاقی مربی مرتبط با بُعد شناختی انسان

مشی اخلاقی مربی و اتصاف وی به فضایل انسانی، لازمه امر تربیت است؛ فضایی نظیر خیرخواهی، دلسوزی، امانت‌داری، رازداری، عدالت‌ورزی و صداقت. قطعاً بدون این ویژگی‌ها هیچ‌گونه اعتمادی برای متری شکل نمی‌گیرد و امر تربیت منتفی می‌شود. همه انبیای الهی هم به این ویژگی‌های اخلاقی متصف بودند و هم خودشان را با این اوصاف معرفی می‌کردند. این امر، زمینه‌ساز شناخت و سپس اعتماد به ایشان می‌گردید. از جمله این ویژگی‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف) نصح: در فرهنگ قرآنی، «نصح» به معنی دلسوز، خیرخواه و اندرزگو می‌باشد (قرشی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۴۳۹) و شأن فرد ناصح، تلاش با هر وسیله‌ای برای ارشاد و هدایت است (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۱۷۵). حضرت نوح علیه السلام در ابتدای دعوتش، خود را با عبارت «أَنْصَحْ لَكُمْ» معرفی می‌کند: ﴿أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنْصَحُ لَكُمْ﴾ (اعراف، ۶۲)؛ یعنی در این راه از هیچ‌گونه خیرخواهی فروگذاری نمی‌کند. حضرت هود علیه السلام خود را ناصح معرفی می‌کند (اعراف، ۶۸) و برای رد اتهام و جلب اعتماد قوم خود می‌گوید: «من علاوه بر اینکه تبلیغ رسالت کردم،



دلسوز شما هم هستم و شما را پند و اندرز می‌دهم که نصایح مرا بپذیرید، والا وظیفه من تنها تبلیغ است» (طیب، ۱۳۶۹، ج ۵، ص ۳۵۹).

ب) امانت‌داری: امین به کسی گفته می‌شود که وصف امانت در او ثبوت و استقرار پیدا کرده و صلاحیت اعتماد و اطمینان دیگران را داشته باشد؛ به همین دلیل، اهالی مکه قبل از رسالت نبی اکرم صلی الله علیه و آله به آن حضرت، «محمد امین» می‌گفتند (جوادی آملی، ۱۴۳۷ق، ج ۱، ص ۲۹۸). در قرآن کریم، غیر از پیامبر اسلام، تعدادی از انبیای الهی به صفت «امین» متصف شده‌اند؛ از جمله: حضرت نوح (شعرا، ۱۰۷)، حضرت هود (شعرا، ۱۲۵)، حضرت صالح (شعرا، ۱۴۳)، حضرت لوط (شعرا، ۱۶۲)، حضرت شعیب (شعرا، ۱۷۸)؛ حضرت موسی (دخان، ۱۸) و حضرت یوسف (یوسف، ۵۴). تکرار این صفت در قرآن، نشانه واضحی از اهمیت این فضیلت اخلاقی است که در کنار امر رسالت قرار گرفته و بدون آن هرگز اعتماد امت‌ها به رسولان جلب نمی‌شد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۱۷۴).

نکته قابل توجه این است که واژه «امین» در کاربردهای متعدد قرآنی، بیشترین هم‌نشینی را با واژگان رسول و ناصح دارد؛ از این هم‌نشینی پرتکرار می‌توان این اصل را دریافت که دلسوزی و امانت‌داری، دو شرط اساسی تبلیغ و تربیت هستند که در اعتمادسازی نقش بسزایی دارند. طبق این اصل کلی، هر نوع هدایت و تربیتی در جامعه اگر با خیرخواهی و امانت‌داری توأم شود، ثمربخش خواهد بود.

امانت‌داری مهم‌ترین عامل برای جلب اعتماد دیگران و سپردن کارها و مسئولیت‌ها به افراد است؛ بر همین اساس، دختران شعیب علیها السلام، یکی از علل گزینش حضرت موسی علیه السلام را (برای عهده‌داری کارهایشان) امانت‌داری او برشمردند: ﴿يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ﴾ (قصص، ۲۶). حضرت یوسف علیه السلام نیز هنگام پذیرش مسئولیت خزانه‌داری مصر، امانت‌داری خویش را مطرح کرد و خود را شایسته پذیرش این مسئولیت دانست (یوسف، ۵۵). مأمور آوردن تخت بلقیس نیز امانت‌داری خود را دلیل شایستگی خود برای انجام این



مسئولیت برشمرد: ﴿إِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ﴾ (نمل، ۳۹). از این آیه فهمیده می‌شود امانت‌داری از ملاک‌های سپردن مسئولیت‌ها نزد سلیمان عليه السلام بود (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۲، ج ۴، ص ۲۵۳).

ج) رازداری: از جمله لوازم امانت‌داری، رازداری است که پیامبران الهی متخلق به این فضیلت بودند؛ برای نمونه، حضرت یوسف عليه السلام هنگام دستگیری برادرش به اتهام دزدی، وقتی سایر برادرها گفتند: «وی برادری داشت که او نیز دزد بود و این برادر همانند اوست» (یوسف، ۷۷)، درباره نارو بودن این اتهام چیزی نگفت و راز نهانی برادرانش را فاش نکرد تا رسوا نشوند.

د) عدالت‌ورزی: عدالت‌ورزی از ویژگی‌های اخلاقی است که ارتباط مستقیمی با اعتمادسازی دارد. تمامی پیامبران الهی در زندگی خود، الگوی کامل عدالت بودند. در آیه ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾ (حدید، ۲۵)، هدف از اعزام سفیران الهی، اجرای قسط و عدل معرفی شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۳، ص ۳۷۱). خداوند متعال، رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم را مأمور اجرای عدالت کرد و فرمود: این امر مهم را به همگان اعلام کن؛ ﴿وَقُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمْ﴾ (شوری، ۱۵). بر اساس این آیه، پیامبر اکرم خود را موظف می‌داند همه مردم را به یک چشم ببیند، قوی را بر ضعیف و غنی را بر فقیر و کبیر را بر صغیر مقدم ندارد، سفید را بر سیاه و عرب را بر غیرعرب برتری ندهد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۴۴).

ه) صدق: صداقت از فضایل بسیار مهم اخلاقی است که اعتماد در روابط را به ارمغان می‌آورد. خداوند متعال در قرآن کریم با صیغه مبالغه «صدیق» و عبارت «صادق الوعد» بر صدق پیامبرانش تأکید کرده است؛ برای نمونه، در آیه ۴۱ سوره مریم می‌فرماید: «ای پیامبر، در کتاب خود شرح حال ابراهیم عليه السلام را یاد کن؛ زیرا او پیامبری بسیار راست‌گو بود». در قرآن به صداقت بسیاری از پیامبران، از جمله حضرت ادریس (مریم، ۵۶) و حضرت یحیی (آل عمران، ۳۹) تصریح شده است.



خداوند همچنین در آیه «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ. إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ» (نجم، ۳-۴) بر صداقت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در دریافت وحی تأکید کرده است.

صدق و راستی را می‌توان از یک لحاظ به سه گونه تقسیم کرد: صدق مع الله، صدق مع النفس و صدق مع الناس. پیامبران الهی دارای حد اعلای مقام صدق در هر سه گونه بودند. صدق مع الله آن است که انسان خلوص نیت پیشه کند؛ زیرا خداوند، عمل «واصب» و «خالص» را می‌پذیرد. «واصب» درباره «کم» (مقدار) است و «خالص» در مورد «کیف» (چگونگی)؛ یعنی تمام اجزای عمل باید حق و عبادی باشد (جوادی آملی، ۱۴۰۱ق، ص ۳۳۵). صدق مع النفس یعنی انسان با خودش راست گو باشد و عیوب خود را ببیند و برای برطرف کردن آن عیوب بکوشد. صدق مع الناس نیز به این معناست که انسان در همه حال راست گویی پیشه کند (حتی اگر به ضرر او باشد) تا جایی که به مقام صدیقان برسد. صدیق، کسی است که صداقت در گوهر ذات او رسوخ کرده و ملکه شده است. مؤمنان واقعی و در رأس ایشان، رسولان الهی، صادق و صدیق هستند؛ ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ وَالشَّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ﴾ (جوادی آملی، ۱۴۳۲ق، ج ۱۹، ص ۴۴۱).

و وفای به عهد: یکی از نمودهای صداقت در گفتار و رفتار، وفای به عهد است که پیامبران الهی علیهم السلام در این عرصه نیز شهره بودند؛ برای نمونه، در قرآن کریم حضرت ابراهیم علیه السلام، الگوی وفاداری معرفی شده است: ﴿وَإِبْرَاهِيمَ الَّذِي وَفَّى﴾ (نجم، ۳۷). همچنین درباره حضرت اسماعیل علیه السلام بیان شده که او در وعده‌هایش صادق بود: ﴿وَإِذْ كُنَّا فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَّبِيًّا﴾ (مریم، ۵۴).

۲.۲. روش‌های عاطفی

روش‌های عاطفی، روش‌هایی هستند که بر انگیزه‌ها، ارزش‌ها و گرایش‌های فرد تمرکز می‌کنند؛ چراکه رفتار انسان تحت تأثیر عوامل درونی، مانند خواسته‌ها و



عواطفش، قرار دارد. پیامبران علیهم السلام برای اعتمادسازی در تربیت اخلاقی از شیوه‌های عاطفی زیر بهره می‌گرفتند:

۲.۲.۱. ایجاد پندارهٔ سنخیت برای متری و درک او

یکی از مهم‌ترین عوامل اعتمادسازی در تربیت اثرگذار این است که متری احساس کند متری اش انسانی است مثل او، او را می‌فهمد و نیازها و مشکلاتش را درک می‌کند. انبیا علیهم السلام برای زمینه‌سازی تربیت اخلاقی مردم، پیوسته بر بشر بودن خویش و سنخیت با مردم و درک نیازهای آنان تأکید داشتند. اصلاً شرط نبوت و انجام هرگونه عمل هدایتی و تربیتی پیامبران الهی، انسان بودن ایشان است؛ این ویژگی موجب می‌شود مردم با پیامبران احساس قربت و به آنان اعتماد کنند و ایشان را در عمل، الگوی خویش قرار دهند. روشن است موجودی که از سنخ بشر نباشد و هیچ‌گونه آشنایی با عواطف، غرایز، خواسته‌ها و سایر امور انسانی نداشته باشد، نمی‌تواند انسان‌ها را امرونی کند و الگوی آنان قرار گیرد (جوادی آملی، ۱۴۳۷ق، ج ۱، ص ۱۴۰).

نکته قابل توجهی که از آیات قرآن استنتاج می‌شود این است که معصومین علیهم السلام «انسان‌های مافوق» بودند نه «مافوق انسان‌ها»؛ برای این اساس، خداوند متعال پیامبران را انسان‌هایی از جنس بشر معرفی می‌کند که برای هدایت مردم فرستاده شدند ﴿إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ﴾ تا افزون بر نمایاندن حقیقت‌های علمی، الگوی عملی آنان باشند تا مردم آنان را ببینند و سخنانشان را بشنوند و به رفتار و اخلاقشان تأسی کنند (جوادی آملی، ۱۴۳۲ق، ج ۳۶، ص ۶۳).

قرآن کریم، پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله را چنین وصف می‌کند: ﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ﴾ (توبه، ۱۲۸)؛ یعنی پیغمبری از جنس خود شما برای شما آمده است که بدبختی‌ها و مشقت‌های شما بر او گران و ناگوار است، کوشاست که شما را از این مشقت‌ها نجات دهد. در این آیه



نفرمود: «پیامبر از شماست»، بلکه فرمود: «پیامبر از خودتان است»؛ گویی پیامبر پاره‌ای از جان مردم و روح جامعه است که در شکل فرستاده خدا ظاهر گردیده و از این رو، با دردها و مشکلات آنان آشنا و شریک غم‌های آنان است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۸، ص ۳۵۲).

در حقیقت، قرآن کریم در صدد ترویج دیدگاه وصل‌انگارانه و موفق در الگوگیری از پیامبران الهی است و بر رویکرد آسمانی‌زمینی اولیای الهی تأکید دارد؛ یعنی ایشان هم بشر هستند و هم متصل به وحی الهی‌اند. طبق این دیدگاه، پیامبران و امامان دو جنبه دارند: یکی، جنبه بشری و دیگری، جنبه فرابشری. در بُعد بشری، آنان اسوه همگان‌اند و رفتار آنان قابل الگوگیری است. بر این اساس، خداوند متعال به پیامبر دستور می‌دهد که بگوید: ﴿قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ...﴾ (فصلت، ۶)؛ فقط وظیفه من آن است که به شما بگویم من هم مانند شما انسانی هستم که از جانب خدا به من وحی می‌رسد. من جنّ و ملک نیستم که با شما سنخیت نداشته باشم و شما را دعوت نمی‌کنم به امری که عقول سلیمه و اسماع سالمه از تقبّل و تلقّی آن انزجار داشته باشند، بلکه دعوت می‌کنم شما را به توحید و استقامت در دین (ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸ق، ج ۴، ص ۵۴۶). کلمه «انما» در این آیه، رسول خدا ﷺ را منحصر در بشریت و همانندی با سایر بشرها می‌سازد؛ به‌طوری که هیچ زیادتی برای خود ادعا نمی‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۵۵۶).

۲-۲-۲. خالص کردن دعوت خویش از هرگونه شائبه مادی

داشتن انگیزه‌های الهی، دلیل بر صدق مدعی نبوت است و به دنبال آن اعتمادسازی برای مخاطب محقق می‌شود، در حالی که انگیزه‌های مادی با هدف سودجویی به سلب اعتماد مخاطبان منجر می‌شود. مریانی که در صدد تربیت اخلاقی هستند باید این رفتار پیامبران را سرلوحه خویش قرار دهند و از این رهگذر، اسباب اعتماد متربی خود را فراهم کنند.



انبیاء علیهم السلام در برابر تبلیغ و خدمتشان هیچ توقعی نداشتند؛ ایشان نه مزد مادی می‌خواستند نه جاه‌طلب بودند. از لحاظ عقلی، اگر رهبر مردم، دارای دو اصل باشد، هرگز ترک دستوره‌ای وی قابل توجیه نیست؛ اصل اول، دعوت حیات‌بخش و رهنمود سودمند است و اصل دوم، نزاهت رهبر از اغراض دنیوی، مزدخواهی، جاه‌طلبی و نظایر آن؛ زیرا کسی که تنها اجر او بر عهده خداست، از گزند غرض مادی و جاه‌طلبی مصون است (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۳۸۴). همه انبیای الهی از مکتب ارزشمندی برخوردارند و رهنمودهای ایشان، کاسب‌کارانه نیست. بی‌طمع‌بودن و رایگان‌بودن تعلیم و تربیت، شعار رسمی همه آنهاست (جوادی آملی، ۱۴۳۲ق، ج ۳۷، ص ۱۸۵). برخی از انبیا به صراحت و برخی به اشاره فرموده‌اند که ما رایگان خدمت می‌کنیم. قرآن کریم، عبارت «**مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ**» را از قول حضرت نوح (شعراء، ۱۰۹)، حضرت هود (شعراء، ۱۲۷)، حضرت صالح (شعراء، ۱۴۵)، حضرت لوط (شعراء، ۱۶۴)، حضرت شعیب (شعراء، ۱۸۰) و پیامبر اکرم (فرقان، ۵۷) نقل می‌کند. تنها در سوره شعراء، این جمله پنج بار تکرار شده است (در آیات ۱۰۹، ۱۲۷، ۱۴۵، ۱۶۴ و ۱۸۰).

چه بسا مهم‌ترین دلیل تأکید پیامبران بر نخواستن اجر و مزد این باشد که مردم حساب ایشان را از کسانی که با قیافه خیرخواهی وارد می‌شوند، ولی هدفشان رسیدن به پول و مال دنیا است، جدا کنند و بدانند که پیامبران کار خود را فقط برای خدا انجام می‌دهند و به ایشان اعتماد کنند (جعفری، ۱۳۷۶، ج ۵، ص ۲۴۹)؛ برای نمونه، حضرت هود علیه السلام در دعوت قوم خود چنین می‌گوید: «**يَا قَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى الَّذِي فَطَرَنِي أَفَلَا تَعْقِلُونَ**» (هود، ۵۱). چنان‌که ملاحظه می‌شود، این پیامبر بزرگ خدا در گفتار خود بر دو اصل تأکید نموده است: اول، مطابقت سخنانش با حق و دوم، رایگان‌بودن دعوتش (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ج ۱۸، ص ۸۷). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز مأمور بود به همین خصلت نیکو اقتدا کند و به مردم بگوید در ازای عمل به وظایف رسالت، هیچ پاداشی از آن‌ها انتظار ندارد (فرقان، ۵۷). ایشان



اضافه می‌کند: ﴿إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا﴾؛ یعنی تنها اجر و پاداش من هدایت شماسست و این تعبیر جالبی است که نهایت لطف و محبت پیامبر را نسبت به پیروانش روشن می‌سازد؛ چراکه اجر و مزد خود را سعادت و خوشبختی آنان می‌شمرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۵، ص ۱۳۳).

۳.۲.۲. زیست اخلاقی مربی مرتبط با بُعد عاطفی انسان

استفاده از ابزار محبت و اخلاق نیک، یکی از کارآمدترین روش‌های عاطفی در تربیت اخلاقی است که محبوبیت و مقبولیت مربی را به ارمغان می‌آورد. این روش بیشترین تناسب را با فطرت انسانی دارد؛ لذا اگر درست و به اعتدال به کار گرفته شود، تأثیری شگفت در تربیت آدمی می‌گذارد. طبق فرموده پیامبر خدا ﷺ، حُسنِ خُلُق، رشته دوستی را استوار می‌کند (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۴۵).

از دیدگاه روان‌شناسی نیز اعتماد در وابستگی عاطفی ریشه دارد. هرگاه عواطف رشد یافته و بتواند در میان افراد انتقال یابد، اعتماد ایجاد و تقویت می‌گردد (چلبی، ۱۳۷۵، ص ۲۴۹-۲۵۱). انبیای الهی برای تربیت اخلاقی، بیشترین بهره را از روش‌های تحول‌آفرین عاطفی می‌بردند و زیست اخلاقی ایشان نمودار عطفوت، گشاده‌رویی، تواضع و احترام بود. قطعاً اگر این خلق و خوی برجسته نبود، اگر نرمی و محبت نبود، پیامبران در تزکیه و تعلیم مردم دچار شکست می‌شدند (بهشتی، بی‌تا، ص ۱۴۵). در قرآن کریم، پیامبر اسلام به عنوان نماد اخلاق معرفی شده است: ﴿إِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾ (قلم، ۴). به شهادت قرآن، اگر پیامبر نرم‌خو و خوش‌اخلاق نبود، مردم از اطراف ایشان پراکنده می‌شدند (آل عمران، ۱۵۹).

رسول اکرم (ص) که اسوه اخلاق و رفتار نیکوست، خود را ادب کرده پروردگار دانسته و می‌فرماید: ﴿أَدَّبَنِي رَبِّي فَأَحْسَنَ تَأْدِيبِي﴾ (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۱۷۵). قرآن کریم نیز حضرت را پیامبر رحمت نامیده (انبیاء، ۱۰۷) و ایشان را در مواجهه با مؤمنان، رئوف و مهربان وصف کرده است (توبه، ۱۲۸).



خداوند متعال پیامبرش را به تواضع و رفتار فروتنانه با مؤمنان موظف کرده و می‌فرماید: ﴿وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ﴾ (انعام، ۵۴). نقل است رسول خدا (ص) با هر کس، اعم از کوچک و بزرگ، روبه‌رو می‌شد، سلام می‌داد و می‌فرمود: «نزدیک‌ترین مردم به خدا و رسولش کسی است که در سلام کردن پیش‌دستی کند» (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۵۰۹). در آیه ﴿وَإِخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (شعراء، ۲۱۵)، به پیامبر گران‌قدر اسلام امر شد: «برای آن مؤمنانی که تو را پیروی کرده‌اند، بال خود را فروگستر». این تعبیر زیبا کنایه از تواضع توأم با ملاطفت است. همان‌گونه که پرندگان هنگامی که می‌خواهند به جوجه‌های خود اظهار محبت کنند، بال‌های خود را گسترده و آنان را زیر بال‌وپر می‌گیرند تا هم در برابر حوادث احتمالی مصون مانند و هم از تشنه و پراکندگی حفظ شوند، پیامبر نیز مأمور است مؤمنان راستین را زیر بال‌وپر خود بگیرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۵، ص ۳۶۷).

در قرآن کریم با عبارت ﴿وَخَنَانًا مِنَ لَدُنَّا...﴾ (مریم، ۱۳) تبلور لطف و شفقت الهی در وجود حضرت یحییٰ (ع) به تصویر کشیده شده است. «خَنَان» به معنی رحمت و شفقت و محبت و ابراز علاقه است (زحیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۶، ص ۶۳). یکی از مصادیق ارتباط عاطفی بین مربی و متربی آن است که از حال هم‌باخبر باشند. شخصی مثل حضرت سلیمان که هم مشغله نبوت داشت و هم حکومتی بی‌نظیر را اداره می‌کرد، حتی از یک پرنده کوچک، آن هم در میان هزاران موجود دیگر غافل نمی‌شد. در قرآن می‌خوانیم روزی حضرت سلیمان (ع) فرمود: ﴿مَا لِي لَا أَرَى الْهَدُودَ﴾؛ مرا چه شده است که هدهد را نمی‌بینم؟ (نمل، ۲۰). اگرچه رسالت و سلطنت از مسائل مهم و کلی است؛ اما باعث نمی‌شود که حضرت سلیمان از اطرافیان خود غافل شود (قرائتی، ۱۳۹۷، ص ۵۹-۶۰).

تعبیر «فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ عَلَى آثَارِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهِذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا» (کهف، ۶)، نهایت دلسوزی و عطوفت پیامبر به مردم را می‌رساند. گویا پیامبر به شخصی

تشبیه شده که می‌بیند عزیزترین افرادش از او جدا می‌شوند و او با حسرت از پشت سرشان به آنان نگاه می‌کند (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۵، ص ۱۴۱). قرآن کریم، پیغمبر را این طور توصیف می‌کند: «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ» (توبه، ۱۲۸). واژه «حریص» در اصل به معنی شدت علاقه به چیزی است و در این آیه می‌خوانیم: «پیامبر بر شما حریص است»؛ یعنی به هر گونه خیر، سعادت و پیشرفت شما عشق می‌ورزد. واژه «رئوف» به محبت و لطف مخصوص حضرت در مورد فرمان‌برداران اشاره دارد و واژه «رحیم» به رحمت ایشان در مورد گناهکاران اشاره می‌کند (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۸، ص ۳۵۳).

۳.۲. روش‌های رفتاری

روش‌های رفتاری از مهم‌ترین روش‌ها در تربیت اخلاقی هستند که بر مهارت‌های عملی و رفتارهای عینی تمرکز دارند. رفتار فرد بهترین نمود لایه‌های درونی هویت و شخصیت اوست؛ چرا که انسان بر طبق باورها و ارزش‌های پذیرفته‌شده‌اش رفتار می‌کند. پیامبران الهی، به عنوان کامل‌ترین الگوهای عملی، به بهترین وجه از این روش‌ها برای اعتمادسازی متربیان خود استفاده کرده‌اند. در ادامه به سه مورد از این شیوه‌ها اشاره می‌شود:

۳.۲.۱. مطابقت گفتار و رفتار

یکی از ویژگی‌های مهم هر مربی که وثاقت وی را نشان می‌دهد، تطابق گفتار و رفتار و عامل بودن او به گفته‌هایش می‌باشد؛ به نحوی که قبل از آمر بودن، عامل باشد و قبل از اصلاح دیگران، خود صالح باشد. اگر مربی بین گفتار و رفتار مربی تناقض و تعارض مشاهده کند، همین امر باعث می‌شود نسبت به همه گفته‌ها و نظام فکری عملی مربی بی‌اعتماد گردد و در نتیجه، در نظام فکری عملی خود نیز دچار اختلال و سردرگمی شود (شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۲۰۴).



یکی از آموزه‌های اساسی از نظر فردی و اجتماعی، راست‌گویی و راست‌کرداری است که باید بر اعتقادات، اخلاق و رفتار انسان حاکم باشد. از نظر اعتقادی، آدمی باید آنچه را با زبان می‌گوید، در دل به آن باور و اعتقاد داشته باشد و در اخلاق و رفتار نیز انسان باید راستی را شیوه زندگی‌اش قرار دهد تا از این طریق زمینه اعتماد اجتماعی را فراهم کند (جوادی آملی، ۱۳۹۴، ص ۵۲۵). در واقع، مربی‌ای که به آموزه‌های خودش عمل نمی‌کند، با زبان رفتار خود، این پیام را می‌دهد که من به حقانیت و درستی آموزه‌های خودم اعتقاد ندارم و این طبیعی است که مربی به گفته‌های چنین معلمی اعتماد نمی‌کند (داوودی، ۱۳۹۸، ص ۱۷۸). پیامبران الهی، به‌عنوان مربیان نمونه طی تاریخ بشریت، اگر به توحید و عدالت، صبر و صداقت، اخلاص و دیگر صفات نیک دعوت می‌کردند، خودشان در این صفات و خصال، برتر و پیشرو بودند و بیش و پیش از همه در اکتساب فضایل و اجتناب از رذایل سبقت می‌جستند.

یکی از نشانه‌های حقانیت مصلحان الهی این است که چیزی از پیش خود نمی‌گویند. فعلشان مخالف قولشان، و نظرشان منافی با عملشان نیست (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۰، ص ۵۵۱). هدایت ایشان، هدایت قیادت است نه هدایت سیاق؛ از این رو، می‌فرمایند ما قاندم نه سائق؛ یعنی چنین نیست که بایستیم و به شما دستور رفتن بدهیم یا به دنبال شما حرکت کنیم، بلکه می‌رویم و به شما می‌گوییم به دنبال ما بیایید (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ج ۱۸، ص ۱۳۰). در داستان حضرت شعیب علیه السلام آمده است وقتی مردم از ایشان دعوت به ترک بت‌پرستی و کم‌فروشی را شنیدند، دعوتش را رد کردند. حضرت شعیب علیه السلام در جواب قوم خود می‌گوید: «گمان مبرید که من می‌خواهم شما را از چیزی نهی کنم، ولی خودم به سراغ آن بروم» (هود، ۸۸)؛ به شما بگویم کم‌فروشی نکنید، اما خودم با انجام این اعمال، ثروتی بیندوزم و یا شما را از پرستش بت‌ها منع کنم، اما خود در برابر آن‌ها سر تعظیم فرود آورم؛ نه هرگز چنین نیست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۹، ص ۲۰۹).



۲.۳.۲. زیست اخلاقی مرتبی مرتبط با بُعد رفتاری

بین میزان اعتبار مرتبی با اعتماد مرتبی به وی، رابطه مستقیمی وجود دارد؛ به این معنی که هرچه گفتار و رفتار مرتبی از اعتبار بیشتری برخوردار باشد، وی از مقبولیت و اعتماد بیشتری نزد مرتبی برخوردار می‌شود. مرتبی معتبر کسی است که به محتوای تربیتی که به مرتبی ارائه می‌دهد، ایمان دارد، حرف حق را با شجاعت و قاطعیت می‌زند، پای حرف خود می‌ایستد و تغییر شرایط موجب تزلزل و تغییر عقیده او نمی‌شود که اگر چنین نباشد، مرتبی هرگز به او اعتماد نمی‌کند. از جمله ویژگی‌های رهبران راستین الهی که باعث جلب اعتماد مخاطبان‌شان می‌شود، زیست اخلاقی و نمود صراحت، شجاعت و قاطعیت در گفتار و رفتار است. در ادامه به اختصار به این موارد پرداخته می‌شود:

الف) صراحت: پیامبران با صراحت تمام، برنامه و اهداف خود را بیان می‌کنند؛ برخلاف رهبران دروغین که اهداف و برنامه‌های خود را با ابهام بازگو می‌نمایند تا بتوانند انحراف‌های خود را پوشانیده و توجیه کنند (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۱۰، ص ۱۸۲). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله براساس آیه **﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي﴾** (یوسف، ۱۰۸) مأموریت پیدا کرد آیین و روش خود را دقیقاً مشخص کند و بگوید این دعوت به توحید و آمادگی برای معاد، راه و طریقه من است و آن طریقه‌ای است که مردم را به سوی خدا از روی بصیرت و بینایی و یقین، نه از روی حدس و گمان و تقلید، دعوت می‌کنم (ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸، ج ۳، ص ۱۸۲). از کلمه «قل» در آیه بالا استفاده می‌شود که حضرت موظف بوده مواضع عقیدتی برنامه رسالت خویش را دقیق و صریح اعلام نماید (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶، ج ۸، ص ۴۵۸).

ب) شجاعت: یکی از ویژگی‌های پیامبران الهی، شجاعت بی‌نظیر ایشان در برائت از کفر و شرک و ترویج یکتاپرستی در هر شرایطی است. ایشان بدون هیچ گونه واهمه‌ای از تهدیدها و خطرات، با طمأنینه به بیان عقاید راسخ خود می‌پرداختند.



خداوند متعال از حضرت ابراهیم علیه السلام به عنوان سرمشق شجاعان یاد می‌کند؛ زیرا با صدای بلند و با شهامتی بی نظیر از بت‌ها اعلام برائت می‌کرد و می‌گفت: «به خدا سوگند، بت‌های شما را با نهایت تدبیر در هم می‌شکنم» (انبیاء، ۵۷).

درباره حضرت نوح علیه السلام در قرآن آمده است که ایشان در نهایت شجاعت، با وجود قَلت افراد، در مقابل دشمنان نیرومند و متعصب ایستادگی کرد و قدرت آن‌ها را به سخره گرفت (یونس، ۳۷). جالب اینکه ایشان نه تنها به قدرت مخالفان و شرارت‌های آن‌ها اعتنا نمی‌کرد، بلکه آن‌ها را به قیام بر ضدّ خود تحریک می‌کرد تا به آنان اثبات کند قلب و روح او به جای دیگری وابسته است که با توکل بر ذات پاک او کمترین واهمه‌ای از توطئه‌های دشمنان ندارد، هرچند قوی و سرسخت باشند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۲۵۹). حضرت هود علیه السلام نیز وقتی از سوی قومش به مرگ تهدید شد، با شجاعت، مشابه حضرت نوح علیه السلام سخن گفت: ﴿اِنِّیْ بَرِیٌّ مِّمَّا تُشْرِکُوْنَ... اِنِّیْ تَوَكَّلْتُ عَلٰی اللّٰهِ رَبِّیْ وَ رَبِّکُمْ﴾ (هود، ۵۴-۵۶).

نکته قابل توجه این است که گفتن «نمی‌دانم» یا «نمی‌توانم» از نشانه‌های شجاعت انسان است؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در بیان حقایق صریح بودند و در مواردی که علم به موضوعی نداشتند، با شجاعت به آن اذعان کرده و می‌فرمودند: «قُلْ اِنْ اَدْرِیْ...» (جن، ۲۵).

ج) قاطعیت: از جمله امتیازات انبیای الهی این بود که عموماً به مرام و مکتب خویش ایمان قاطع داشته و هیچ گونه تزلزلی در اعتقاد خود نداشتند؛ قبل از همه خودشان مؤمن بودند و بیش از همه استقامت و پایداری داشتند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۳۹۸).

تسلیم‌نشدن در برابر خواسته‌های دشمنان بهانه‌جو و پافشاری بر انجام دادن وظایف الهی، سیره عملی پیامبر صلی الله علیه و آله بود (یونس، ۱۵). قرآن در ستایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: ﴿اٰمَنَ الرَّسُوْلُ بِمَا اُنْزِلَ اِلَیْهِ مِنْ رَبِّهِ﴾ (بقره، ۲۸۵)؛ پیامبر، بدان چه از جانب پروردگارش بر او نازل شده است ایمان آورده است؛ لذا وقتی



مشرکان مکه به آن حضرت پیام دادند که اگر همسر یا ثروت می‌خواهی به تو می‌دهیم، به شرط آنکه از ادعای خود دست برداری، ایشان فرمود: «اگر خورشید را در دست راستم بگذارند و ماه را در دست چپم، از هدفم دست برنمی‌دارم تا اینکه در این راه هلاک گردم یا خداوند مرا نصرت داده و بر آنان غالب آیم» (ابن هشام حمیری، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۶۴). به شهادت تاریخ، هیچ خطری نمی‌توانست مانع پیامبران در راه دفاع از حق و حقیقت شود. ایشان گاه جان خود را در این راه فدا می‌کردند (بقره، ۶۱)، گاه مورد تمسخر و تحقیر قرار می‌گرفتند (حجر، ۶) و گاه به تبعید و اخراج از شهر و دیار خود تهدید می‌شدند (اعراف، ۸۲)؛ اما هیچ‌یک از این سختی‌ها، ذره‌ای از عزم و اراده‌ آنها در راه دفاع از حقیقت نمی‌کاست.

۲.۳.۳. اصلاح رابطه با خدا

در نهج البلاغه (حکمت ۸۹) آمده است: «من اصلاح ما بینه و بین الله اصلحه الله ما بینه و بین الناس»؛ در این حکمت، حضرت علی علیه السلام به پیوند عمیق انسان با خدا و رابطه‌اش با دیگران اشاره می‌کند. ایشان می‌فرماید اگر کسی در درجه اول، رابطه خود با خدا را اصلاح کند و به وظایف و تکالیف دینی خود عمل نماید، خداوند نیز به زندگی دنیوی و اجتماعی او برکت و نظم می‌بخشد؛ به عبارت دیگر، صلاح و درستی در روابط با خدا، مبنای صلاح و درستی در روابط با دیگران است.

وقتی انسان در سایه تربیت دینی و عبودیت الهی حرکت می‌کند و تابع حق و حقیقت می‌شود، به تدریج به مراتبی از مجذوبیت به حق نائل می‌شود و در سایه عشق به حق، همه علائق او در جهت حق قرار می‌گیرد (سادات، ۱۳۸۱، ص ۱۰۸). کسانی که در مقامات عبودیت بالا می‌روند، ارزش‌های انسانی، از جمله عقل، عشق، قدرت و عزت، در آنها قوی‌تر می‌شود؛ چون همه این‌ها مظاهر ذات حق و صفات کمالیه هستند و وقتی که انسان به خدا نزدیک شد، ارزش‌های انسانی در او بیشتر می‌شود



(مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲۳، ص ۳۱۶) و این امر زمینه اعتماد دیگران به وی را فراهم می‌کند.

در قرآن کریم، پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله بارها با صفت «عبد» وصف شده است؛ در آیه ۹ سوره حدید آمده است: ﴿هُوَ الَّذِي يَنْزِلُ عَلَى عَبْدِهِ﴾؛ حقیقت عبودیت این است که انسان از تحت فرمان مولا قدمی بیرون نگذارد و انانیتی برای خود قائل نشود. بی‌شک، مقام عبودیت برای انسان بالاترین مقام است؛ حتی از مقام رسالت بالاتر است؛ چنانچه در تشهد نماز، عبودیت بر رسالت مقدم شده است (طیب، ۱۳۶۹، ج ۱۲، ص ۴۲۳).

طبق آیات قرآن، تمام انبیا صلی‌الله‌علیه‌وآله از صالحان بوده‌اند ﴿كُلٌّ مِنَ الصَّالِحِينَ﴾ (انعام، ۸۵) و آرزوی ملحق شدن به آنان را داشته‌اند؛ چنان که حضرت یوسف علیه‌السلام فرمود: ﴿وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ﴾ (یوسف، ۱۰۱) و ما نیز در پایان هر نماز به آنان سلام می‌فرستیم: ﴿السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ﴾ (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۲۴۶).



نتیجه‌گیری

در این مقاله، راه‌های اعتمادسازی انبیا در تربیت اخلاقی از منظر قرآن کریم بررسی و نتایج زیر حاصل گردید:

اعتماد، عنصر اساسی در هر نوع رابطه‌ای (چه شخصی و چه حرفه‌ای) است. بدون اعتماد، روابط سست و شکننده است و هر نوع تأثیرگذاری و همکاری دشوار و چه بسا غیرممکن می‌شود. با تتبع در آیات قرآن کریم دریافتیم انبیای الهی علیهم‌السلام در راستای زمینه‌سازی تربیت اخلاقی، از روش‌های مختلفی برای جلب اعتماد مخاطبان خود استفاده می‌کردند. در این مقاله، از طریق استقرای ناقص، تعدادی از مهم‌ترین آن‌ها را معرفی و در سه دسته شناختی، عاطفی و رفتاری تبیین کردیم که عبارت‌اند از:

- روش‌های شناختی: زیست مشترک با مترینان و مردم، و زیست اخلاقی مربی مرتبط با بُعد شناختی؛
- روش‌های عاطفی: ایجاد پندارهٔ سنخیت برای مربی و درک او، خالص کردن دعوت خویش از هرگونه شائبهٔ مادی، و زیست اخلاقی مربی مرتبط با بُعد عاطفی؛
- روش‌های رفتاری: تطابق گفتار و رفتار، زیست اخلاقی مربی مرتبط با بُعد رفتاری، و اصلاح رابطه با خدا.

ره‌آورد پژوهش پیش رو این است که از طریق جری و تطبیق روش‌های طرح‌شده در عرصهٔ تربیت اخلاقی بر سایر افراد و عرصه‌ها، تک‌تک این روش‌ها نه‌تنها برای والدین و مربیان تربیتی که برای داعیه‌داران امر حکومت و فعالان عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... قابل بهره‌وری است. در وهلهٔ اول بایسته است طلاب و مبلغان علوم دینی، به‌عنوان عهده‌داران امر تربیت اخلاقی در عصر حاضر، به‌جای تبلیغ خطابی (یعنی بیان مستقیم و مکرر گزاره‌های دینی) با الگوگیری از سنت انبیا الهی، زیست مشترک با مردم را پیشهٔ خود سازند و با هدف اعتمادسازی در بین مردم استقرار یافته و در مرآ و منظر مردم باشند، خیرخواهی و

دلسوزی خود را در قبال مردم اثبات کنند، با مردم صادق و یک‌رنگ باشند، خود را از مردم دانسته و مشکلات و درد ایشان را درد و مشکل خود بدانند، خود را تافتهٔ جدا بافته نپندارند، خلوص نیت خود را به مردم نشان دهند و برای پول و مقام کار نکنند، به وعده‌های خویش عمل کرده و قاطعانه پای حرف و باورهایشان ایستادگی کنند تا از این رهگذر مقبولیت نزد مردم را به دست آورند. مخلص کلام اینکه هرگونه موفقیت و پیشرفت در هر عرصه‌ای مبتنی بر اعتماد است و لازم است برای برای اعتمادسازی از شیوه‌های مطمئن و آزموده‌شده استفاده شود.





کتاب نامه

* قرآن کریم.

* نهج البلاغه.

آنسلمو، ساندرای (۱۳۷۹)، رشد دوره اولیة کودکی؛ پیش از تولد تا هشت سالگی، ترجمه علی آخشینی، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش های اسلامی.

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق)، تحف العقول، چاپ دوم، قم: دار الحديث.

ابن عاشور، محمد طاهر (۱۴۲۰ق)، تفسیر التحریر و التنویر معروف بتفسیر ابن عاشور، بیروت: مؤسسة التاریخ.

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت: دار صادر.
ابن هشام حمیری معافری، عبدالملک (بی تا)، زندگانی محمد ﷺ، ترجمه سیدهاشم رسولی محلاتی، قم: کتابچی.

بناری، علی همت (۱۳۷۹)، «تربیت اخلاقی و ضرورت نگاهی دوباره به آن»، تربیت اسلامی، ش ۲، ص ۱۶۵-۱۹۲.

بهشتی، احمد (بی تا)، تربیت از دیدگاه اسلام، قم: دفتر نشر پیام.
پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲)، نهج الفصاحة، چاپ چهارم، تهران: دنیای دانش.
ثقفی تهرانی، محمد (۱۳۹۸ق)، روان جاوید در تفسیر قرآن مجید، چاپ دوم، تهران: برهان.

جعفری، یعقوب (۱۳۷۶)، تفسیر کوثر، قم: هجرت.
جلالی، حسین (۱۳۸۰)، «درآمدی بر بحث بینش، گرایش، کنش و آثار متقابل آن ها»، معرفت، ش ۵۰، ص ۴۵-۵۵.

جمعی از نویسندگان (زیر نظر استاد محمدتقی مصباح یزدی) (۱۳۹۱)، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، چاپ دوم، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله.



- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹)، تفسیر موضوعی قرآن کریم (ج ۶): سیره پیامبران در قرآن، قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱)، تفسیر موضوعی قرآن کریم (ج ۱۸): ادب توحیدی انبیاء در قرآن، قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۴)، دانش و روش بندگی، قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۴۰۱ق)، تفسیر انسان به انسان، قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۴۳۲ق)، تسنیم فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۴۳۷ق)، ادب فنای مقربان، چاپ دوم، قم: اسراء.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵)، جامعه‌شناسی نظم؛ تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، تهران: نشر نی.
- داوودی، محمد (۱۳۹۸)، نقش معلم در تربیت دینی، چاپ هفتم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۷)، تفسیر قرآن مهر، قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
- زحیلی، وهبه (۱۴۱۸ق)، التفسیر المنیر فی العقیده والشریعة والمنهج، چاپ دوم، بیروت: دار الفکر.
- سادات، محمدعلی (۱۳۸۱)، اخلاق اسلامی، تهران: سمت.
- ساعی، علی (۱۳۹۰)، تحلیل فازی اعتماد اجتماعی، تهران: جامعه و فرهنگ.
- شاه‌عبدالعظیمی، حسین (۱۳۶۳)، تفسیر اثنی‌عشری، تهران: میقات.
- شولتز، دوان (۱۳۹۸)، نظریه‌های شخصیت، ترجمه یوسف کریمی و دیگران، تهران: ارسباران.
- صادقی تهرانی، محمد (۱۴۰۶ق)، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة، چاپ دوم، قم: فرهنگ اسلامی.



طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴)، ترجمه تفسیر المیزان، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق)، الأمالی، قم: دار الثقافة.

طیب، عبدالحسین (۱۳۶۹)، طیب البیان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، تهران: اسلام.

عمید، حسن (۱۳۵۷)، فرهنگ فارسی عمید، چاپ شانزدهم، تهران: امیرکبیر.

فتحعلی خانی، محمد (۱۳۷۹)، «رابطه دین و تربیت اخلاقی»، تربیت اسلامی، ش ۲، ص ۹۱-۱۰۶.

قرائتی، محسن (۱۳۸۸)، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

قرائتی، محسن (۱۳۹۷)، مهارت معلمی، چاپ چهارم، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

قرشی، علی اکبر (۱۳۷۵)، تفسیر احسن الحدیث، چاپ دوم، تهران: بنیاد بعثت.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۵)، اصول الکافی، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، چاپ سوم، قم: اسوه.

کوهکن، علیرضا (۱۳۸۸)، «مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی اسلامی»، راهبرد یاس، ش ۱۷، ص ۱۲۴-۱۴۱.

گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸)، تجدد و تشخیص، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.

مرکز فرهنگ و معارف قرآن (۱۳۸۲)، دایرةالمعارف قرآن کریم، چاپ سوم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۲)، مجموعه آثار (ج ۲۳: آزادی معنوی)، چاپ هشتم، تهران: صدرا.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، چاپ دهم، تهران: دار الکتب الإسلامية.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۷)، اخلاق در قرآن، قم: مدرسه الإمام علی بن ابی طالب علی‌السلام.

مک‌لاود، کارولین (۱۳۹۵)، اعتماد، ترجمه امیرحسین خداپرست، تهران: ققنوس.

هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۸۶)، تفسیر راهنما، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.

Ethical Strategies for Protecting Privacy in Cyberspace Based on the Teachings of Nahj al-Balagha*

Mahdieh Esmaili,¹  Hamid Hamidiyan,²  Ahmad Zare Zardini³ 

1-Ph.D. Student, Department of Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Theology, Maybod University, Yazd, Iran.
m.esmaili1991@gmail.com

2- Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Theology, Maybod University, Yazd, Iran (Corresponding Author).
hamidiyan@meybod.ac.ir

3- Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Theology, Maybod University, Yazd, Iran.
zarezardini@meybod.ac.ir



Abstract

Cyberspace is a unique and unparalleled environment that, with its features such as attractiveness, high-speed exchanges, anonymity, and its timeless and placeless nature, is advancing rapidly and bringing about remarkable transformations in human life that were once unimaginable. At the same time, the negative impacts of cyberspace on individuals' lives cannot be ignored. The violation of users' privacy in cyberspace is one of the harms stemming from the unique characteristics of this environment.

* Cite this article: Esmaili, Mahdieh; Hamidiyan, Hamid; Zare Zardini, Ahmad. (2024). Ethical Strategies for Protecting Privacy in Cyberspace Based on the Teachings of Nahj al-Balagha, Journal in Applied Ethics Studies, 3(77), 41-73.

<https://doi.org/1022081/jf.2024.70171.1962>

■ **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Isfahan, Iran). ***Type of article:** Research Article

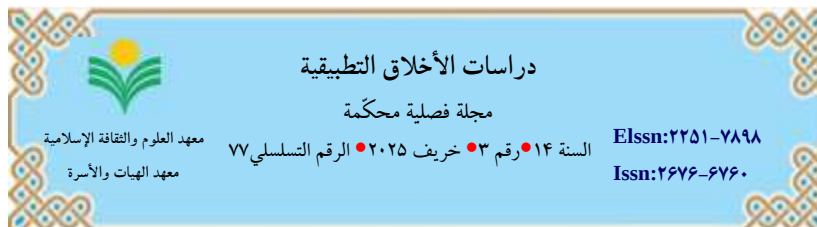
■ **Received:**2024/10/24 ● **Revised:**2024/11/14 ● **Accepted:**2024/**/** ● **Published online:**2024/05/28

Despite the efforts of governments, addressing privacy violations in cyberspace has not been particularly successful, and infringements on individuals' privacy persist at an alarming rate. On the other hand, in the words and practices of Imam Ali (AS), the right to privacy is highly respected, and he demonstrated a deep sensitivity toward its protection. His teachings in the noble book Nahj al-Balagha strongly affirm this matter. This study, based on the principles of normative ethics, aims to derive ethical strategies for safeguarding privacy from the spirit of Imam Ali's (AS) words. By adhering to these strategies, individuals' privacy in cyberspace can be protected from intrusion and violation. Protecting privacy is fundamentally an ethical issue, and primarily ethical strategies are essential to addressing the challenges surrounding this moral concern.

Keywords

Privacy, Cyberspace, Imam Ali (AS), Nahj al-Balagha, Ethical Strategies, Normative Ethics.





الحلول الأخلاقية لحماية الخصوصية في الفضاء الافتراضي على أساس مفاهيم نهج البلاغة*

مهديه إسماعيلي^١، حميد حميديان^٢، أحمد زارع زرديني^٣

١-طالبة دكتوراه في فرع علوم القرآن والحديث، كلية الإلهيات، جامعة ميبد، يزد، إيران.

m.esmailil1991@gmail.com

٢-أستاذ مساعد في قسم علوم القرآن والحديث، كلية الإلهيات، جامعة ميبد، يزد، إيران (الكاتبة المسؤولة).

hamidiyan@meybod.ac.ir

٣-أستاذ مشارك في قسم علوم القرآن والحديث، كلية الإلهيات، جامعة ميبد، يزد، إيران.

zarezardini@meybod.ac.ir

الملخص

الفضاء الافتراضي هو بيئة فريدة لا يمكن الاستغناء عنها. هذا الفضاء الذي يتميز بسمات مثل: الجاذبية الخلابة، والسرعة العالية للتبادلات، وعدم الكشف عن هوية المستخدمين، وعابريته للزمان والمكان، يخطو نحو التطور والتقدم بسرعة كبيرة، وقد جعلت الحياة البشرية معرضةً لتغيرات هائلة كان من المستحيل حتى تخيلها في السابق. هذا وعلينا أن لا نتجاهل الآثار السلبية للفضاء الافتراضي على حياة الناس. ومن هذه السلبيات انتهاك خصوصية المستخدمين الافتراضيين، فهو أحد مخاطر الفضاء الإلكتروني والذي ينبع من الميزات الخاصة لهذه البيئة. تعتبر مسألة مقاومة انتهاكات

***استشهد بهذه المقالة:** إسماعيلي، مهديه، حميديان، حميد، زارع زرديني، أحمد (١٤٠٣). الحلول الأخلاقية لحماية الخصوصية

في الفضاء الافتراضي على أساس مفاهيم نهج البلاغة. دراسات الأخلاق التطبيقية، ٣ (٧٧)، صص ٤١-٧٣.

<https://doi.org/10.22081/jf.2024.70171.1962>

□ نوع المقال: بحث؛ الناشر: مركز الدعوة الإسلامية في حوزة قم (معهد العلوم والثقافة الإسلامية، أصفهان، إيران) © المؤلفون

□ تاريخ الاستلام: ٢٠٢٤/١٠/٢٤ □ تاريخ التعديل: ٢٠٢٤/١١/١٤ □ تاريخ القبول: **/١٤٠٣/١٤ □ تاريخ الإصدار: ٢٠٢٥/٠٥/٢٨

الخصوصية في الفضاء السيبراني من القضايا التي لا تزال قائمة رغم الجهود التي تبذلها الدول والحكومات. هذا على الرغم من أن الإمام علي عليه السلام يحترم الخصوصية، ويحرص على حمايتها، كما هو ظاهر من قوله وفعله، وثبتته أقواله في كتاب نهج البلاغة الكريم. يسعى هذا البحث، انطلاقاً من المبادئ الأخلاقية المعيارية، في استخلاص الحلول الأخلاقية لحماية الخصوصية من كلام أمير المؤمنين عليه السلام لتكون خصوصية الناس في الفضاء السيبراني محمية من خرق الآخرين وتغلغلهم، بالعمل بتلك الحلول.

الكلمات المفتاحية

الخصوصية، الفضاء الافتراضي، الإمام علي عليه السلام، نهج البلاغة، الحلول الأخلاقية، الأخلاق المعيارية.





راهکارهای اخلاقی صیانت از حریم خصوصی در فضای مجازی با تکیه بر مفاهیم نهج البلاغه*

مهديه اسماعيلي^۱، حميد حميديان^۲، احمد زارع زرديني^۳

۱- دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه میبد، یزد، ایران.

m.esmailil1991@gmail.com

۲- استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه میبد، یزد، ایران (نویسنده مسئول).

hamidiyan@meybod.ac.ir

۳- دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه میبد، یزد، ایران.

zarehzardini@meybod.ac.ir

چکیده

فضای مجازی، محیطی منحصر به فرد و بی بدیل است. این فضا با ویژگی‌هایی از جمله جذابیت و گیرایی، سرعت زیاد تبادلات، ناشناس بودن کاربران و فرازمانی و فرامکانی بودن، با شتاب بسیار، در حال پیشرفت است و زندگی بشر را با تحولات شگرفی روبه‌رو کرده که زمانی تصور آن نیز غیرممکن می‌نمود. در عین حال، نباید از تأثیرات منفی فضای مجازی بر زندگی افراد، غافل شد. نقض حریم خصوصی

* **استناد به این مقاله:** اسماعیلی، مهديه؛ حمیدیان، حمید و زارع زردینی، احمد؛ (۱۴۰۳). راهکارهای اخلاقی صیانت از حریم خصوصی در فضای مجازی با تکیه بر مفاهیم نهج البلاغه. مطالعات اخلاق کاربردی، مطالعات اخلاق کاربردی، ۳ (۷۷)، صص ۴۱-۷۳.

<https://doi.org/1022081/jf.2024.70171.1962>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، اصفهان، ایران) © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۰۳ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۸/۲۴ • تاریخ پذیرش: **/ **/ ۱۴۰۳ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۳/۰۷





کاربران مجازی، یکی از گزندهای فضای مجازی است که از ویژگی‌های خاص این محیط نشأت گرفته است. مسئلهٔ مقابله با نقض حریم خصوصی در فضای سایبر، از جمله مسائلی است که با وجود تلاش دولت‌ها و حکومت‌ها، همچنان وجود دارد. این در حالی است که در کلام و سیرهٔ حضرت علی علیه السلام، حریم خصوصی محترم است و حضرت در قبال حراست از آن حساسیت نشان می‌دادند. سخنان ایشان در کتاب شریف نهج البلاغه این موضوع را به‌خوبی اثبات می‌کند. این پژوهش بر پایهٔ اصول اخلاق هنجاری، در صدد است راهکارهای اخلاقیِ محافظت از حریم خصوصی را از کلام امیرالمؤمنین علیه السلام استخراج کند تا با عمل به آن‌ها، حریم خصوصی افراد در فضای سایبر، از تعدی و نفوذ اغیار مصون بماند.

کلیدواژه‌ها

حریم خصوصی، فضای مجازی، امام علی علیه السلام، نهج البلاغه، راهکارهای اخلاقی، اخلاق هنجاری.

مقدمه

از جمله مسائلی که از دیرباز اذهان عموم افراد از مکاتب و ادیان گوناگون را به خویش مشغول داشته و همواره مورد توجه بوده، مسئله حریم خصوصی است. حریم خصوصی از مفاهیم مهم حقوق بشر در حوزه روابط اجتماعی افراد محسوب می‌شود و با کرامت انسانی ارتباط مستقیم دارد؛ به عبارت دیگر، حفظ حریم خصوصی، نمادی از حفظ شأن و شخصیت افراد و مقوله‌ای اخلاقی است؛ از این رو، هیچ کس تعدی به آن را به هیچ وجه بر نمی‌تابند. حریم خصوصی محدوده‌ای است که افراد تمایل دارند از سمع و نظر دیگران مصون باشد و کسی متعرض آن نشود. باید گفت با وجود اهمیت بسیار این حق، مفهوم حریم خصوصی از جمله مفاهیمی است که پژوهشگران در حوزه‌های مختلف علوم انسانی از جمله جامعه‌شناسی و حقوق، در تعیین ابعاد و حدود آن با مشکل مواجه‌اند و تعاریف گوناگونی ارائه کرده‌اند. فارغ از اینکه تعریف حریم خصوصی چه باشد، باید توجه داشت نقض حریم خصوصی افراد، با ظهور و پیشرفت روزافزون فضای مجازی، شکلی جدی‌تر و ویژه‌تر به خود گرفته است. جذابیت، سرعت زیاد تبدلات، ناشناس بودن کاربران، فرازمانی و فرامکانی بودن و... از مهم‌ترین ویژگی‌های فضای سایبر هستند؛ ویژگی‌هایی که با وجود منفعتی که دارند، بعضاً زیان‌های قابل توجهی برای افراد و جوامع در پی دارند. به عبارت دیگر، فضای مجازی در عصر حاضر، حکم شمشیری دولبه را دارد و امکان منتفع و یا متضرر شدن از این محیط وجود دارد (اسماعیلی و دیگران، ۱۴۰۲، ص ۱۰۶).

فضای مجازی گاهی بر اساس ماهیت وجودی خود حریم خصوصی دیگران را تحت تأثیر قرار می‌دهد و گاهی به اجبار؛ این سخن بدین معناست که گاهی با توجه به ماهیت خاص فضای مجازی، شرایط برای نقض حریم افراد فراهم می‌شود و گاهی نیز از طریق اپلیکیشن‌ها و به اجبار، اطلاعاتی از کاربران اخذ می‌شود. به هر





حال، نقض حریم خصوصی افراد در فضای مجازی، نوعی آسیب اجتماعی و اخلاقی نوین است و این وضعیت متأسفانه روزه‌روز بحرانی‌تر می‌شود.

بشر ماهیتاً «مدنی بالطبع» است و براین اساس، بدون شک یکی از مهم‌ترین نیازهای او این است که قواعد و قوانینی برای رفع مشکلات اجتماعی وضع کند. از طرفی، دین پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله، دربردارنده احکام و قوانینی برای بهبود زندگی بشر در همه دوران‌ها بوده است و راهکارهای رفع مشکلات فردی و اجتماعی انسان، به‌صورت بالقوه، در این احکام و قوانین وجود دارد. قطعاً وظیفه استخراج و تبیین و تطبیق این قوانین بر مسائل روز دنیا، بر دوش پژوهشگران این حوزه است.

نگارندگان در پژوهشی با عنوان «بررسی تطبیقی کدهای اخلاقی حریم خصوصی در نهج البلاغه و فضای مجازی»، برای اثبات این موضوع که نقض حریم خصوصی در هر دو فضای سایبری و واقعی با کیفیتی مشابه صورت می‌گیرد، نکات مربوط به نقض حریم خصوصی را از نهج البلاغه استخراج و با مصادیق عینی آن در فضای مجازی تطبیق دادند. نتیجه به‌دست آمده نشان داد نه تنها از میزان اهمیت حریم خصوصی از زمان امام علی علیه السلام تاکنون کاسته نشده، بلکه ضرورت حمایت از این حق با ظهور فضای مجازی، بیش از پیش احساس می‌شود.

به دنبال نتایج حاصل از مقاله یادشده، پژوهش حاضر بر پایه بایدها و نبایدهای موجود در مقوله اخلاق هنجاری، راه‌های حفظ حریم شخصی در فضای سایبر را شناسایی کرده و مطابق آن قواعد، درصدد کاربردی‌سازی مفاهیم موجود در نهج البلاغه برای صیانت از حریم خصوصی در فضای مجازی است؛ به عبارت دیگر، این پژوهش درصدد است راهکارها و خط‌مشی‌های اخلاقی و کنشی (پیشگیرانه) و واکنشی صیانت از حریم خصوصی را از روح کلام امیرالمؤمنین علیه السلام استخراج کند. دو پرسش محوری که پژوهش حاضر به دنبال پاسخ‌گویی به آن‌هاست، عبارت‌اند از:



۱. میزان توجه امام علی علیه السلام به مسئله حریم خصوصی در نهج البلاغه تا چه حد است؟

۲. آیا برای صیانت از حریم خصوصی در فضای سایبر می توان راهکارهایی اخلاقی از کلام امام علی علیه السلام در نهج البلاغه استخراج کرد؟
به نظر می رسد بنا بر توجه ویژه دین مبین اسلام به مسئله حق الناس، حضرت علی علیه السلام نیز به این مهم پرداخته باشند؛ پس استخراج راهکارهایی عمده تا اخلاقی برای صیانت از حریم خصوصی از نهج البلاغه مفروض است.

روش تحقیق

در پژوهش حاضر براساس روش اسنادی و تحلیلی، راهکارهای نوین محافظت از حریم خصوصی در فضای مجازی، مطابق قواعد و قوانین اخلاق هنجاری استخراج و سپس، این راهکارها با مفاهیم موجود در نهج البلاغه تطبیق داده شدند. اغلب بایدها و نبایدهای مدنظر اخلاق هنجاری در مسئله حفظ حریم خصوصی در فضای مجازی، در نهج البلاغه وجود دارند و قابلیت تعمیم و تسری به واقعیات دنیای مجازی را دارند. به عبارت دیگر، راهکارهای اخلاقی، عملی و کاربردی که امروزه توسط پژوهشگران اخلاق هنجاری، برای صیانت از حریم خصوصی افراد در فضای مجازی پیشنهاد می شوند، از سخنان حضرت امیر علیه السلام نیز قابل احصا هستند.

پیشینه پژوهش

درباره مباحث حریم خصوصی و فضای مجازی و ارتباطشان با یکدیگر و با اسلام و نهج البلاغه، تاکنون آثار متعددی به چاپ رسیده است: در مقاله «بررسی تطبیقی کدهای اخلاقی حریم خصوصی در نهج البلاغه و فضای مجازی» نوشته اسماعیلی و دیگران (۱۴۰۲)، حریم خصوصی به طور اختصاصی در نهج البلاغه بررسی شده و مستندات حریم خصوصی مرتبط با اموال، جسم و جان و حیثیت و آبرو استخراج

گردیده و این مفاهیم، با مصادیق خاص حریم خصوصی در فضای مجازی، تطبیق داده شده‌اند. در این مقاله اثبات شده که نهج البلاغه در مفهوم حریم خصوصی، ملاحظات از جمله ممنوعیت دخل و تصرف در مال غیر، حرمت خون افراد، ممنوعیت سوءظن، ممنوعیت غیبت و عیب‌جویی و تجسس، ممنوعیت اشاعه فحشا دارد که در فضای مجازی نیز همین ملاحظات وجود دارد و قابل تطبیق هستند. مقاله نام‌برده، به دنبال اثبات این است که از زمان امام علی علیه السلام تاکنون نه تنها از اهمیت حریم خصوصی کاسته نشده، بلکه ضرورت حمایت از این حق، با ظهور فضای مجازی، بیش از پیش احساس می‌شود؛ لکن نگارندگان راهکارهایی برای صیانت از حریم خصوصی در فضای مجازی پیشنهاد نکرده‌اند.

محمد اسحاق مسعودی (۱۳۹۶) در کتاب *حریم خصوصی و نظارت اجتماعی از منظر قرآن و نهج البلاغه* به مباحثی چون محدوده و حریم خصوصی و نظارت اجتماعی، مبانی نظری نگاه اسلامی و غربی در حریم خصوصی و نظارت اجتماعی، تبیین چگونگی تعامل بین دو حوزه حریم خصوصی و نظارت اجتماعی و شیوه‌های نظارت اجتماعی از منظر قرآن و نهج البلاغه پرداخته و براساس روایات، حریم خصوصی را از سه بُعد (جسمی، روحی و مالی) بررسی کرده است. در این کتاب، نامی از فضای مجازی به میان نیامده است.

فهیمه سید سعادت (۱۳۹۲) در مقاله «صیانت از حریم خصوصی در فضای مجازی براساس هنجارهای اسلامی»، ضمن تطبیق حریم خصوصی و فضای مجازی، نظر اسلام را در پاسداشت حریم خصوصی بر مبنای سه اصل کرامت انسان، حرمت مؤمن و عمومیت اذن بیان و مفاهیم اخلاقی را بازخوانی کرده است. در این مقاله، اشاره‌ای به مباحث مرتبط با نهج البلاغه نشده است.

مریم صانع‌پور (۱۳۹۶) در کتاب *اخلاق شهروندان دنیای مجازی*، با تمرکز بر قرآن و نهج البلاغه، معتقد است اسلام به منزله یک آیین جهانی، با مجموعه‌ای از



مشترکات اخلاقی مبتنی بر فطرت انسان، امکان ارتباطات اخلاقی را برای انسان‌ها و جوامع مختلف فراهم می‌کند.

منظور نگارنده از آموزه‌های اخلاقی که عموم مردم را مخاطب قرار داده، همان آموزه‌های عقلی اخلاق ارشادی است که به علت ابتدا بر عقل مشترک، برای همه مردم قابل توجیه و پذیرفتنی است؛ بنابراین، با استفاده از آموزه‌های اخلاق ارتباطی قرآن و حدیث می‌توان منظومه‌ای اخلاقی مبتنی بر مشترکات انسانی طراحی کرد که پاسخ‌گوی دغدغه‌های جامعه جهانی در عصر ارتباطات باشد. در این کتاب، راهکار اخلاقی را به عنوان راهکاری کلی و همه‌پسند، برای رفع مشکلات فضای مجازی مطرح شده و به راهکارهای رفع معضل نقض حریم خصوصی در فضای سایبر اشاره نشده است.

مطابق آنچه درباره آثار مرتبط با حریم خصوصی در فضای مجازی گفته شد، ملاحظه می‌شود پژوهشی که راهکارهای اخلاقی صیانت از حریم خصوصی را از منظر امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه با رویکردی مستقیم به فضای مجازی بررسی کرده باشد، انجام نشده و جای چنین پژوهشی خالی است.

به نظر می‌رسد راهکارهایی که امروزه برای حراست از حریم داده‌های شخصی در فضای مجازی ارائه می‌گردد، به راحتی قابلیت انطباق بر مفاهیم نهج البلاغه را دارند. در این مقاله، مضامین بیانات حضرت علی (علیه السلام) در حمایت از حریم خصوصی در فضای فیزیکی، مطابق اصول اخلاق هنجاری، به فضای مجازی تعمیم داده شده و ذیل دو مقوله فردی و اجتماعی تقسیم و ارزیابی گردیده است تا بدین وسیله پیشنهادهای عملی صیانت از حریم شخصی در معرض دید همگان قرار گیرد و ناهنجاری‌های اجتماعی رفع شوند. در ادامه، مفاهیم حریم خصوصی و فضای مجازی بازتعریف شده و بر مبنای تعریف اسلام و امام علی (علیه السلام) از حریم خصوصی و لزوم حمایت از آن، راهکارهایی از نهج البلاغه استخراج گردیده است.



۱. مفهوم‌شناسی حریم خصوصی و فضای مجازی

گروهی حریم خصوصی را مفهومی تعریف‌ناپذیر شمرده و آن را مبهم می‌دانند. دانیل جی. سولو^۱ (استاد مدرسه حقوق دانشگاه جورج واشنگتن) در کتاب خود با عنوان درک حریم خصوصی^۲ در تعریف این اصطلاح می‌نویسد: «حریم خصوصی مفهومی نابسامان است و هیچ‌کس نمی‌تواند معنای آن را بیان کند» (Solove, 2010, p. 1-12). پروسر^۳، حریم خصوصی را در قالب چهار شبه‌جرم «مزاحمت، افشاگری، نمای دروغین و تصاحب» تعریف کرده است (Prosser, 1960, p. 389). وارن^۴ و براندیس^۵ نیز حریم خصوصی را «حق تنهابودن» دانسته‌اند (Warren & Brandeis, 1890, p. 193) و عده‌ای از جمله جولی اینس^۶، حریم خصوصی را «حالت کنترل بر قلمرو تصمیمات شخصی» می‌دانند (Inness, 1992, p. ix).

اصل بیست و دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به حمایت از جان، مال و حیثیت انسان‌ها به عنوان حریم خصوصی‌شان اشاره شده است: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است؛ مگر در مواردی که قانون تجویز کند».

به نظر می‌رسد تعریف زیر از حریم خصوصی، تعریفی جامع و برابری تعاریف این حریم است: «حریم خصوصی عبارت از قلمرو و محدوده‌ای از زندگی است که فرد در آن از امنیت و احترام و کرامت انسانی در ابعاد جسمی، مالی و حیثیتی براساس شرع و قانون برخوردار باشد و بتواند از حق سلطه خود در این حوزه‌ها بهره‌مند و از تعرض دیگران مصون باشد» (مسعودی، ۱۳۹۶، ص ۵۶).

1. Daniel J. Solove
2. Understanding privacy
3. William Prosser (1898-1972)
4. samuel warren (1852-1910)
5. louis D brandeis (1856-1941)
6. Julie Inness



مسئله حریم خصوصی در فضای مجازی از پیچیده‌ترین مسائل اخلاق فناوری به شمار می‌رود؛ به نحوی که برخی از صاحب‌نظران آن را در کنار سه اصل دیگر (مالکیت معنوی، صحت و دقت و در دسترس بودن) برای تنظیم ضوابط اخلاقی فضای مجازی کافی می‌دانند (مرادی و زارعی، ۱۳۹۶، ص ۵۹-۹۰). فضای سایبر حداقل به دو طریق به مباحث حریم خصوصی به‌طور ویژه مرتبط است؛ نخست اینکه انواع خاصی از تهدید به حریم خصوصی را در سطحی مطرح می‌سازد که قبلاً به‌وسیله فناوری‌های دیگر ممکن نبود، و دوم اینکه با استفاده از ابزارها و روش‌های خاص و منحصربه‌فرد این فضا، مخاطرات ویژه‌ای که از طریق ارتباطات دیگر ممکن نبود، ایجاد شده است. دامنه اثرگذاری و وسعت این تهدیدات و مخاطرات، قابل مقایسه با مخاطرات فضای حقیقی نیست؛ زیرا مجرم در این فضا به راحتی می‌تواند به حریم خصوصی تسلط یابد و اطلاعات شخصی را به دست آورد و با استفاده از ویژگی‌های خاص این فضا از تعقیب مصون بماند (محمندنسل، ۱۳۹۵، ص ۲۰).

۲. شناسایی راهکارهای اخلاقی

اهمیت اخلاق در نظام‌های آموزشی و پرورشی، انکارناپذیر است؛ زیرا اخلاق یکی از ارکان اساسی فرهنگ بشر محسوب می‌شود. اخلاق از دیرباز در فرهنگ اسلامی مورد توجه بوده و از اهدافی است که به‌صراحت در تعالیم و سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با عنوان تتمیم مکارم و فضایل اخلاقی بر آن تأکید شده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۶، ص ۲۱۰). اخلاق هنجاری یکی از مباحث اخلاق پژوهی نوین به شمار می‌رود. اصول اخلاق هنجاری مشخص می‌کند که انجام یا ترک چه افعالی، روا یا نارواست. براین اساس، آنچه برای محافظت از حریم خصوصی در فضای مجازی متصور است، از نهج البلاغه استخراج گردیده است. ملاک ارزش‌های اخلاقی از نظر امیرالمؤمنین (ع) در نهج البلاغه را براساس مستندات روایی می‌توان نظریه تلفیقی با عنوان «غایت‌انگاری فضیلت‌بنیاد» دانست (سبحانی‌نیا، ۱۴۰۲، ص ۱۴۴).



در فضای مجازی، داده‌ها مهم‌ترین دارایی کاربران هستند و سرقت اطلاعات، نشت داده‌ها، هک شدن و فریب اینترنتی می‌تواند آن‌ها را به خطر بیندازد و مراقبت از آن‌ها به انحای گوناگون می‌تواند امنیت حریم خصوصی را تضمین کند (رجبی، ۱۳۹۸، ص ۳۴). می‌توان بیانات و سیره امام علی علیه السلام را در حمایت از حریم خصوصی در فضای واقعی، به فضای مجازی نیز تعمیم داد و ذیل دو مقوله فردی و اجتماعی دسته‌بندی کرد؛ به عبارت دیگر، می‌توان راه‌های حمایت قانونی و اخلاقی از این حق در فضای سایبر را از کلام حضرت امیر در نهج البلاغه به شرح زیر استخراج کرد:

۱.۲. راهکارهای اجتماعی صیانت از حریم خصوصی در فضای مجازی بر مبنای نهج البلاغه
برخی از راهکارهای پیشنهادی برای محافظت از حریم خصوصی بر مبنای کلام حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه، صبغه اجتماعی دارند و حکومت و جوامع مدنی باید آن‌ها را به اجرا درآورند:

۱.۱.۲. تقنین و مجازات کیفری

بدون شک، قانون‌گذاری و تعیین الزامات قانونی از بهترین راهکارهای حفظ حریم خصوصی افراد است. آنچه واضح می‌نماید این است که در اغلب جوامع، افراد ناهنجار و مزاحمی وجود دارند که به انحای گوناگون، متعرض حریم خصوصی شهروندان می‌شوند. قانون‌گذاری و به تبع آن، اجرای قاطعانه قانون، به‌خوبی می‌تواند چنین افرادی را مهار کند؛ به همین سبب است که محافظت از حریم خصوصی افراد، از مهم‌ترین دغدغه‌های نظام‌های حقوقی جهان و قانون‌گذاران بوده و قوانین متعددی در این زمینه وضع کرده‌اند. «قانون حمایت از اطلاعات شخصی» در کره جنوبی^۱، «قانون محافظت از اطلاعات و آزادی: درباره فناوری اطلاعات، فایل‌های

1. Personal Information Protection Act



داده و آزادی‌های مدنی» در فرانسه^۱، «قانون حمایت از داده» در انگلستان^۲ و «قانون حمایت از داده‌های شخصی» در سوئد^۳، از جمله اقدامات کشورها در عرصه قانون‌گذاری محافظت از داده‌های کاربران است (فقیهی و جمشیدی، ۱۳۹۷).

از دیدگاه قرآن و روایات معصومین علیهم‌السلام، قانون‌گذاری در اصل متعلق به خداوند است و به‌نوعی از شئون توحید افعالی به حساب می‌آید. امیرالمؤمنین علیه‌السلام نیز تقنین را از آن شارع می‌دانستند؛ لذا با تمام قوا، خود را امین قوانین الهی دانسته و از آن حراست می‌کردند. در حکومت ایشان، قوانین الهی خطوط راهبردی نظام حاکم قانون‌گرا را تشکیل می‌داد؛ یعنی قانون الهی در رأس امور قرار گرفت و به شاخصی برای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی تبدیل شد. این همان حقیقتی است که سعادت انسان را رقم می‌زند (مسعودی و کلانتری، ۱۳۹۰، ص ۳۱). با بررسی قوانین بین‌المللی در زمینه محافظت از حریم خصوصی داده و با توجه به اینکه این قوانین برای حفظ این حریم کافی نیستند، درمی‌یابیم تقنین بدون ضمانت اجرایی و مجازات مجرمان عملاً ارزشی ندارد و از بازدارندگی کافی برخوردار نیست. براین اساس، لازم است بر مبنای قانون‌گذاری صحیح، اقدامات بازدارنده‌ای برای محاکمه ناقضان حریم خصوصی در فضای سایبر صورت گیرد تا افراد به‌راحتی به خود اجازه تعدی به حقوق کاربران را ندهند؛ مانند کیفر حبس یا جزای نقدی که در قانون مجازات اسلامی و دیگر قوانین کیفری به آن اشاره شده است. در حکمت ۲۷۱ از سخنان امام‌علی علیه‌السلام به نمونه‌ای از قضاوت‌های حضرت اشاره شده است؛ ایشان دستور دادند درباره دزدی که برخلاف قوانین الهی از بیت‌المال سرقت کرده بود، حد دزدی اجرا گردد.

امام علیه‌السلام در بخشی از خطبه ۱۸۲ به مواعظ هشدارگونه‌ای پرداخته، می‌فرمایند: «با تازیانه شما را ادب کردم، نپذیرفتید. به راه راست نرفتید و با هشدارهای فراوان

1. Iio Informatique Et Libertes On Information Technology, Data Files And Civil Liberties

2. The Data Protection Act, 1998

3. Personal Data Actir Personuppgiftslag



شما را خواندم، ولی جمع نشدید». همچنین حضرت در نامه‌ای خطاب به مالک اشتر به او تأکید می‌کنند که در صورت اثبات خیانت یکی از کارگزاران، او را به دو طریق جسمی و روانی کیفر کند؛ بدین ترتیب که با تازیانه بر او حد زند و سپس، طوق بدنامی به گردن او افکند و خیانتکارش شمارد (نامه ۵۳). گفتنی است از دیدگاه فقهی، حاکم تنها وظیفه دارد در صورت اثبات گناهان مرتبط با حق الله، درباره آن‌ها حد جاری کند و اجرای حدود مربوط به حق الناس به درخواست صاحب حق نیاز دارد (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۸، ص ۵۷). بر مبنای آنچه گفته شد، وجود قوانین متقن و جامع از یک سو و استفاده از مجازات‌های بازدارنده از سوی دیگر، به شکل پیش‌رونده‌ای می‌تواند حافظ حریم خصوصی افراد در فضای مجازی باشد. در واقع، باید با به‌روزرسانی قوانین، روش‌ها و سیاست‌های کیفری، به حوادث امنیتی سایبری و جرائم اینترنتی واکنش متناسب نشان داد (کرمی، ۱۴۰۱، ص ۳۴۱) و جرائم سایبری مرتبط با نقض حریم خصوصی را کاهش داد.

۲.۱.۲. نظارت آشکار و نهان بر اجرای قانون در بستر فضای مجازی

در جامعه امروز، شرایطی که با رواج فضای مجازی ایجاد شده به گونه‌ای است که مسئله نظارت و کنترل بیش از پیش اهمیت می‌یابد. مطابق کلام حضرت امیر علیه السلام نظارت پنهانی، سبب امانت‌داری و تشویق به انجام نیکی‌ها می‌شود و فرد چون می‌داند ممکن است کنترل شود، مراقبت بیشتری بر رفتارهای خود دارد (نامه ۵۳). پیداست منظور از این گونه نظارت، به هیچ وجه نقض حریم خصوصی دیگران نیست، بلکه برعکس، چنین نظارتی اگر به درستی صورت گیرد، از تعدی به حریم خصوصی دیگران جلوگیری می‌کند. شاهد این امر، سخن امیرمؤمنان علیه السلام در بخش دیگری از این نامه ۵۳ است؛ آنجا که به مالک اشتر توصیه می‌کنند به هیچ وجه در عیوب پنهانی مردم تجسس نکنند. اما وجود مأموران مخفی در هر حکومتی، می‌تواند تضمینی بر اجرای قوانین موجود باشد؛ بدین شکل که پس از قانون‌گذاری



باید بر اجرای صحیح قوانین نظارت شود. اگرچه حضور مأموران نظارتی در انظار عمومی در اجرای قوانین ثمربخش است، اما حضور مأموران دولتی مخفی، اثر بیشتری دارد و از این طریق می‌توان بسیاری از قانون‌گریزی‌ها را شناسایی و با آن مواجهه قانونی کرد.

از مذاقه در نهج البلاغه به دست می‌آید که مسئله نظارت و بازرسی از مأموران حکومتی با هدف حفظ حقوق مردم و اجرای آرمان الهی عدالت وجود داشته و از این الگو امروز نیز می‌توان پیروی کرد. حضرت در نامه ۴۵، برای عتاب کارگزار خود در بصره (عثمان بن حنیف)، خطاب به او از عبارت «فَقَدْ بَلَّغْنِي» استفاده می‌کنند که تأییدکننده وجود ناظرانی است که کم و کیف اجرای قوانین را به حضرت گزارش می‌دادند. بدیهی است کاربران مجازی نیز با تصور کنترل از جانب ناظران، مرتکب رفتارهای ناقض حریم خصوصی خویش و دیگران نخواهند شد یا انجام این گونه رفتارهای تخریبی به حداقل خواهد رسید.

امروزه ابزارهای نظارت الکترونیکی، وظیفه کنترل فعالیت شبکه افراد را با به کارگیری تجهیزات و برنامه‌هایی بر عهده دارند (کرمی، ۱۴۰۱، ص ۳۵۶). نظارت شبکه‌ای به دو صورت فنی و انسانی قابل اجراست و از لحاظ پیشگیرانه بودن و بازدارنده بودن قابل توجه است. در حالت فنی، ابزارها یا برنامه‌هایی روی سیستم نصب می‌شوند و کلیه فعالیت‌های شبکه اشخاص را ضبط می‌کند. پس از آن، مأمور موردنظر می‌تواند با بررسی این سوابق، موارد غیرقانونی را تحت پیگرد قرار دهد (بادسار و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۱۱۸).

۳.۱.۲. اجرای مقررات الهی در سایه حاکمیت اسلام

علامه جعفری، در شرح ارزشمند خود بر نهج البلاغه، از تفکر سکولاریسم سخن می‌گوید؛ این تفکر، قلمرو دین را در زندگی اخروی محدود دانسته و زندگانی دنیوی را بی‌نیاز از دین معرفی می‌کند. وی مهم‌ترین حقایقی را که در سخنان



امیرالمؤمنین علیه السلام نهفته است، تعمیم دین برای اصلاح هر دو قلمرو دنیا و آخرت می‌داند (جعفری، ۱۳۸۸، ج ۹، ص ۳۷). به‌طور کلی، وظیفه حکومت به تنظیم امور اجتماعی و تأمین امنیت در راستای بهبود حیات مادی و رفاه اقتصادی محدود نمی‌شود، بلکه ترویج ارزش‌ها و اجرای قوانین دینی و صیانت از حدود الهی، به لحاظ نقش آن‌ها در سعادت انسان‌ها، از وظایف نهایی حکومت است (نیازی، ۱۳۸۹، ص ۱۶۹).

براساس خطبه ۱۶۱، دعوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از نظر محتوا، برنامه‌ای شفافبخش در بر داشت و از نظر نتیجه، به اصلاح مفاسد و ترمیم ویرانی‌های فکری و اخلاقی و اجتماعی منجر گردید (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ج ۶، ص ۲۶۸). امام علی علیه السلام هدف از پذیرش حکومت را اجرای برنامه اصلاحات اسلام ناب و تحقق دین در همه زمینه‌ها بیان می‌فرماید (خطبه ۱۳۱)؛ برنامه‌ای که نتیجه آن در پرتو تحقق قوانین اسلامی، ایجاد امنیت برای کسانی است که در راه حاکمیت ارزش‌ها تلاش کرده‌اند، یا ستمدیدگانی که همواره ظلم ظالم را تحمل کرده و هیچ‌گاه جان و مال و حیثیت آنان در امان نبوده است (مسعودی و کلانتری، ۱۳۹۰، ص ۳۳-۳۴).

ایشان در بخشی از خطبه ۱۵۲، اسلام را فراهم‌کننده کرامت جامعه می‌دانند. پیش‌تر گفته شد حفظ حریم خصوصی، ارتباط تنگاتنگی با حفظ کرامت انسان‌ها دارد؛ بنابراین می‌توان گفت مطابق مضامین سخنان حضرت، حاکمیت اسلام، موجبات محافظت از حقوق بشر از جمله حق حریم خصوصی را فراهم می‌آورد؛ به عبارت دیگر، حاکمیت قاطع قوانین فردی و اجتماعی اسلام، به معنای واقعی کلمه، می‌تواند رافع مشکلاتی باشد که گریبان‌گیر جوامع است و نقص حریم خصوصی دیگران از مهم‌ترین این مشکلات است.

حاکمیت مطلق احکام دین اسلام، زمینه‌های زیست اخلاقی را در ارتباطات اجتماعی فراهم می‌آورد؛ بدین ترتیب، صداقت در گفتار، احسان به یکدیگر، احترام به حق مالکیت دیگران، مودت‌افزایی میان مردم، توصیه به فضایل و نهی از



رذایل، مدارا با خطاکاران و بخشایش ایشان، امانت‌داری و قضاوت عادلانه و وفاداری به پیمان و پیمانه در جامعه نمود پیدا می‌کند و در پرتو این اخلاق‌مداری دینی، تجاوز به حریم خصوصی کاهش یافته و حقوق افراد بیش از پیش محفوظ می‌ماند (صانع‌پور، ۱۳۹۶، ص ۲۳۱-۲۹۰). واضح است که نام اسلام یا صرف ظواهر دینی، نجات‌بخش نیست، بلکه جهان به حاکمی دادخواه نیاز دارد که «خواسته‌ها را تابع هدایت وحی» و «اندیشه‌ها را تابع قرآن» کند و «کتاب خدا و سنت پیامبر ﷺ را زنده» (خطبه ۱۳۸) و احکام اسلام را در تمام ابعاد اجرا کند.

۲. ۱. ۴. امر به معروف و نهی از منکر

تعبیر امام در خطبه ۱۹۲ نشان می‌دهد مهم‌ترین خطای امت‌های پیشین که از رحمت خدا دور گشتند، ترک امر به معروف و نهی از منکر بود؛ زیرا اجرای همه احکام الهی، وابسته به زنده نگه داشتن این دو وظیفه الهی است و اگر رها شوند، فرائض دیگر نیز دستخوش فنا خواهند شد (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ج ۷، ص ۴۸۵). ضرورت این تکلیف آن است که خودخواهی‌های اکثر مردم به قدری فراوان است که افزون بر انبیا و کتاب‌های آسمانی و اوصیا و اولیا و عقل و وجدان و تجارب مردم، گروهی در هر جامعه‌ای باید به یاری عوامل مزبور بشتابند و به وسیله امر به معروف و نهی از منکر، مردم را به حرکت به طرف خیرات و دوری از جرم‌ها وادار سازند (جعفری، ۱۳۸۸، ج ۹، ص ۱۸).

امروزه فضای مجازی به پاشنه آشیل جوامع تبدیل گشته و میزان جرم و حتی جنایت در آن به طور چشمگیری رو به افزایش است. اگر کسانی وظیفه نظارت همگانی را عهده‌دار شوند و دیگران را از نقض حریم خصوصی منع کنند یا به کاربران درباره محافظت از داده‌های شخصی هشدار دهند، بسیاری از جرایم ناشی از نقض حریم خصوصی کاهش می‌یابد. توصیه به معروف‌های جهانی و نهی از منکرهای جهانی در گسترده‌گی فضای سایبری می‌تواند عزمی جهانی



را در فراگیر کردن نیکی و فضیلت و زدودن شر و رذیلت شکل دهد (صانع پور، ۱۳۹۶، ص ۳۲۶).

۲.۱.۵. افزایش آگاهی درباره راه‌های محافظت از حریم خصوصی

یکی دیگر از راهکارهای محافظت از حریم خصوصی در فضای مجازی، فرهنگ‌سازی و تقویت آگاهی درباره راه‌های حراست از این حریم است. افزایش آگاهی به این دلیل مهم تلقی می‌شود که شایسته است علم افراد درباره یک موضوع خاص، به عمل مبدل شود؛ بدین شکل، کاربر فضای مجازی با علم به چگونگی محافظت از حریم شخصی خود و کاربرست آن، می‌تواند اقدامات شایسته‌ای برای حفظ حریم داده‌ها در فضای سایبر انجام دهد. حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: «علم و عمل پیوندی نزدیک دارند و کسی که دانست باید به آن عمل کند؛ زیرا علم، عمل را فرامی‌خواند، اگر پاسخش داد، می‌ماند و گرنه کوچ می‌کند» (حکمت ۳۶۶). اگر بخواهیم علممان پایدار گردد و به جهل تبدیل نشود، باید به آنچه می‌دانیم جامه عمل بپوشانیم (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ج ۱۵، ص ۴۷). امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرمایند: «بی‌ارزش‌ترین دانش، دانشی است که بر سر زبان است و برترین دانش، دانشی است که در جوارح آشکار است» (حکمت ۹۲). در واقع، علم توأم با عمل، چنان نیرومند می‌شود که گویی از عالم ذهن به عالم حس وارد می‌شود و به صورت فعل و عمل ملموس جلوه می‌کند (بحرانی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۷۱۲).

به طور کلی، بسیاری از کاربران از جمله شرکت‌های خصوصی، نهادهای عمومی و کاربران خانگی، با مشکل کمبود آگاهی و منابع برای مدیریت خطرات امنیت سایبری مواجه‌اند (کرمی، ۱۴۰۱، ص ۳۴۲). برای دستیابی به هدف حفظ حریم خصوصی، ارتقای دانش کاربران فضای مجازی، مهم‌ترین روش است؛ چراکه در شرایط فعلی، خود کاربران هستند که خود را در معرض تهدیدات حریم خصوصی



قرار می‌دهند؛ بنابراین، کسب این دانش موجب می‌شود کاربران تا حدود زیادی کنترل حریم خصوصی خود را به دست بگیرند (کرمی، ۱۴۰۱، ص ۳۳۶).

۲.۲. راهکارهای فردی صیانت از حریم خصوصی در فضای مجازی براساس نهج البلاغه
شماری از راهکارهای حفظ حریم خصوصی در فضای مجازی، فردی است و لازم است هر کس شخصاً مسئولیت محافظت از حریم خصوصی سایبری خود را بر عهده گیرد و اقدامات لازم را در این زمینه انجام دهد:

۱. ۲. ۲. تقویت انگیزه درونی و خودسازی (تقوا)

اگرچه نظارت بیرونی در مسیر مقابله با نقض حریم خصوصی، از اهمیت بسزایی برخوردار است، لکن نظارت درونی مهم‌تر و ثمربخش‌تر است. به بیانی دیگر، تا زمینه‌های درون ذات، آماده نباشد، سخنان واعظ برون، تأثیر نخواهد کرد (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۶۵۵). تقوا از بارزترین ارزش‌های اسلامی است که در نظامی از رفتارهای انسانی در جامعه ظهور می‌یابد و جایگاه انکارناپذیری در سبک زندگی اسلامی دارد. تقوا از ماده «وقایه» و به معنای حفظ شیء است از آنچه به او ضرر برساند (راغب، ۱۳۶۹، ص ۴۷۹). تقوا همان عاملی است که «دوستان خدا را از انجام محرمات بازمی‌دارد و قلب‌هایشان را پر از ترس خدا می‌سازد» (خطبه ۱۱۴). تقوا که یک ملکه نیرومند بازدارنده باطنی است، انسان را از آلودگی به گناهان بازمی‌دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ج ۶، ص ۱۷۳). تقوا رئیس اخلاق است (حکمت ۴۱۰) و آنان که از تقوای الهی بی‌بهره‌اند، به انواع رذایل اخلاقی آلوده می‌شوند (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ج ۱۵، ص ۳۲۵). یکی از مصادیق تقوا، پرهیز از گناهانی است که در عرصه رسانه‌ای و فضای مجازی، بستر آن بیش از فضای حقیقی فراهم است. همان‌گونه که انسان متقی در فضای حقیقی خدا را ناظر و شاهد اعمال خود



می‌داند و تقوا را معیار تنظیم روابط فردی و اجتماعی خود قرار می‌دهد، در فضای مجازی نیز به بازتعریف مفهوم مهمی به نام «تقوای مجازی» نیاز دارد تا تابلوی راهنمای فعالیت‌هایش در این حوزه باشد (نوروزی اقبالی و دیگران، ۱۴۰۰، ص ۸۵-۸۶).

حضرت علی علیه السلام در خطبه ۱۹۱، تقوا را عامل درمان دردهای اجتماعی معرفی می‌نماید. می‌توان گفت «پرهیزکاری» به عنوان شاه کلید رفع مشکلات ناشی از نقض حریم خصوصی در فضای مجازی، راهگشاست. جامعه برخوردار از ملکه درونی تقوا، دیگر به وضع قوانین و کیفر و تعزیر نیازی ندارد. اگر فرد پرهیزکار باشد و خود را ملزم به دوری از محرمات بداند، قطعاً فضای مجازی نیز به تعبیر حضرت علی علیه السلام، از دست و زبان او در امان خواهد بود؛ به ویژه در مسئله نقض حریم دیگران که به نوعی حق الناس محسوب می‌شود و ارتکاب آن از متقی واقعی، امری غیرممکن است.

۲.۲.۲. مرگ آگاهی و پرهیز از دنیازدگی

امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه، در وصف ناپایداری دنیا و نزدیک بودن مرگ، تعبیر بی نظیری را به کار بسته‌اند. مطابق دیدگاه حضرت، زشتی‌های دنیا آن چنان زرق و برق دارد که انسان مانند جانور درنده‌ای که به صید خود حمله می‌کند، به سراغش می‌رود و در این لحظه یاد مرگ می‌تواند عامل بازدارنده‌ای باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۳۵۱). ایشان در خطبه ۹۹ به مردم توصیه می‌کنند هنگام تصمیم‌گیری برای انجام کارهای زشت، مرگ را به یاد آورند و آن را با آثار و صفات نفرت‌انگیزش وصف می‌کنند که ویران‌کننده لذات و تباه‌کننده شهوات و قطع‌کننده آرزوهاست.

جهان‌بینی اسلامی، دنیا را گذرگاه، پل، میدان تمرین یا بازار تجارت و مقدمه‌ای برای آخرت معرفی می‌کند. اگر با این دیدگاه به دنیا بنگریم، بدون شک به گناه و



ستم آلوده نمی‌شویم (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ج ۵، ص ۴۵۰)؛ چراکه پرهیز از نیازدگی و توجه به مرگ، انگیزه‌ای بسیار نیرومند است که انسان را به‌سوی تقوا و خودسازی سوق می‌دهد و تأثیرات شگرفی در بیداری انسان‌ها و دوری آنان از گناهان ریز و درشت دارد. با چنین دیدگاهی، فرد نه‌تنها اطلاعات شخصی خود را در اختیار دیگران قرار نمی‌دهد، بلکه غیرممکن است متعرض حریم خصوصی دیگران شود؛ چراکه فریب زر و زیور دنیا را نمی‌خورد و خود را برای آینده‌ای روشن در قیامت مهیا می‌سازد.

۲.۲.۳. عبرت‌آموزی

گزارش‌های متعدد پلیس فتا از مصادیق نقض حریم خصوصی کاربران فضای مجازی، بسیار تکان‌دهنده و تأسف‌بار است (نک: وبگاه پلیس فتا). مطابق حکمت ۲۰۸، اگر انسان چشم عبرت‌بین داشته باشد، از حقایق این عالم آگاهی می‌یابد و برای حل مسائل دانا می‌شود. اگر شهروندان مجازی، در پی عبرت‌آموزی از حوادثی باشند که در زمینه تجاوز به حریم دیگران در سایبر رخ داده است، بدون شک در سایه آگاهی از جوانب امور و نیز بهره‌مندی از سلاح تقوا (خطبه ۱۶۶)، تلاش وافری برای محافظت از حریم خصوصی خود و پرهیز از تجاوز به حریم دیگران خواهند کرد و در این مسیر مغلوب شیطان و نفس نخواهند شد.

ارتباط ویژه حریم خصوصی با کرامت انسانی بر کسی پوشیده نیست. حضرت علی (ع) در خطبه قاصعه از مردم می‌خواهند هنگام اندیشیدن در زندگی گذشتگان، عهده‌دار چیزی باشند که عامل عزت آنان بوده و کرامت و شخصیت به آنان بخشیده است (خطبه ۱۹۲). در بخشی دیگر، امام علی (ع) به مردم توصیه می‌کنند در سختی‌ها به درس‌های عبرت گذشتگان توجه کنند (خطبه ۸۸). بدون شک، نقض حریم شخصی دیگران در فضای سایبر (که به جرئت می‌توان گفت بزرگ‌ترین آسیب ناشی از ترویج فضای مجازی در جوامع است) از سختی‌ها و مشکلات حادی



است که شهروندان دنیای مجازی با آن روبه‌رو هستند. با عنایت به مضامین سخنان امام علی (علیه السلام)، راه عبور از بحران نقض حریم خصوصی کاربران مجازی، عبرت‌آموزی از وقایعی است که بر دیگران گذشته است؛ کسانی که با بی‌توجهی به صیانت از حریم خصوصی خود، قربانی زیاده‌خواهی خود و کاربران ناهنجار فضای سایبر شده‌اند.

۴.۲.۲. دوری از غفلت و بی‌خیالی

امام علی (ع) در خطبه ششم، با تشبیه افراد غافل به کفتار (که به‌سادگی به دام صیاد می‌افتد)، به‌خوبی اهمیت مسئله دوری از غفلت را ترسیم می‌کنند (خطبه ۶). حضرت، ضمن اینکه خود را از غفلت به‌دور می‌دانند، معتقدند فرد باید تمام جوانب را بسنجد تا غافلگیر نشود. غافلان عموماً در وقت کار و عمل، از آگاهی لازم برخوردار نیستند؛ اما هنگامی که کار از کار گذشته و دیگر فرصتی برای جبران باقی نمانده، ناگهان بیدار می‌شوند و خود را در مهلکه‌ای که بر اثر غفلت در آن افتاده‌اند، می‌بینند. توجه حضرت به مقوله غفلت در نهج البلاغه به‌وفور دیده می‌شود و ایشان همگان را از غفلت‌زدگی در امور گوناگون زندگی برحذر می‌دارند (خطبه ۱۵۳).

حریم خصوصی را می‌توان از بسترهای جرم‌خیز در فضای مجازی دانست. محافظت از این حریم در فضای مجازی، مهارتی است که کاربران در وهله اول باید از آن برخوردار شوند و از قوانین حاکم بر آن، آگاهی یابند. برخی از شهروندان دنیای مجازی، بدون توجه به عواقب کار، داده‌های شخصی خویش را در معرض دید همگان قرار می‌دهند؛ گویی از عواقب جبران‌ناپذیر کار خود اطلاع ندارند. به عبارت دیگر، بی‌خیالی و غفلت برخی از کاربران، با آزاد گذاشتن حضور دیگران در حریم خصوصی خود نمود پیدا می‌کند؛ به‌طور نمونه، برخی از نرم‌افزارها دسترسی‌های گسترده‌ای از کاربر می‌خواهند و همین مسئله شرایط را برای هک‌های



مجازی فراهم می‌کند یا برخی از کاربران با بی‌اعتنایی از کنار به‌روزرسانی نرم‌افزارها می‌گذرند، در حالی که نرم‌افزارها در به‌روزرسانی‌های جدیدشان معمولاً باگ‌های امنیتی را برطرف می‌کنند و شرایط برای حملات سایبری نامساعد می‌شود (آب‌بند عربانی و واحدی، ۱۳۹۸)؛ همچنین، شرکت‌ها و افراد می‌توانند به راحتی به ایمیل‌ها دسترسی یابند و به سرقت اطلاعات شخصی دست بزنند. برای جلوگیری از این کار، ایمیل‌ها باید رمزنگاری و ایمن‌سازی شوند.

مطابق خطبه ۱۷۶، قرآن درمان غفلت است. به راستی اگر افرادی که از به کارگیری دستورات قرآن غافل هستند یا خود را به غفلت زده‌اند، به صراط حق برگردند و قرآن را نصب‌العین خود در دنیا و آخرت قرار دهند، بی‌خبری و بروز فجایع ناشی از آن، از جامعه رخت برمی‌بندد و نور قرآن جهان را روشن می‌کند.

۲.۲.۵. پرهیز از خوش‌بینی و اعتماد به کاربران فضای مجازی

براساس حکمت ۱۱۴، در روزگاری که فساد غالب شود و اکثر مردم به راه خلاف بروند، حسن‌ظن به افراد سبب می‌شود انسان خودش را فریب دهد. در چنین وضعیتی انسان باید با رعایت جانب احتیاط، خود را از گرفتاری در توطئه‌ها و مفسده‌ها رهایی بخشد. این بدان معنا نیست که انسان سوءظن خود را به اشخاص آشکار سازد و آن‌ها را متهم کند، بلکه منظور این است که بدون عکس‌العمل منفی، در عمل جانب احتیاط را از دست ندهد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹، ج ۱۲، ص ۶۸۶).

مجعول و مجهول بودن هویت افراد از یک سو و ماهیت دسترسی آسان به داده‌های دیگران در فضای مجازی از سوی دیگر، ایجاب می‌کند افراد جانب احتیاط را نگه داشته و اطلاعات شخصی خود را در دسترس دیگران قرار ندهند. حضرت علی علیه السلام در حکمت ۳۸۴ می‌فرمایند: «قبل از آزمودن اشخاص، اطمینان کردن از عجز و ناتوانی است». این مطلب در عصر ما، به دلیل فراوان شدن



ابلیسان آدم‌رو و منافقان ظاهرالصلاح، اهمیت بیشتری پیدا کرده و اعتماد به دیگران، قبل از حصول اطمینان از طریق امتحان، نشانه عجز است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹، ج ۱۵، ص ۱۷۵)؛ لذا چون در زمانه بدی هستیم، لازم است احتیاط بیشتری در تمام امور به خرج دهیم. حضرت می‌فرمایند: «در روزگاری هستید که خوبی به آن پشت کرده و می‌گذرد و بدی بدان روی آورده، پیش می‌تازد و طمع شیطان در هلاکت مردم بیشتر می‌گردد. هم‌اکنون روزگاری است که سازوبرگ شیطان تقویت شده، فریض همگانی و به‌دست آوردن شکار برای او آسان است» (خطبه ۱۲۹). این گفتار مبتنی بر بدگویی از روزگار است و ناهمواری زمانه بدین سبب است که روزگار از عصر ظهور دین و شکوفایی آن دوری گرفته و مردم بر هتک حرمت آن گستاخ شده و بر ارتکاب محرمات جرئت یافته‌اند (بحرانی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۲۶۰).

براساس آنچه از نهج‌البلاغه ذکر گردید، کاربران فضای سایر لازم است با این پیش‌فرض که شهروندان فضای مجازی قابل اعتماد نیستند، در این محیط مبهم و بی‌سروسامان گام نهند و کم‌اهمیت‌ترین اطلاعات شخصی را مهم و باارزش تلقی کرده، از به‌اشتراک گذاشتن آن با دیگران جداً پرهیزند.

۲.۲.۲. محافظت از اطلاعات شخصی خود

یکی از مهم‌ترین راه‌های حفظ حریم خصوصی در فضای سایر این است که خود کاربران از اطلاعات مهم خود نگهداری کنند؛ بدین معنا که کاربر باید از هوشمندی کامل برخوردار باشد و با نگهداری از اسرار شخصی، خود را از عواقب سنگینی که ممکن است گریبان‌گیرش شود، حفظ کند. حضرت امیر علیه السلام سینه خردمند را صندوق راز او می‌دانند (حکمت ۶)؛ یعنی همان‌گونه که صاحبان ثروت، اشیای قیمتی را در صندوق‌های محکم نگهداری می‌کنند، انسان عاقل نیز باید اسرارش را در دل خود پنهان دارد؛ چرا که اگر به دست دوست بیفتد، گاه سبب ناراحتی اوست و اگر به دست دشمن بیفتد ممکن است سبب آبروریزی او شود. بعضی از اسرار نیز



با سرنوشت ملت ارتباط دارند و اگر بی‌موقع فاش شوند، خسارت عظیمی برای جامعه به بار خواهند آورد (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ج ۱۲، ص ۵۹)؛ بنابراین، بی‌دقتی در محافظت از داده‌ها و اطلاعات شخصی و بر ملا کردن آن‌ها، می‌تواند مشکلات عدیده‌ای ایجاد کند. شوربختانه، بسیاری از کاربران فضای مجازی، تصاویر، فیلم‌ها، اسناد، عقاید و سلیق شخصی خود را در دسترس دیگران قرار می‌دهند و بدین ترتیب، مدیریت و کنترل اسرار خصوصی خویش را به دیگران می‌سپارند.

۲.۲.۷. شناخت قرآن و عمل به آن

حقایقی که در قرآن آمده می‌تواند ملاک عقاید و احکام و تکالیف انسان‌هایی باشد که می‌خواهند در زمینه ارتباطات چهارگانه (ارتباطات انسان با خویش، خدا، جهان هستی و هم‌نوع خود) به سعادت برسند (جعفری، ۱۳۸۸، ج ۹، ص ۱۶۱). حضرت علی (ع) در خطبه ۱۵۶ همگان را به عامل بودن به قرآن توصیه می‌کند؛ زیرا قرآن ریسمان محکم الهی، نور آشکار و درمانی سودمند است و نجات دهنده کسی است که به آن متمسک شود (خطبه ۱۵۶). به عبارت دیگر، داروی درمان رذایل اخلاقی فردی و اجتماعی (به عنوان بیماری‌های جانکاه و کشنده) در جای جای قرآن مجید نهفته است (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ج ۶، ص ۱۴۵). حضرت علی، قرآن را «شفادهنده دردهای مردم و سامان‌دهنده امور فردی و اجتماعی» معرفی می‌کنند. مطابق این خطبه ۱۵۸، قرآن نور است؛ همان گونه که نور، فضای زندگی را روشن می‌سازد و انسان را از گمراهی و سقوط در پرتگاه‌ها حفظ می‌کند، گیاهان را می‌رویاند و تمام موجودات زنده را پرورش می‌دهد، قرآن مجید نیز در جنبه‌های معنوی و مادی، نجات‌بخش و پرورش‌دهنده است (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ج ۶، ص ۱۹۳).

مطابق خطبه ۱۳۳، در آن هنگام که بشر بتواند با قرآن بیند و با قرآن سخن بگوید همه زندگی‌اش تجسیم‌کننده قانون شده، گفتار و کردار و نیت و خودداری و اقدامش در هر موقعیتی، تجلی گاه قوانین خواهد گشت (جعفری، ۱۳۸۸، ج ۸،



ص ۲۴۹). بشر در چنان روزی گفتار خود را با آیات قرآنی مستحکم خواهد ساخت، لغو و یاوه نخواهد گفت و دهانش با دروغ و سخنان زشت و فریب کاری آلوده نخواهد گشت (جعفری، ۱۳۸۸، ج ۸، ص ۲۵۲).

توجه به حریم خصوصی انسان در سرتاسر قرآن کریم دیده می شود. توصیه های مکرر به مواردی همچون احترام به حقوق دیگران، بدون اذن واردنشدن به منزل دیگران، پرهیز از تجسس، عیب جویی، غیبت و سوءظن، تأکید بر حفظ آبروی مؤمن، حرمت استراق سمع و بصر و پرهیز از اشاعه فحشا همگی نشان می دهند که رعایت قوانین قرآنی در سایه حکومت اسلامی، راهی برای ایجاد مشکلات اجتماعی باقی نمی گذارد.

۲.۲.۸. مراقبه فردی در برابر وسوسه شیطان

امام علی علیه السلام در بخشی از خطبه ۱۳۳، ضمن بیان برخی از دردهای معنوی مردم، به یکی از مهم ترین ریشه های انحراف آن ها یعنی وسوسه شیطان اشاره کرده، می فرماید: «شیطان شما را در سرگردانی افکنده است» (خطبه ۱۳۳). شیطان، انسان را به پوچی و بی هدفی که نتیجه آن، سرگردانی است، تشویق می کند و انسان سرگردان را به بیراهه کشانده و هلاک می کند که اگر یاری خداوند نباشد، کسی به جایی نمی رسد (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ج ۵، ص ۴۸۳). آن هنگام که شخصیت کمال جوی آدمی از مسیر اصلی اش که جاده تزکیه و تقویت بُعد الهی آن است، منحرف گردد، غرایز حیوانی دست و پایش را بسته، به شیطان که دشمن دیرینه فرزندان آدم است، تحویل می دهد (جعفری، ۱۳۸۸، ج ۸، ص ۲۶۰).

تعبیر امام علیه السلام در خطبه ۱۹۲ که می فرماید «شیطان تمام قوا و نیروهای خود را برای حمله به شما آماده ساخته و از مکان نزدیکی شما را نشان گرفته»، اشاره به این است که عوامل وسوسه های شیطانی در درون و برون انسان فراوان است و وی باید کاملاً هوشیار باشد تا در دام های رنگارنگ او نیفتد (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ج ۷،



ص ۳۷۲). بدیهی است نقش شیطان در ارتکاب اعمال خلاف و نابهنجار، نقشی عمده است؛ لذا در مبارزه با شیطان در صورتی می‌توان پیروز شد و از چیرگی‌اش جلوگیری کرد که اولاً وجود او را باور کرد و دشمنی‌اش را جدی گرفت، ثانیاً از چگونگی چیرگی و ترفندهایش اطلاعات کافی به دست آورد، ثالثاً راه مبارزه با وی را یاد گرفت و با عزمی راسخ با او مبارزه کرد (جعفرطیاری، ۱۳۹۶، ص ۷۶). بدین ترتیب، با گذر از مراحل بالا، انسان در مبارزه‌ای همه‌جانبه با شیطان پیروز گشته و گناهان و ناهنجاری‌هایی از جمله تجاوز به حریم دیگران در فضای مجازی از او سر نمی‌نزد و موجبات نقض حریم خصوصی خود را فراهم نمی‌کند.



نتیجه گیری

عموم شهروندان دنیای مجازی، از حساسیت زیاد خود در قبال محافظت از حریم شخصی شان سخن می گویند؛ اما برای افزایش امنیت حریم خصوصی خود در فضای مجازی، اقدام عملی جدی انجام نمی دهند و عموماً رفتارهایی برای نقض حریم خصوصی از آن ها سر می زند. با توجه به ماهیت خاص فضای مجازی، اگر انسان بدون توجه به مسیر صعب العبوری که در نتیجه پیشرفت فناوری های نوین در پیش روی اوست، در این وادی راه یابد، توفیقی نخواهد یافت و در گرداب فضای مجازی غرق خواهد شد و نمی تواند حافظ حریم خصوصی خود و دیگران باشد.

برای پیشگیری منطقی و مؤثر از این امر، راهکارهای اجتماعی از جمله تقنین و مجازات کیفری، نظارت آشکار و نهان بر اجرای قانون، اجرای قوانین و مقررات الهی در سایه حاکمیت اسلام، امر به معروف و نهی از منکر، آگاهی از راه های محافظت از حریم خصوصی و کار بست راهکارهای فردی (از جمله تقویت انگیزه درونی و خودسازی، مرگ آگاهی و پرهیز از دنیازدگی، عبرت آموزی، دوری از غفلت، پرهیز از خوش بینی و اعتماد به کاربران فضای مجازی، محافظت از اطلاعات شخصی خود، شناخت قرآن و عمل به آن، مراقبه فردی در برابر وساوس شیطان) از نهج البلاغه شریف استخراج گردیده است. با وجود جایگاه و اهمیت منحصر به فرد هریک از راهکارهای یاد شده، به نظر می رسد عامل بازدارنده درونی (تقوا)، نقش مؤثرتری در کنترل افراد در مراقبت از حریم خصوصی خود و دیگران دارد.

از نظر نگارندگان، اگر تنها همین جمله از امام علی علیه السلام در نامه ۳۱، سرلوحه کاربران شود، تمام مشکلات فضای مجازی اعم از تعدی به حریم خصوصی دیگران رفع خواهد شد: «آنچه برای خود دوست داری برای دیگران نیز دوست بدار و آنچه برای خود نمی پسندی، برای دیگران هم مپسند».



کتاب نامه

* قرآن کریم.

* نهج البلاغه (صبحی صالح).

آب بند عربانی، الهام و مهدی واحدی (۱۳۹۸)، «بررسی حریم خصوصی کاربران در فضای مجازی به منظور ارائه راهکارهایی برای حفظ آن»، اولین همایش ملی مدرسه فردا، اردیبل.

اسماعیلی، مهدیه، حمید حمیدیان و احمد زارع زردینی (۱۴۰۲)، «بررسی تطبیقی کدهای اخلاقی حریم خصوصی در نهج البلاغه و فضای مجازی»، فصلنامه علمی پژوهشی/اخلاق پژوهی، س ۶، ش ۳، ص ۱۰۵-۱۲۷.

بادسار، پروین و همکاران (۱۳۹۳)، حمایت کیفری از حریم خصوصی در فضای مجازی، تهران: راشدین.

بحرانی، ابن میثم (۱۴۱۷ق)، شرح نهج البلاغه/ابن میثم، ترجمه قربانعلی محمدی مقدم، مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه.

جعفرطیاری، مصطفی (۱۳۹۶)، «فرایند چیرگی شیطان بر انسان با رویکرد تربیتی در قرآن و حدیث»، دوفصلنامه علمی پژوهشی آموزه های تربیتی در قرآن و حدیث، س ۲، ش ۳، ص ۷۵-۹۲.

جعفری، محمد تقی (۱۳۸۸)، ترجمه و شرح نهج البلاغه، تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.

حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق)، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۶۹)، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق سید غلامرضا خسروی، تهران: مرتضوی.

رجبی، علی محمد (۱۳۹۸)، حریم خصوصی در فضای مجازی و شبکه های اجتماعی، تهران: پشتیبان.



- سبحانی نیا، محمد (۱۴۰۲)، «بررسی تطبیقی آموزه‌های اخلاقی نهج البلاغه با نظام‌های اخلاقی غرب»، مشکوة، س ۴۲، ش ۱۵۹، ص ۱۲۳-۱۴۶.
- صانع‌پور، مریم (۱۳۹۶). اخلاق شهروندان دنیای مجازی با تمرکز بر قرآن و نهج البلاغه، با مقدمه سیدمصطفی محقق داماد، تهران: بنیاد نهج البلاغه.
- فقیهی، مهدی و محمدجواد جمشیدی (۱۳۹۷)، «بررسی قوانین حفاظت از داده‌های کاربران در کشورهای منتخب»، نشریه گزارش‌های کارشناسی (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی)، ۳۸ صفحه.
- کرمی، حمزه (۱۴۰۱)، مسئولیت مدنی ناشی از نقض حریم خصوصی در فضای سایبر، تهران: امجد.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- محمدنسل، غلامرضا (۱۳۹۵)، حقوق جزای اختصاصی، جرایم رایانه‌ای در ایران، چاپ دوم، تهران: میزان.
- مرادی، رحیم و اسماعیل زارعی زوارکی (۱۳۹۶)، «آموزش اخلاق فناوری مبتنی بر آموزه‌های رضوی در بستر شبکه‌های اجتماعی مجازی»، *international Multidisciplinary Journal of Pure Life*، س ۴، ش ۱۲، ص ۵۹-۹۰.
- مسعودی، محمداسحاق (۱۳۹۶)، حریم خصوصی و نظارت اجتماعی از منظر قرآن و نهج البلاغه، قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، معاونت پژوهشی دانشگاه معارف اسلامی.
- مسعودی، محمداسحاق و ابراهیم کلانتری (۱۳۹۰)، «قانون‌گرایی حاکمان در نهج البلاغه»، فصلنامه مطالعات تفسیری، س ۲، ش ۶، ص ۲۷-۴۴.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۹۰)، پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام، قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب علیه السلام.



نوروزی اقبالی، محمدجواد و همکاران (۱۴۰۰)، سایه‌روشن‌های تقوا در فضای مجازی، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
 نیازی، احمدعلی (۱۳۸۹)، «اهداف و وظایف حکومت دینی»، معرفت سیاسی، س ۲، ش ۱، ص ۱۴۹-۱۷۹.

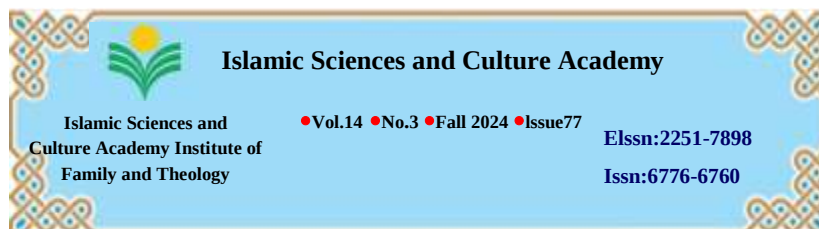
وبگاه پلیس فتا، به نشانی: cyberpolice.gov.ir/node/170219

Inness, Julie (1992). *Privacy, Intimacy and Isolation*. Oxford: Oxford University Press.

Prosser, Dean William (1960). "Privacy". *California Law Review*, Berkeley, No. 3, vol. 48.

Solove, Daniel J. (2010). *Understanding privacy*. Cambridge. MA: Harvard College Publications.

Warren, Samuel & Brandeis, Louis D. (1890). "The Right to Privacy". *Harvard Law Review*, Cambridge, Harvard Law School, Vol. 4, No. 5, pp. 193-220.



Analysis of Ethical Dilemmas in the Age of New Media and Social Networks

(Proposing an Ethical Framework and Practical Solutions) *

Mohadeseh Ghavami-pour Sereshkeh,¹  Amirreza Mahmoudi² 

1-PhD Student in Criminal law and Criminology, Lahijan Branch, Islamic Azad University, Lahijan, Iran (Corresponding Author).

mohadesehghavamipour@liau.ac.ir

2-Assistant Professor, Department of Law, Lahijan Branch, Islamic Azad University, Lahijan, Iran.

amirreza.mahmodi@gmail.com



Abstract

The past four decades have witnessed the convergence of disparate markets into a unified global marketplace, coinciding with rapid population growth. The emergence of new media and internet technologies has accelerated the global dissemination of information, transcending traditional geopolitical boundaries. This paradigm shift has led to the rise of social media platforms as primary sources for the production and distribution of journalistic content. The interactive nature of these platforms has facilitated unprecedented cross-cultural communication. However, this digital revolution has also introduced a range of ethical challenges. This study provides a comprehensive analysis of the ethics of new media and social networks, identifying existing ethical issues and critically evaluating various ethical

*Cite this article: Esmaili, ghavami pour sereshkeh, mohadeseh; Mahmoudi, Amirreza . (2024). Analysis of Ethical Dilemmas in the Age of New Media and Social Networks (Proposing an Ethical Framework and Practical Solutions), Journal in Applied Ethics Studies, 3(77), 75-106 <https://doi.org/10.22081/jf.2024.69686.1945>

■ **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Isfahan, Iran). ***Type of article:** Research Article

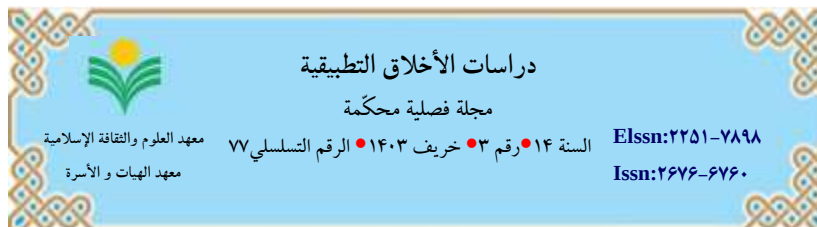
■ **Received:** 2024/08/10 • **Revised:** 2024/09/06 • **Accepted:** 2024/**/** • **Published online:** 2025/05/28

approaches within these digital ecosystems. Based on these analyses, the research presents a descriptive-analytical approach to propose a comprehensive ethical framework grounded in principles such as transparency, accountability, and respect for individual rights and collective interests. Additionally, it offers practical solutions to address the multifaceted challenges arising from the digital media landscape, including the development of media literacy, improvement of content verification systems, and strengthening of regulatory mechanisms. The aim of this research is to contribute to the creation of a more ethical and responsible media environment, providing a foundation for addressing ethical dilemmas in the digital age.

Keywords

Ethical Framework, New Media, Social Media, Media Ethics, Journalism, Globalization.





تحليل القضايا الأخلاقية في عصر وسائل الإعلام الجديدة وشبكات التواصل الاجتماعي (عرض الإطار الأخلاقي والحلول العملية)*

محدثه قوامي بور سرشكه،^۱ أميررضا محمودي^۲

۱- طالبة مرحلة دكتوراه في فرع القانون، جامعة آزاد الإسلامية - فرع لاهيجان، مدينة لاهيجان، إيران (الكاتبة المسؤولة).

mohadesehghavamipour@liau.ac.ir

۲- أستاذ مساعد في قسم القانون، جامعة آزاد الإسلامية - فرع لاهيجان، مدينة لاهيجان، إيران
amirreza.mahmodi@gmail.com

الملخص

خلال العقود الأربعة الماضية، ومع النمو السريع للسكان، تقاربت الأسواق المختلفة في شكل سوق عالمية موحدة، وأفضى ظهور وسائل الإعلام الجديدة وتقنيات الإنترنت إلى تسريع نشر المعلومات وعولمتها، وقد تجاوز هذا الأمر الحدود الجيوسياسية التقليدية. وقد أدى هذا التحول النموذجي إلى ظهور منصات وسائل التواصل الاجتماعي باعتبارها المصادر الرئيسية لإنتاج المحتوى الصحفي وتوزيعه. وقد سهّلت الطبيعة التفاعلية لهذه المنصات التواصل غير المسبوق بين الثقافات، ومع ذلك، فقد

* **استشهد بهذه المقالة:** قوامي بورسرسكه، محدثه؛ محمودي، أميررضا (۱۴۰۳). تحليل القضايا الأخلاقية في عصر وسائل الإعلام الجديدة وشبكات التواصل الاجتماعي (عرض الإطار الأخلاقي والحلول العملية). دراسات الأخلاق التطبيقية، ۳ (۷۷)، صص ۷۵-۱۰۶.

<https://doi.org/1022081/jf.2024.69686.1945>

□ نوع المقال: بحث؛ الناشر: مركز الدعوة الإسلامية في حوزة قم (معهد العلوم والثقافة الإسلامية، أصفهان، إيران) © المؤلفون

□ تاريخ الاستلام: ۲۰۲۴/۰۸/۱۰ □ تاريخ التعديل: ۲۰۲۴/۰۹/۰۶ □ تاريخ القبول: **/۱۴۰۳/۰۳ □ تاريخ الإصدار: ۲۰۲۵/۰۵/۲۸



خلقت هذه الثورة الرقمية سلسلة من المسائل الأخلاقية. تقدّم هذه الدراسة تحليلاً شاملاً لأخلاقيات وسائل الإعلام الجديدة والشبكات الاجتماعية، كما تحدد المسائل الأخلاقية الراهنة، وتقيم مختلف الاتجاهات الأخلاقية في هذه النظم البيئية الرقمية بشكل نقدي. بناءً على هذه التحليلات، يقدم البحث الحالي إطاراً أخلاقياً شاملاً يقوم على مبادئ مثل الشفافية، والمسؤولية، واحترام الحقوق الفردية والمصالح الجماعية بمنهج وصفي وتحليلي؛ كما أنه يقترح حلولاً عملية للتعامل مع المسائل المتعددة الأوجه التي تمخض عنها فضاء الوسائط الرقمية؛ بما في ذلك تطوير الثقافة الإعلامية، وتحسين أنظمة التحقق من المحتوى، وتعزيز آليات الرقابة. يوفر هذا البحث الأرضية لحل المعضلات الأخلاقية في العصر الرقمي بهدف المساعدة في خلق بيئة إعلامية أكثر أخلاقية ومسؤولية.

الكلمات المفتاحية

الإطار الأخلاقي، وسائل الإعلام الجديد، وسائل التواصل الاجتماعي، أخلاقيات الإعلام، الصحافة، العولمة.



تحلیل مسائل اخلاقی در عصر رسانه‌های نوین و شبکه‌های اجتماعی (ارائه چارچوب اخلاقی و راهکارهای کاربردی)* محدثه قوامی پور سرشکه^۱، امیررضا محمودی^۲

۱- دانشجوی دکتری گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد لاهیجان، لاهیجان، ایران (نویسنده مسئول).

mohadesehghavamipour@liau.ac.ir

۲- استادیار گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد لاهیجان، لاهیجان، ایران.

amirreza.mahmodi@gmail.com

چکیده

طی چهار دهه گذشته، هم‌زمان با رشد سریع جمعیت، بازارهای متفرق در قالب یک بازار جهانی یکپارچه هم‌گرایی یافته‌اند. ظهور رسانه‌های نوین و فناوری‌های اینترنتی، تسریع و جهانی شدن انتشار اطلاعات را شتاب بخشیده و این امر از مرزهای سنتی ژئوپلیتیک فراتر رفته است. این تغییر الگو به ظهور بسترهای رسانه‌های اجتماعی به عنوان منابع اصلی تولید و توزیع محتوای خبرنگاری منجر شده است. ماهیت تعاملی این بسترها، برقراری ارتباطات بین فرهنگی بی سابقه‌ای را تسهیل کرده

* **استناد به این مقاله:** قوامی پور سرشکه، محدثه؛ محمودی، امیررضا (۱۴۰۳). تحلیل مسائل اخلاقی در عصر رسانه‌های نوین و شبکه‌های اجتماعی (ارائه چارچوب اخلاقی و راهکارهای کاربردی). مطالعات اخلاقی کاربردی، مطالعات اخلاق کاربردی، ۳ (۷۷)، صص ۷۵-۱۰۶.

<https://doi.org/1022081/jf.2024.69686.1945>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، اصفهان، ایران) © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۲۰ □ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۶/۱۶ □ تاریخ پذیرش: **/**/۱۴۰۳ □ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۳/۰۷



است. با این حال، این انقلاب دیجیتال، مجموعه‌ای از مسائل اخلاقی را پدید آورده است. این مطالعه تحلیل جامعی از اخلاق رسانه‌های نوین و شبکه‌های اجتماعی ارائه می‌دهد، مسائل اخلاقی موجود را شناسایی و رویکردهای مختلف اخلاقی را در این اکوسیستم‌های دیجیتال به‌طور انتقادی ارزیابی می‌کند. براساس این تحلیل‌ها، پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی تحلیلی، چارچوب اخلاقی جامعی ارائه می‌دهد که بر اصولی چون شفافیت، مسئولیت‌پذیری و احترام به حقوق فردی و منافع جمعی استوار است. همچنین، راهکارهای عملی برای مقابله با مسائل چندوجهی ناشی از فضای رسانه‌های دیجیتال پیشنهاد می‌دهد؛ از جمله توسعه سواد رسانه‌ای، بهبود سیستم‌های تأیید اعتبار محتوا و تقویت سازکارهای نظارتی. این پژوهش با هدف کمک به ایجاد یک فضای رسانه‌ای اخلاقی‌تر و مسئولانه‌تر، زمینه را برای حل معضلات اخلاقی در عصر دیجیتال فراهم می‌کند.

کلیدواژه‌ها

چارچوب اخلاقی، رسانه‌های نوین، رسانه‌های اجتماعی، اخلاق رسانه، روزنامه‌نگاری، جهانی شدن.



مقدمه

طی چهل سال گذشته، جمعیت به سرعت افزایش یافته و یکپارچگی بی‌سابقه‌ای رخ داده است. بازارهای کوچک و بزرگ که قبلاً منزوی بودند، با یکدیگر ادغام شده و به طور برگشت‌ناپذیری به یک بازار واحد تبدیل شده‌اند. علاوه بر این، تأثیرات رسانه‌های نوین به عنوان یکی از پدیده‌های امروزی در زمینه‌های مالی، مالکیت، تجارت، سیاست، مقررات و شبکه‌های ارتباطی به تمام حوزه‌های زندگی انسان گسترش یافته و از مرزهای طبیعی تعریف‌شده فراتر رفته است (Löwstedt, 2018, p. 368)؛ زیرا با ظهور و گسترش اینترنت، جوامع در سطح جهانی و محلی به شدت تحت تأثیر قرار گرفته‌اند و انتشار اطلاعات رسانه‌هایی که از طریق اینترنت پخش می‌شوند، سرعت گرفته است (Paulino & Gomes, 2021, p. 429). اینترنت که هرگز به فرد، گروه، سازمان، ملت یا قاره خاصی متعلق نبوده، در قرن ۲۱ جایگاه قدرتمندی برای خود ایجاد کرده است و رسانه‌های نوین به دلیل ساختار تعاملی خود که تحت تأثیر اینترنت است، شیوه ارتباطی ما را تغییر داده‌اند؛ زیرا رسانه‌های نوین، برخلاف رسانه‌های سنتی، به جای پخش یک‌طرفه از بالا به پایین، امکان گفتگو بین افراد زیادی را فراهم می‌کنند و به همین دلیل، رسانه‌های نوین به ویژه برقراری ارتباط با فرهنگ‌ها، جوامع و افراد مختلف را تسهیل می‌کنند (جامی‌پور و دیگران، ۱۴۰۱، ص ۷۹).

در عصر حاضر، تحولات شگرف در حوزه فناوری و ارتباطات به ظهور رسانه‌های نوین و شبکه‌های اجتماعی منجر شده است و در پی آن، مرزهای جغرافیایی محو شده و ارتباطات انسانی دستخوش تغییرات اساسی قرار گرفته است. این رسانه‌ها با سرعت و گستردگی بی‌سابقه‌ای اطلاعات را منتشر می‌کنند و امکان تعامل میان افراد را از فرهنگ‌ها و جوامع مختلف فراهم می‌آورند. با این حال، این تحولات نه تنها فرصت‌های بی‌بدیلی برای ارتقای سطح آگاهی عمومی و تسهیل در



ارتباطات ایجاد کرده‌اند، بلکه مسائل اخلاقی مهمی نیز به همراه داشته‌اند که لازم است درباره‌ی این مسائل، بررسی و تحلیل دقیق انجام شود.

رشد بی‌سابقه‌ی این رسانه‌ها و تبدیل آن‌ها به منابع اصلی انتشار اخبار و اطلاعات، مسائل اخلاقی متعددی را به وجود آورده است که از جمله آن‌ها می‌توان به نقض حریم خصوصی، انتشار اطلاعات نادرست و محتوای جعلی، و استفاده از عناوین گمراه‌کننده اشاره کرد. این مسائل نه تنها اعتماد عمومی را به رسانه‌ها کاهش می‌دهند، بلکه ممکن است به آسیب‌های جدی اجتماعی و فرهنگی منجر شوند. این مقاله به دنبال تحلیل جامع این مسائل است و در همین راستا به ارائه‌ی یک چارچوب اخلاقی جامع و راهکارهای عملی برای مقابله با آن‌ها می‌پردازد. روش تحقیق در این پژوهش، تحلیل محتوای انتقادی است که با مرور ادبیات مرتبط، تحلیل مطالعات قبلی و بررسی موردی مسائل اخلاقی رسانه‌های نوین و شبکه‌های اجتماعی انجام می‌شود. در این پژوهش، ابتدا مسائل اخلاقی اصلی شناسایی و سپس، رویکردهای مختلف اخلاقی تحلیل می‌شود.

پرسش اصلی این پژوهش این است که «مسائل اخلاقی رسانه‌های نوین چیست و چه راهکارهای عملی برای مواجهه با این مسائل می‌توان ارائه داد؟». همچنین، این پژوهش تلاش می‌کند به این سؤال پاسخ دهد: «چگونه می‌توان یک چارچوب اخلاقی منسجم برای هدایت فعالیت‌های رسانه‌ای در بسترهای دیجیتال تدوین کرد؟».

نوآوری این پژوهش در ارائه‌ی یک چارچوب اخلاقی جامع برای مواجهه با مسائل و معضلات اخلاقی در رسانه‌های نوین است؛ چارچوبی که بر اصولی همچون شفافیت، مسئولیت‌پذیری و احترام به حقوق فردی و منافع جمعی استوار است. نوآوری دیگر این پژوهش در تحلیل انتقادی رویکردهای موجود و ارائه‌ی راهکارهای عملی است که به بهبود وضعیت اخلاقی در فضای رسانه‌های نوین و شبکه‌های اجتماعی کمک می‌کند. در این راستا، شناخت و تدوین چارچوب‌های



اخلاقی منسجم برای هدایت فعالیت‌های رسانه‌ای در بسترهای نوین، امری ضروری به نظر می‌رسد.

جامی‌پور و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «واکاوی چالش‌های اخلاقی به کارگیری رسانه‌های اجتماعی در ایران: رویکردی اکتشافی» به بررسی مسائل اخلاقی استفاده از رسانه‌های اجتماعی پرداخته‌اند؛ موضوعی که در سال‌های اخیر و به‌ویژه پس از شیوع ویروس کرونا اهمیت بیشتری یافته است. هدف اصلی این مقاله، شناسایی و اولویت‌بندی این مسائل اخلاقی با استفاده از روش تحقیق آمیخته متوالی بوده است. پژوهشگران در مرحله اول برای شناسایی مسائل، از مرور ادبیات و گروه کانونی استفاده کرده و در مرحله دوم برای ارزیابی و بومی‌سازی این مسائل، از روش پیمایش بهره برده‌اند. جامعه آماری شامل استادان و خبرگان حوزه اخلاق فناوری اطلاعات و رسانه‌های اجتماعی بوده است. نتایج مقاله ۷ بُعد اصلی و ۴۲ شاخص در حوزه اخلاق رسانه‌های اجتماعی ارائه می‌دهد. از نقاط قوت این پژوهش می‌توان به استفاده از روش تحقیق ترکیبی، توجه به موضوعی مهم و به‌روز و ارائه چارچوبی مشخص برای سیاست‌گذاران اشاره کرد. با این حال، محدود بودن جامعه آماری به خبرگان و بررسی نکردن دیدگاه کاربران عادی و همچنین، احتمال سوگیری در نتایج (به دلیل استفاده از نمونه‌گیری هدفمند) از نقاط ضعف احتمالی آن است. در مجموع، مقاله یادشده، تلاشی برای شناسایی و دسته‌بندی مسائل اخلاقی رسانه‌های اجتماعی است که می‌تواند مبنایی برای تحقیقات بیشتر و سیاست‌گذاری در این حوزه باشد. پژوهش حاضر در مقایسه با مقاله یادشده، چندین نوآوری قابل توجه دارد؛ اولاً از جامعیت بیشتری برخوردار است، زیرا علاوه بر شناسایی مسائل، به ارائه راهکارهای کاربردی نیز می‌پردازد. ثانیاً با ارائه یک چارچوب اخلاقی مشخص، راهنمای عملی‌تری برای کاربران و سیاست‌گذاران فراهم می‌کند؛ همچنین، گستره وسیع‌تری را با اشاره به «رسانه‌های نوین» پوشش می‌دهد و می‌تواند شامل طیف گسترده‌تری از رسانه‌ها باشد.



رحیمی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه شبکه‌های اجتماعی مجازی و گرایش به ناهنجاری‌های اخلاقی» به بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر گرایش جوانان شهر تهران به ناهنجاری‌های اخلاقی پرداخته‌اند. این پژوهش با روش پیمایشی و استفاده از پرسش‌نامه انجام شده و چهارصد جوان تهرانی را مورد مطالعه قرار داده است. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد عواملی مانند پایگاه اجتماعی اقتصادی، جنسیت، وضعیت تأهل و میزان تحصیلات بر گرایش به ناهنجاری‌های اخلاقی تأثیر گذارند. همچنین، عضویت، میزان فعالیت و نوع استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی، ۳۲ درصد از گرایش به ناهنجاری‌های اخلاقی را تبیین می‌کنند. نقاط قوت این مقاله شامل استفاده از روش کمی برای بررسی موضوع، تمرکز بر گروه سنی خاص (جوانان) و بررسی عوامل مختلف تأثیرگذار بر ناهنجاری‌های اخلاقی می‌شود و نقاط ضعف آن، محدود بودن جامعه آماری به شهر تهران و بررسی نشدن عمیق‌تر دلایل گرایش به ناهنجاری‌های اخلاقی است. در پژوهش حاضر برای مقابله با معضلات اخلاقی، راهکارهای کاربردی ارائه می‌شود. علاوه بر این، رویکرد تحلیلی‌تر می‌تواند به درک عمیق‌تری از موضوع منجر شود. در نهایت، توجه به عصر رسانه‌های نوین، نشان‌دهنده دیدگاه وسیع‌تر و توجه به تغییرات زمانی در مقاله حاضر است.

نقدی‌پور و اسلامی باباحیدری (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی و تحلیل اصول عام اخلاقی فضای مجازی از منظر اخلاق اسلامی» به تحلیل جامع معضلات اخلاقی در عصر رسانه‌های نوین و شبکه‌های اجتماعی پرداخته‌اند. پژوهش حاضر به بررسی تأثیرات گسترده ظهور رسانه‌های نوین و فناوری‌های اینترنتی بر انتشار جهانی اطلاعات می‌پردازد و مسائل اخلاقی ناشی از ادغام محتوای کاربران در رسانه‌های خبری اصلی را شناسایی می‌کند. نقطه قوت اصلی این مقاله، ارائه چارچوب اخلاقی جامع برای فضای رسانه‌های دیجیتال و پیشنهاد راهکارهای عملی برای مقابله با مسائل اخلاقی در این حوزه است.



بنابراین، پژوهش حاضر با رویکردی انتقادی و جامع، به جنبه‌های متنوعی از مسائل اخلاقی از جمله حفظ حریم خصوصی، مالکیت معنوی و ترویج گفتار نفرت‌انگیز توجه کرده و با نگاهی آینده‌نگر، به دنبال ایجاد یک فضای رسانه‌ای اخلاقی‌تر است. ترکیب بحث‌های نظری با راهکارهای کاربردی، این مقاله را به منبعی ارزشمند برای شناخت مسائل و معضلات اخلاقی در عصر دیجیتال و مقابله با آن‌ها تبدیل کرده است.

۱. رسانه‌های نوین و مسائل اخلاقی

رسانه‌های نوین به مجموعه‌ای از فناوری‌ها و بسترهایی اشاره دارد که در دهه‌های اخیر با گسترش اینترنت و دیجیتالی‌شدن ارتباطات به وجود آمده‌اند. این رسانه‌ها شامل شبکه‌های اجتماعی، وبگاه‌های خبری، بلاگ‌ها، پادکست‌ها و دیگر ابزارهای دیجیتال هستند که به سرعت و گستردگی ارتباطات انسانی کمک کرده‌اند. رسانه‌های نوین به دلیل ویژگی‌های تعاملی و دسترسی آسان، قدرت زیادی در شکل‌دهی به افکار عمومی و جریان اطلاعات دارند؛ اما این قدرت، مسائل اخلاقی مهمی نیز به همراه دارد (شایگان و رحیمی، ۱۳۹۵، ص ۳۷).

۲. واکاوی مسائل اخلاقی در رسانه‌های نوین

مسائل اخلاقی در رسانه‌های نوین عبارت‌اند از:

۱. نقض حریم خصوصی: در رسانه‌های نوین، اطلاعات شخصی کاربران به راحتی جمع‌آوری و استفاده می‌شود. شبکه‌های اجتماعی و وبگاه‌های خبری اغلب از داده‌های کاربران برای تبلیغات هدفمند استفاده می‌کنند که این می‌تواند به نقض حریم خصوصی افراد منجر شود؛
۲. انتشار محتوای جعلی و نادرست: با گسترش دسترسی به ابزارهای تولید محتوا، انتشار اخبار نادرست و جعلی به معضل جدی تبدیل شده است. این اطلاعات می‌توانند باعث گمراهی مخاطبان و ایجاد بحران‌های اجتماعی و سیاسی شوند؛



۳. دستکاری اطلاعات: برخی از رسانه‌ها و کاربران، برای جذب مخاطب بیشتر، اقدام به دستکاری اطلاعات یا استفاده از عناوین گمراه‌کننده می‌کنند. این کار می‌تواند اعتماد عمومی به رسانه‌ها را کاهش دهد و آثار منفی بر آگاهی عمومی داشته باشد؛

۴. انتشار گفتار نفرت‌انگیز و تبعیض‌آمیز: فضای باز و بدون نظارت رسانه‌های نوین به افراد اجازه می‌دهد به راحتی نظر خود را بیان کنند. این امر می‌تواند به انتشار گفتار نفرت‌انگیز و تبعیض‌آمیز و تحریک مخاطبان به خشونت منجر شود که خود پیامدهای اجتماعی و روانی زیان‌باری دارد؛

۵. نقض حق کپی‌رایت: در دنیای رسانه‌های نوین، کاربران و رسانه‌ها به سرعت محتواهای تولیدشده را به اشتراک می‌گذارند. این امر گاهی به نقض حقوق معنوی و کپی‌رایت منجر می‌شود؛ زیرا محتوا بدون اجازه صاحب اصلی آن منتشر و استفاده می‌شود؛

۶. آلودگی اطلاعاتی: حجم وسیع اطلاعاتی که در رسانه‌های نوین تولید و منتشر می‌شود، ممکن است موجب نوعی آلودگی اطلاعاتی شود. این آلودگی می‌تواند تمرکز مخاطبان را کاهش دهد و تشخیص اطلاعات معتبر از نامعتبر را دشوار کند.

وجود چنین مسائلی نشان می‌دهد با وجود فرصت‌های بی‌نظیر رسانه‌های نوین، توجه به اصول اخلاقی در استفاده از این ابزارها ضروری است. برای حفظ سلامت ارتباطات و جلوگیری از پیامدهای منفی استفاده از این رسانه‌ها، نیاز به تدوین و اجرای چارچوب‌های اخلاقی مناسب احساس می‌شود.

رسانه‌های نوین، به منزله بخشی از تحولات حوزه فناوری و ارتباطات، در کنار فرصت‌های جدیدی را برای دسترسی به اطلاعات و تبادل نظر فراهم کرده‌اند، مسائل اخلاقی پیچیده‌ای را نیز به وجود آورده‌اند. یکی از این مسائل، تعارض میان افزایش سود شرکت‌های رسانه‌ای و حفظ اصول اخلاقی است. خبرنگاران در



شرایطی قرار گرفته‌اند که علاوه بر ارائه اطلاعات صحیح باید به تقویت سودآوری رسانه‌ها نیز توجه کنند. این فشارها می‌تواند موجب نادیده گرفتن یا کم‌اهمیت جلوه‌دادن اصول اخلاقی (مانند استقلال و عینیت) در گزارش‌دهی شود.

همچنین، رسانه‌های نوین، فضای جدیدی برای بیان دیدگاه‌ها فراهم کرده‌اند؛ اما این فضا گاهی باعث خودسانسوری کاربران شده است. ترس از انتشار اشتباه یا استفاده از زبان نامناسب موجب می‌شود افراد از بیان آزادانه نظرات خود اجتناب کنند. علاوه بر این، رسانه‌های اجتماعی با وجود اینکه می‌توانند در ارتقای عدالت اجتماعی سهم باشند، گاهی در انعکاس دقیق و کامل دیدگاه‌های جوامع حاشیه‌ای ناکام هستند و این مسئله می‌تواند موجب تقویت نابرابری‌ها و دسترسی نابرابر به اطلاعات شود. با وجود پیشرفت‌های فنی و تنوع شیوه‌های ارتباطی، هنوز پیشرفتی در درک و احترام به تنوع فرهنگی مشاهده نمی‌شود. این ضعف می‌تواند به تهدیدهایی برای زبان‌ها و فرهنگ‌های کوچک‌تر منجر شود؛ چراکه آن‌ها در معرض ناپدیدشدن قرار دارند.

بنابراین، با توجه به پیچیدگی‌ها و مسائل جدید اخلاقی که رسانه‌های نوین ایجاد کرده‌اند، تدوین چارچوب‌های اخلاقی قوی و به‌روز برای هدایت فعالیت‌های رسانه‌ای ضروری است. رسانه‌های نوین نه تنها باید به مسئولیت‌های خود در قبال جامعه واقف باشند، بلکه باید از اصول اخلاقی محکم برای مواجهه با این مسائل پیروی کنند (Varma, 2021, p. 507). رسانه‌های اجتماعی به‌ویژه در انعکاس دیدگاه‌های جوامع حاشیه‌ای (مانند فقرا و محرومان) ناقص عمل می‌کنند. امروز که حساب‌های جعلی، ربات‌های اینترنتی و محتوای اسپانسرشی بسیار رایج شده‌اند، نیاز به روش‌هایی پیشرفته‌تر و گزینشی‌تر برای روزنامه‌نگاری بیشتر احساس می‌شود. این روش‌ها باید فراتر از جمع‌آوری اطلاعات از رسانه‌های اجتماعی عمل کنند و از ساختاری هماهنگ و هم‌بسته برخوردار باشند. با ظهور فناوری‌های جدید که امکان انتشار اطلاعات به‌صورت غیرمتمرکز و فرامرزی را فراهم کرده‌اند، شیوه‌های



ارتباطی در رسانه‌ها تنوع بیشتری پیدا کرده‌اند؛ اما این تنوع هنوز به بهبود درک تفاوت‌های فرهنگی و زبانی منجر نشده است. نگرانی اصلی این است که اگر ارتباطات نتوانند فراگیر و شامل همه گروه‌ها، زبان‌ها و فرهنگ‌ها باشند، بسیاری از زبان‌ها و فرهنگ‌ها ممکن است به زودی از بین بروند. به طور خلاصه، این جملات به مسائل روزنامه‌نگاری و اطلاع‌رسانی در عصر رسانه‌های اجتماعی و فناوری‌های جدید می‌پردازد و بر اهمیت فراگیرتر شدن ارتباطات و توجه به تنوع فرهنگی تأکید می‌کند (Löwstedt, 2018, p. 371).

رسانه‌های اجتماعی، به منزله محیط جریان نامحدود اطلاعات عصر مدرن، می‌توانند بر افکار افراد تأثیر بگذارند. علاوه بر این، با رفع موانع ارتباطی، بستری ایجاد می‌کنند که به هر کس برای سخن گفتن، حق برابر می‌دهد. با این حال، در زمینه مفهوم صنعت فرهنگی، محیطی دستکاری شده پدید می‌آید (Tekke & Lale, 2021, p. 46). مسائل اخلاقی رسانه‌های اجتماعی را می‌توان از طریق اصول حریم خصوصی، صحت، دسترس‌پذیری و مالکیت معنوی حل کرد. با این حال، به دلیل جریان شدید اطلاعات، تمایز بین درست و غلط دشوار است و آلودگی اطلاعاتی ایجاد می‌شود.

بروز معضلات و مسائل اخلاقی در رسانه‌های اجتماعی ناشی از رفتارهای غیراخلاقی است؛ رفتارهای غیراخلاقی رایج در این رسانه‌ها عبارت‌اند از:

- کپی و توزیع غیرمجاز داده‌های شخصی؛
- دستکاری داده‌های شخصی؛
- افشای اسرار تجاری؛
- تهیه محتوای جعلی و گمراه کردن کاربران؛
- انتشار محتوای دستکاری شده برای دریافت تبلیغات و جلب اسپانسر؛
- نقض حقوق کپی‌رایت، ایجاد و انتشار محتوای مغایر با اخلاق عمومی، و ایجاد وبلاگ‌های جعلی برای آسیب‌رساندن به شرکت‌ها؛



- استفاده از محتوا بدون ذکر منبع؛
- ایجاد پروفایل‌های جعلی؛
- تهیه محتوای گمراه‌کننده با پرداخت هزینه؛
- ایجاد وبلاگ‌های اسپم.

رفتارهای غیراخلاقی در رسانه‌های اجتماعی تقریباً در هر سطحی، موجب خطراتی مانند سوءاستفاده، تغییر و انتشار غیرمجاز داده‌ها می‌شوند. براین اساس، رسانه‌های اجتماعی، نگرانی‌های بزرگی را از نظر امنیتی ایجاد می‌کنند (Manavcioglu, 2009, p. 64).

۳. از الگوی سنتی تا عصر دیجیتال؛ تحولات اخلاق رسانه‌ای

در انقلاب‌های سیاسی، یک نظام حکومتی جایگزین نظام دیگر می‌شود؛ در حالی که در انقلاب‌های علمی، یک ساختار مفهومی جای ساختار دیگر را می‌گیرد؛ برای مثال، فیزیک نیوتنی جای خود را به فیزیک نسبیت اینشتین داد. به‌طور مشابه، در انقلاب اخلاقی نیز یک نظام هنجاری جایگزین نظام هنجاری دیگر می‌شود (Ward, 2011, p. 339). بنابراین، انقلاب در اخلاق رسانه، تغییری اساسی در نظام اخلاقی رایج است. در دوره‌های عادی، روزنامه‌نگاران، الگویی از روش‌ها، فرضیات و نظریه‌ها را به اشتراک می‌گذارند و در دوره‌های انقلابی، به آن الگو حمله می‌شود و طرح‌های مفهومی جدیدی پدیدار می‌شوند. بحرانی رخ می‌دهد، آشفتگی حاکم می‌شود و الگوی جدیدی ساخته می‌شود؛ برای مثال، انقلاب رسانه‌های تجاری، در اواخر قرن هجدهم، به انقلابی در اخلاق رسانه منجر شد. روزنامه‌نگاران الگوی اخلاقی جدیدی را پذیرفتند که شامل صحت، توازن و ارائه صرف حقایق بود. این الگوی اخلاقی به‌عنوان الگوی بی‌طرف و عینی روزنامه‌نگاری پذیرفته شد. با این حال، امروزه ظهور رسانه‌های مبتنی بر اینترنت، انقلاب جدیدی را در اخلاق روزنامه‌نگاری پایه‌گذاری کرده است. الگوی



رسانه‌های نوین، نه تنها به روزنامه‌نگاران، بلکه به همه امکان می‌دهد محتوا تولید کنند و صحت اخبار را ارزیابی نمایند (باستانی و دیگران، ۱۳۹۷، ص ۲۱).

برخلاف رسانه‌های سنتی، روزنامه‌نگاری و اخلاق روزنامه‌نگاری در رسانه‌های نوین، به دلیل تغییر مداوم دانش فناوری و عادات رسانه‌ای روزنامه‌نگاران، مدام در حال تکامل است (Hüseynova, 2022, p. 395)؛ به همین دلیل، رسانه‌های نوین از نظر اخلاقی، حوزه‌ای بحث‌برانگیز هستند. به گفته گانکل، هنگامی که صحبت از فناوری می‌شود، نقطه کوری درباره اخلاق ارتباطات و رسانه وجود دارد؛ زیرا حتی اگر موضوع کاملاً مجازی به نظر برسد، همواره به یک بدن فیزیکی متصل است از سوی دیگر، امروزه علاوه بر روزنامه‌نگاران حرفه‌ای، سایر ذی‌نفعان مانند توییت‌کنندگان، وبلاگ‌نویسان، روزنامه‌نگاران شهروندی و کاربران رسانه‌های اجتماعی نیز روزنامه‌نگاری می‌کنند که این امر باعث تغییری بنیادین در اخلاق رسانه می‌شود. این تغییر باعث ایجاد تنش بین فرهنگ روزنامه‌نگاری سنتی و فرهنگ روزنامه‌نگاری برخط می‌شود؛ همچنین به ظهور مسئولیت‌های جهانی از نظر تأثیر جهانی روزنامه‌نگاری منجر می‌گردد. علاوه بر این، در رسانه‌های سنتی، اخبار از یک نقطه مرکزی کنترل می‌شوند، در حالی که در رسانه‌های نوین، فرایند مداوم آزمون و خطا وجود دارد و رقابت شدیدی در حوزه توزیع اخبار برخط جریان دارد (Hüseynova, 2022, p. 397).

رسانه‌های نوین، به‌ویژه در زمینه حریم خصوصی، با مشکلات اخلاقی جدی مواجه‌اند؛ زیرا اطلاعاتی که شخصی و خصوصی تلقی می‌شوند، تهدیدات گسترده‌ای را ایجاد می‌کنند. با وجود رسانه‌های نوین، خطر نقض حقوق حریم خصوصی و افشای مسائل زندگی شخصی افزایش یافته است. امروزه که بسیاری از دستگاه‌ها مانند تلفن‌های هوشمند، تبلت‌ها، لپ‌تاپ‌ها، دستگاه‌های پوشیدنی و حتی لوازم خانگی می‌توانند به اینترنت متصل شوند، رسانه‌های دیجیتال فراگیرتر هم شده‌اند.



با این حال، به دلیل قابلیت ردیابی دستگاه‌های دیجیتال، حریم خصوصی در معرض خطر قرار گرفته است (Ess, 2014, p. 39). این وضعیت، حساسیت و مسئولیت‌های بیشتری را بر دوش روزنامه‌نگاران می‌گذارد. از این نظر، توسعه اخلاق رسانه‌های دیجیتال، وظیفه دشواری است؛ زیرا رسانه‌های دیجیتال، در اصل، آنالوگ هستند و با تجربه انسانی مرتبط می‌باشند.

از نظر اخلاق رسانه‌های نوین، مهم‌ترین روند، روزنامه‌نگاری شهروندی و توسعه قدرت پنجم است. این وضعیت، ظرفیت ایجاد بحث اخلاقی جهانی مشارکتی و فراگیر را دارد و اخلاق رسانه را بازسازی می‌کند. استفاده از رسانه‌هایی که شهروندان در آن هم مصرف‌کننده و هم تولیدکننده رسانه هستند، کل حوزه رسانه را تغییر می‌دهد. رسانه‌های نوین کوچک و بزرگ، از تلفن‌های همراه گرفته تا وبلاگ‌های شخصی، فضای ارتباطی موجود جامعه را بیش از گذشته اشغال می‌کنند. با این تغییرات، هر بیننده‌ای به تولیدکننده تبدیل می‌شود و سطح و ماهیت تولید محتوا و همچنین اخلاق رسانه تغییر می‌کند. تمام این تغییرات به نحوه اجرای اصول اخلاق رسانه مربوط می‌شود (Ward, 2011, p. 167).

به گفته چاکیر^۱، در زمینه رسانه‌های نوین، روزنامه‌نگاران باید این را در نظر بگیرند که چند خواننده به رویدادی که می‌نویسند علاقه‌مند خواهند بود، درجه اهمیت آن چقدر است و چگونه بر امور شخصی خواننده، روابط او با جامعه و فعالیت‌های دولت تأثیر خواهد گذاشت؛ زیرا رسانه‌های نوین با رسانه‌های سنتی متفاوت هستند و برخلاف تلویزیون و روزنامه‌ها، به مخاطبان متنوع‌تری دسترسی دارند. در رسانه‌های نوین، تمام اخبار برای هر کسی که رایانه و امکان اتصال به اینترنت داشته باشد، در دسترس است.

در این زمینه، مسئولیت اخلاقی یک روزنامه‌نگار وب این است که یک فرد متوسط را (در هر جای جهان) مطلع سازد.

1. Çakır



رسانه‌های جدید، به‌ویژه برای جوانان، حوزه‌ای پر از فرصت‌ها و خطر‌هاست. از طریق فناوری‌های دیجیتال، جوانان در بسیاری از فعالیت‌ها مانند عضویت در شبکه‌های اجتماعی، وبلاگ‌نویسی، ایجاد ویدئوبلاگ، بازی کردن، پیام‌رسانی فوری، بارگیری و اشتراک‌گذاری موسیقی و دیگر محتواها، بارگذاری آواتارهای خود و همکاری با دیگران، به روش‌های مختلف مشارکت می‌کنند. در این زمینه، خطوط اخلاقی که هویت، حریم خصوصی، مالکیت، اعتبار و مشارکت را بازتعریف می‌کنند، ظهور می‌یابند. علاوه بر این، رسانه‌های جدید شامل رسانه‌های اجتماعی نیز می‌شوند. رسانه‌های اجتماعی می‌توانند برای اهداف مختلفی مانند برقراری ارتباط، تبادل اطلاعات، تعامل اجتماعی، یافتن دوستان جدید، ایجاد ارتباطات کاری، اشتراک‌گذاری محتوای سرگرم‌کننده، پیگیری اخبار و موارد مشابه استفاده شوند. با این حال، با گسترش رسانه‌های اجتماعی، اشتراک‌گذاری اطلاعات مربوط به زندگی خصوصی کاربران نیز افزایش یافته است. کاربران معمولاً با پست‌های خود، اطلاعات شخصی مانند محل زندگی، سرگرمی‌ها، ترجیحات، خانواده، محل کار و برنامه‌های سفرشان را آشکارا به اشتراک می‌گذارند. این وضعیت باعث می‌شود بسیاری از افراد با نقض مرزهای حریم خصوصی، به حریم خصوصی دیگران تجاوز کنند.

محفاظت از حریم خصوصی افراد، مدت‌هاست به‌عنوان یک حق، پذیرفته شده است. با این حال، در عصر اطلاعات، رعایت اخلاق حریم خصوصی از منظر رسانه‌های جدید، به موضوعی اولویت‌دار تبدیل شده است (Christians et al., 2006, p. 118).

اطلاعات در رسانه‌های جدید باید به‌صورت عینی ارائه شوند و از ارائه جانب‌دارانه یا پیش‌داورانه اجتناب شود. در این زمینه، اخلاق رسانه‌های جدید، سبکی از حرفه روزنامه‌نگاری را ارائه می‌دهد که به جستجوی حقیقت و واقعیت و دفاع از حقوق بشر (مستقل از هرگونه منافع اجتماعی، فرهنگی یا مذهبی) اختصاص یافته



است. با این حال، تأکید می‌شود در اخلاق رسانه‌ای جهانی، تفاوت‌های فرهنگی نیز باید در نظر گرفته شوند. متخصصان رسانه باید ارزش‌های فرهنگ‌های مختلف را درک کنند و به آن‌ها احترام بگذارند (Löwstedt, 2018, p. 373). تفاهم و گفتگوی بین فرهنگی، عناصر اساسی انسجام اجتماعی هستند و برای اخلاق رسانه‌ای جهانی نیز اهمیت دارند؛ در نتیجه، رعایت اخلاق رسانه‌ای جهانی، یک پیشنهاد فراملی است که علاوه بر ارزش‌های جهانی مانند رعایت حقوق بشر، بیان حقیقت و مخالفت با خشونت، تفاوت‌های فرهنگی را نیز در نظر می‌گیرد. در این زمینه، روزنامه‌نگاران جهانی باید به جای پناه‌بردن به بهانه‌های امپریالیسم فرهنگی، با ارائه اخبار به صورت عینی و بی‌طرفانه، مسئولیت‌های خود را در قبال بشریت انجام دهند.

سازمان‌های رسانه‌ای باید نظارت سخت‌گیرانه‌تری را برای حفظ حریم خصوصی کاربران و تأمین اخبار دقیق اعمال کنند. علاوه بر این، نظارت‌هایی برای جلوگیری از دستکاری سیاسی نیز ضروری است (Christians et al., 2006, p. 265). افزون بر نظارت‌ها، محققان رسانه‌های جدید، رویکردهای اخلاقی مانند اخلاق اکومینیک و اخلاق رسانه‌ای باز را مطرح کرده‌اند. این رویکردها بر توسعه عناصر اخلاقی مانند چندصدایی، خودانتقادی و فراگیری تمرکز دارند.

۴. اخلاق اکومینیک^۱

اخلاق اکومینیک که توسط کلیفورد کریستیانز^۲ مطرح شد، رویکردی جامع به اخلاق رسانه‌ای است که به دنبال ایجاد اصول اخلاقی مشترک و جهانی و فراتر از مرزهای فرهنگی و ملی در روزنامه‌نگاری است (Christians et al., 2006, p. 3). این رویکرد بر پایه ارزش‌های بنیادین انسانی مانند حقیقت، عدالت و آزادی استوار

1. Ecumenical Ethics
2. Clifford Christians



است و تلاش می‌کند اصول اخلاقی را به گونه‌ای که در تمام فرهنگ‌ها قابل اجرا باشند، تعریف کند.

براساس این تعریف، اخلاق اکومینیک در زمینه رسانه‌های نوین و شبکه‌های اجتماعی به این صورت قابل تفسیر و اجراست:

در عصر رسانه‌های نوین، اخلاق اکومینیک می‌تواند چارچوبی برای مقابله با مسائل اخلاقی جدید ارائه دهد. این مسائل شامل انتشار اطلاعات نادرست، نقض حریم خصوصی و دستکاری محتوا می‌شود. اصول اخلاق اکومینیک با تأکید بر ارزش‌های جهانی مانند حقیقت و عدالت می‌تواند راهنمایی برای روزنامه‌نگاران و تولیدکنندگان محتوا در فضای دیجیتال باشد. این رویکرد با تأکید بر ضرورت نگرش انتقادی و چندبعدی به عینیت، به روزنامه‌نگاران کمک می‌کند فراتر از محدودیت‌های تکنولوژیکی و اقتصادی عمل کنند و به تولید محتوای باکیفیت و مستقل بپردازند. همچنین، اخلاق اکومینیک می‌تواند به ایجاد توازن بین آزادی انتشار اطلاعات و مسئولیت‌پذیری روزنامه‌نگاری کمک کند. در نهایت، با توجه به ماهیت جهانی اینترنت و رسانه‌های اجتماعی، اصول اخلاق اکومینیک می‌تواند به عنوان یک زبان مشترک اخلاقی عمل کند؛ زبانی که فراتر از مرزهای فرهنگی و ملی قابل درک باشد.

اخلاق اکومینیک، رویکردی جامع و چندبعدی به اخلاق روزنامه‌نگاری است که تلاش می‌کند علی‌رغم تنوع شیوه‌ها و ارزش‌ها در روزنامه‌نگاری، اصول و اهداف کلی و مشترکی را تعریف و حفظ کند. این رویکرد بر این باور است که هرچند انواع روزنامه‌نگاری تفاوت‌هایی با هم دارند، همه آن‌ها باید با اهداف و اصول کلی مانند استقلال، بی‌طرفی، عینیت و ارائه اطلاعات باکیفیت سازگار باشند. هدف اصلی اخلاق اکومینیک، ایجاد یک فضای عمومی آزاد و دموکراتیک است که در آن انواع مختلف ارتباطات وجود داشته باشند و همگی به ارزش‌های اصلی



روزنامه‌نگاری پایبند باشند (Anderson & Anderson, 2007, p. 14). در چنین شرایطی، اصول اخلاق اکومینیک به عنوان راهنما عمل می‌کند تا اطمینان حاصل شود این رسانه‌ها، با وجود تنوع در شیوه‌ها و بسترها، همچنان به اصولی مانند حقیقت، عینیت، و بی‌طرفی پایبند هستند.

اخلاق اکومینیک، با تأکید بر ضرورت نگرش انتقادی و چندبعدی به عینیت، می‌تواند به روزنامه‌نگاران و تولیدکنندگان محتوا در رسانه‌های نوین کمک کند تا فراتر از محدودیت‌های تکنولوژیکی و اقتصادی عمل کنند و به تولید محتوای با کیفیت و مستقل بپردازند. این اصول، در مواجهه با فشارهایی که بر خبرنگاران برای افزایش سود شرکت‌های رسانه‌ای وارد می‌شود، به حفظ استقلال و عینیت در گزارش‌دهی کمک می‌کند.

در نهایت، اخلاق اکومینیک تلاش می‌کند بین آزادی انتشار اطلاعات و مسئولیت‌پذیری روزنامه‌نگاری، توازن ایجاد کند. این رویکرد می‌تواند به مقابله با مشکلات اخلاقی رسانه‌های نوین کمک کند و به ما اطمینان بدهد که در فضای رسانه‌ای مدرن، اصول روزنامه‌نگاری خوب شامل صداقت، استقلال و تعهد به ارائه اطلاعات با کیفیت، حفظ و تقویت می‌شود (بیات، ۱۳۹۳، ص ۱۲).

قوانین اخلاقی روزنامه‌نگاری برخط بر ارزش‌های مبتنی بر حقیقت تأکید می‌کنند؛ برای مثال، تأکید بر شفافیت برخط، تلاش برای شفافیت درباره چگونگی ساخت داستان‌ها و بیان صریح پیش‌داوری‌ها را می‌توان تلاشی برای توضیح دقیق‌تر انگیزه ارائه آن‌ها به عموم مردم در نظر گرفت.

۵. اخلاق رسانه‌ای باز^۱

عبارت «اخلاق رسانه‌ای باز» به رویکردی کاملاً فراگیر اشاره دارد؛ رویکردی که متخصصان رسانه، مخاطبان را هم در آن لحاظ می‌کنند

1. Media Ethics Open



(Löwstedt, 2018, p. 379). این رویکرد، برخلاف قوانین خاص توسعه یافته در زمینه اخلاق رسانه‌ای، رویکردی همه‌شمول ارائه می‌دهد. این مفهوم به منزله واکنشی در برابر منفعل دانستن و کم‌اهمیت شمردن مخاطبان، توسعه یافته است. اخلاق رسانه‌ای باز بر این اساس طراحی شده است که متخصصان رسانه باید به جای تضعیف مخاطبان، آن‌ها را به‌طور فعال درگیر کنند. انتظار می‌رود مشارکت بیشتر متخصصان رسانه با مخاطبان و شنیدن صدای آن‌ها، به ارائه متعادل‌تر و منصفانه‌تر اخبار و افزایش تأثیر اجتماعی کمک کند (Löwstedt, 2018, p. 380).

۶. اخلاق رسانه‌های جدید و هوش مصنوعی

اتوماسیون در روزنامه‌نگاری، از نظر تاریخی، با فناوری‌های مورد استفاده در تولید انبوه مرتبط است. با این حال، در دهه گذشته، دانشمندان و متخصصان بر اهمیت فزاینده الگوریتم‌ها و فناوری‌های هوش مصنوعی در روزنامه‌نگاری تأکید کرده‌اند. این فناوری‌ها، مانند یادگیری ماشینی، با خلاصه کردن حجم داده‌ها و شناسایی روندها در آن‌ها، از فرایند گزارش‌دهی روزنامه‌نگاران پشتیبانی می‌کنند. علاوه بر این، برنامه‌های نظارت بر رسانه‌های اجتماعی، با شناسایی موضوعات پرتیراف در شبکه‌های اجتماعی، به روزنامه‌نگاران در تشخیص اخبار بالقوه کمک می‌کنند. گفته می‌شود تعیین مقیاس و دامنه کامل این موج اتوماسیون دشوار است؛ زیرا فناوری‌ها متنوع و هنوز در حال توسعه هستند.

همان‌طور که قبلاً به بحث درباره رعایت اخلاق در قبال موجودات غیرانسان مانند حیوانات پرداخته‌ایم، اخلاق ماشینی نیز باید مورد بحث قرار گیرد؛ به‌طور مثال، آلن (Allen, 2009, p. 38) اشاره می‌کند ممکن است یک سیستم رایانه‌ای که بدون نظارت انسان تصمیم‌گیری می‌کند، فاجعه‌ای را رقم بزند. این ارزیابی احتمالی، دلیلی برای لزوم توسعه ماشین‌های اخلاقی (که سیستم‌های فناوری پیشرفته‌ای دارند و قادر به اتخاذ تصمیمات اخلاقی هستند) محسوب می‌شود



(Anderson & Anderson, 2007). در نظر گرفتن مسئولیت‌ها و قابلیت‌های اخلاقی سیستم‌های به‌طور فزاینده خودمختار، یک نیاز فوری است، بلکه حتی رایانه‌ها ممکن است در پیگیری یک نظریه اخلاقی، بهتر از انسان‌ها عمل کنند؛ زیرا رایانه‌ها امروزه با شیوه‌های ارتباطی خود به‌قدری به انسان‌ها نزدیک شده‌اند که می‌توانند پاسخ‌های اجتماعی ایجاد کنند.

۷. اخلاق رسانه‌های جدید در بافت اقتصاد بازار و سیاست

رسانه‌های جدید در بافت اقتصاد سرمایه‌داری، بدان دلیل که هدف اصلی آن‌ها سود است، به‌صورت تجاری نیز ساختار بندی شده‌اند (Christians et al., 2006, p. 183). در این زمینه، مخاطبان به کالاهای تجاری تبدیل می‌شوند که اساساً محصولاتی هستند که تولید و به تبلیغ کنندگان فروخته می‌شوند. تبلیغ کنندگان به دنبال افرادی هستند که احتمال اینکه محصولات را بخرند زیاد است، منابع لازم را دارند و تمایل و فرصت خرج کردن این منابع را دارند؛ به همین دلیل، در رسانه‌های جدید همه مخاطبان برابر نیستند و برخی از آن‌ها مطلوب‌تر از دیگران هستند. تبلیغ کنندگان، درست مانند مصرف کنندگانی که محصولات را انتخاب می‌کنند و می‌خرند، در بازار رسانه، مخاطبان را انتخاب می‌کنند؛ در نتیجه، محتوای رسانه‌ای برای جذب مخاطبانی که تبلیغ کنندگان می‌خواهند به آن‌ها دسترسی داشته باشند، شکل می‌گیرد.

رسانه، نه تنها یک وسیله ارتباطی، بلکه ابزاری برای تولید نمایش‌های ایدئولوژیک است (Meyers, 2019, p. 142). اسمیت بیان می‌کند که اخبار وابسته به احزاب سیاسی جایگزین روزنامه‌نگاری عینی شده و روزنامه‌نگاری ذهنی اجتناب‌ناپذیر است. از سوی دیگر، بدان دلیل که تقریباً تمام ارائه‌دهندگان خبر، خود را به‌صورت عینی معرفی می‌کنند، مصرف کنندگان به آن‌ها اعتماد کرده، به اشتباه گمان می‌کنند اخبار بی‌طرفانه‌ای از منابع منتخب خود دریافت



می‌کنند. رابطه اخلاق رسانه‌ای و ایدئولوژی شامل چگونگی انتقال نمایش‌های ایدئولوژیک در رسانه است. سازمان‌های رسانه‌ای با استفاده از نمایش‌های ایدئولوژیک در ارائه اخبار، تفسیرها و بحث‌ها، دیدگاه خاصی را اتخاذ می‌کنند (Smith, 2019, p. 134). این نمایش‌ها از راه‌های مختلفی مانند کلمات و تصاویر مورد استفاده در زبان خبری برای موضوعات منتخب رسانه، انتخاب مهمانان و تفاوت‌های روایتی موجود در تفسیرها منتقل می‌شوند. از نظر اخلاق رسانه‌ای، سازمان‌های رسانه‌ای باید از استانداردهای اخلاقی پیروی کنند و به اصل بی‌طرفی پایبند باشند. مسئولیت اخلاقی رسانه با اصولی مانند انتقال اطلاعات دقیق و قابل اعتماد، جلوگیری از تضاد منافع، حفاظت از منافع اجتماعی و احترام به حقوق بشر تعیین می‌شود. در این زمینه، سازمان‌های رسانه‌ای نباید با استفاده از نمایش‌های ایدئولوژیک از این اصول اخلاقی منحرف شوند.

دولت‌ها در زمان جنگ برای دستیابی به پیروزی، به جای آشکار کردن حقیقت، به روزنامه‌نگاران جنگی فشار می‌آورند. این فشارها به نقض اخلاق حرفه‌ای منجر می‌شود. در یک جامعه دموکراتیک، محدود کردن دسترسی مردم به اخبار و اولویت دادن دیدگاه‌های نظامی به دیدگاه‌های دیگر، آزادی اطلاعات را به خطر می‌اندازد. در این زمینه، روزنامه‌نگاران جنگی با مسائلی مانند خودسانسوری، منافع ملی و فشار برای تولید سریع خبر مواجه هستند که ممکن است مانع انتقال واقعیت‌های جنگ شوند؛ در نتیجه، خبرنگاران جنگی که هنگام کار با واحدهای نظامی با دوراهی واقعیت و جانب‌داری مواجه می‌شوند نیز تحت تأثیر سیاسی شدن رسانه‌های جدید قرار می‌گیرند. با این حال، روزنامه‌نگاران جنگی که وظیفه آن‌ها انتقال اطلاعات صحیح به مردم است، باید در این فرایند براساس استانداردهای بی‌طرفی، صحت، واقعیت و تعادل خدمت کنند، از مواردی که نظم عمومی را مختل می‌کند یا گروه‌های اقلیت را تحریک می‌کند، اجتناب کنند و با ارائه دیدگاه‌های مختلف، تفاوت‌های جوامع را منتقل کنند.



توسعه سریع حوزه رسانه و استفاده گسترده از رسانه‌های اجتماعی، سرعت انتشار اخبار را افزایش داده و تأثیرات اجتماعی آن را عمیق‌تر کرده است. با این حال، این وضعیت به بروز مشکلات اخلاقی و پیامدهای جدی منجر شده است. این مشکلات اخلاقی شامل موضوعات مهمی مانند تعارض بین منافع تجاری و استقلال روزنامه‌نگاران، نمایندگی ناقص دیدگاه‌های جوامع حاشیه‌ای، نقض حق نشر و گسترش محتوای جعلی است (رحیمی و دیگران، ۱۳۹۸، ص ۱۵۹).

رسانه‌های جدید، تأثیری عمیق و چندوجهی بر فضای سیاسی معاصر گذاشته‌اند. این رسانه‌ها با عمومی کردن دسترسی به اطلاعات، شیوه‌های پویای انتخاباتی را متحول کرده و امکان ارتباط مستقیم میان سیاست‌مداران و شهروندان را فراهم آورده‌اند. البته مشکلاتی مانند شکل‌گیری حباب‌های فیلتر و گسترش اخبار جعلی را نیز به همراه داشته‌اند. رسانه‌های اجتماعی به ابزاری قدرتمند برای فعال‌سازی سیاسی و سازمان‌دهی جنبش‌های مردمی تبدیل شده‌اند، در حالی که دیپلماسی دیجیتال، روابط بین‌المللی را دگرگون کرده است. این تحولات، مسائل نظارتی جدیدی را در زمینه‌هایی چون حریم خصوصی و امنیت سایبری مطرح کرده است. در مجموع، رسانه‌های نوین، ضمن گشودن افق‌های تازه برای مشارکت سیاسی، ضرورت درک عمیق‌تر پویایی‌های این فضای جدید را برای حفظ سلامت گفتمان دموکراتیک برجسته ساخته‌اند.

۸. رسانه‌های اجتماعی؛ فرصت یا تهدید برای اخلاق؟

در عصر اطلاعات و ارتباطات، رسانه‌های اجتماعی به بخش جدایی‌ناپذیر زندگی روزمره تبدیل شده‌اند. این بسترها با وجود تمام مزایای خود، مسائل اخلاقی پیچیده‌ای را نیز ایجاد کرده‌اند؛ از این رو، بررسی ابعاد مختلف اخلاقی در فضای مجازی و یافتن راهکارهایی برای مقابله با تهدیدات آن، امری ضروری به نظر می‌رسد. در ادامه به شماری از این مسائل اشاره می‌شود:



- تعارض منافع تجاری و استقلال حرفه‌ای: یکی از مسائل اصلی، تضاد بین منافع تجاری سازمان‌های رسانه‌ای و استقلال حرفه‌ای روزنامه‌نگاران است. این امر می‌تواند به تحریف محتوا یا پوشش ندادن برخی اخبار مهم منجر شود؛
- کم‌توجهی به گروه‌های حاشیه‌ای: شبکه‌های اجتماعی با وجود داشتن ظرفیت برای افزایش تنوع صداها، هنوز در ارائه دیدگاه‌های جوامع حاشیه‌ای و اقلیت‌ها با مشکل مواجه‌اند؛
- نقض حقوق مالکیت معنوی: گسترش محتوای دیجیتال، مسائل جدیدی در زمینه صیانت از حقوق مؤلف ایجاد کرده است؛
- انتشار اطلاعات نادرست و محتوای جعلی: سرعت انتشار اطلاعات در رسانه‌های اجتماعی، زمینه را برای گسترش اخبار جعلی و اطلاعات نادرست فراهم کرده است؛
- آزار و اذیت برخط و ترویج گفتار نفرت‌انگیز: امکان حضور ناشناس در فضای اینترنت به افزایش رفتارهای خصمانه و نفرت‌پراکنی منجر شده است؛
- دستکاری دیجیتال و تولید محتوای گمراه‌کننده بصری: پیشرفت‌های فناوریانه، امکان ایجاد و انتشار تصاویر و ویدئوهای دستکاری‌شده را افزایش داده است؛
- استفاده غیراخلاقی از نمایش‌های ایدئولوژیک: رسانه‌ها ممکن است از نمایش‌های ایدئولوژیک برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی استفاده کنند که این امر، اصل بی‌طرفی را زیر سؤال می‌برد؛
- فشار بر روزنامه‌نگاران جنگی: در شرایط جنگی، روزنامه‌نگاران ممکن است برای ارائه روایت‌های خاص، تحت فشار قرار گیرند که این امر، اصل حقیقت‌جویی را به خطر می‌اندازد (باستانی و دیگران، ۱۳۹۷، ص ۱۰۷).



۹. چارچوب اخلاقی و راهکارهای کاربردی برای رفع معضلات اخلاقی در عصر رسانه‌های نوین و شبکه‌های اجتماعی

رسانه‌های نوین و شبکه‌های اجتماعی با وجود مزایای فراوان، معضلات اخلاقی پیچیده‌ای به همراه دارند. برای مقابله با این معضلات، نیازمند چارچوب اخلاقی جامع و راهکارهای عملی هستیم. در این بخش، به برخی از مهم‌ترین معضلات و راهکارهای پیشنهادی می‌پردازیم.

۹.۱. چارچوب اخلاقی پیشنهادی

- یک چارچوب اخلاقی جامع برای رسانه‌های نوین باید بر اصول زیر استوار باشد:
 - حقیقت‌گویی و بی‌طرفی: رسانه‌ها باید به‌عنوان نگهبانان حقیقت به وظیفه خود عمل کنند و از ارائه اطلاعات نادرست و گمراه‌کننده خودداری کنند؛
 - عدالت: رسانه‌ها باید به همه گروه‌های اجتماعی و اقلیت‌ها فرصت برابر برای بیان دیدگاه‌های خود بدهند و از تبعیض و تعصب پرهیز کنند؛
 - حریم خصوصی: رسانه‌ها باید به حریم خصوصی افراد احترام بگذارند و از افشای اطلاعات شخصی بدون رضایت افراد خودداری کنند؛
 - مسئولیت‌پذیری اجتماعی: رسانه‌ها باید به مسئولیت اجتماعی خود آگاه باشند و از تأثیرگذاری بر افکار عمومی به‌صورت آگاهانه و مسئولانه استفاده کنند؛
 - شفافیت: رسانه‌ها باید درباره منابع مالی خود، مالکان و وابستگی‌های سیاسی خود شفاف باشند (خاموشی، ۱۳۹۰، ص ۱۸۰).

۹.۲. راهکارهای کاربردی

برای اجرایی کردن این چارچوب اخلاقی، راهکارهای زیر را پیشنهاد می‌شود:



۱. تقویت سواد رسانه‌ای: افزایش آگاهی مردم درباره نحوه ارزیابی اطلاعات و تشخیص اخبار جعلی، یکی از مهم‌ترین راهکارها برای مقابله با انتشار اطلاعات نادرست است؛
 ۲. تنظیم مقررات: وضع قوانین و مقررات مناسب برای نظارت بر فعالیت‌های رسانه‌های اجتماعی و مجازات متخلفان به بهبود وضعیت اخلاقی در این فضا کمک می‌کند؛
 ۳. توسعه کدهای اخلاقی حرفه‌ای: تدوین کدهای اخلاقی دقیق و جامع برای روزنامه‌نگاران و دیگر فعالان رسانه‌ای، به عنوان یک راهنمای عملی برای رعایت اصول اخلاقی، کارآمد است؛
 ۴. توجه به تنوع صداها: ایجاد فضاهایی برای مشارکت فعال شهروندان در تولید محتوا و ایجاد رسانه‌های مستقل به افزایش تنوع صداها و کاهش تمرکز قدرت در دست چند رسانه بزرگ کمک می‌کند؛
 ۵. حمایت از روزنامه‌نگاری تحقیقی: سرمایه‌گذاری در روزنامه‌نگاری تحقیقی و حمایت از روزنامه‌نگارانی که به دنبال افشای حقیقت هستند، موجب بهبود کیفیت اخبار و اطلاعات می‌شود؛
 ۶. توسعه ابزارهای تشخیص اطلاعات نادرست: استفاده از فناوری‌های هوش مصنوعی برای تشخیص اطلاعات نادرست و اخبار جعلی به مقابله با انتشار این نوع محتوا کمک می‌کند؛
 ۷. آموزش اخلاق رسانه‌ای در مدارس و دانشگاه‌ها: آموزش اصول اخلاقی رسانه به نسل جوان به ایجاد یک جامعه رسانه‌ای آگاه و مسئول کمک می‌کند.
- معضلات اخلاقی در عصر رسانه‌های نوین و شبکه‌های اجتماعی، مسائل پیچیده‌ای هستند که حل آن‌ها مستلزم همکاری همه‌جانبه رسانه‌ها، دولت‌ها، جامعه مدنی و شهروندان است. با اتخاذ چارچوب اخلاقی جامع و اجرای راهکارهای عملی می‌توان به ایجاد یک فضای رسانه‌ای سالم‌تر و عادلانه‌تر کمک کرد (امیری، ۱۳۹۹، ص ۱۴۲).

نتیجه گیری

عصر رسانه های نوین و شبکه های اجتماعی، چشم انداز خبررسانی را به طور بنیادین دگرگون کرده است. این تحول، در عین ارائه فرصت های بی سابقه برای دسترسی و انتشار اطلاعات، مسائل اخلاقی پیچیده ای را نیز به همراه آورده است. سرعت سرسام آور انتشار اخبار، عمومی شدن تولید محتوا و ظهور پدیده هایی چون انتشار اخبار جعلی و حباب های فیلتر، ضرورت بازنگری در اصول اخلاقی خبررسانی را برجسته ساخته است. روزنامه نگاران و سازمان های خبری، اکنون با معضل برقراری تعادل میان سرعت انتشار خبر و دقت آن مواجه اند، در حالی که بسترهای اجتماعی با مشکل مدیریت حجم عظیم محتواهای تولید شده کاربران روبه رو هستند. در این میان، مسائلی چون حفظ حریم خصوصی، مقابله با انتشار اطلاعات نادرست و جلوگیری از قطبی شدن جامعه، اهمیت حیاتی یافته اند. برای مواجهه با این مسائل، اتخاذ رویکردی چندجانبه و مشارکتی ضروری است. این رویکرد باید شامل ارتقای سواد رسانه ای مخاطبان، تدوین و اجرای استانداردهای اخلاقی جدید و متناسب با فضای دیجیتال، استفاده مسئولانه از فناوری های نوین (مانند هوش مصنوعی برای مدیریت محتوا) و تقویت روزنامه نگاری حرفه ای و مستقل باشد. همچنین، همکاری نزدیک میان رسانه ها، بسترهای اجتماعی، قانون گذاران و جامعه مدنی، برای یافتن راه حل های مشترک و تدوین قوانین هوشمندانه ای که ضمن حمایت از آزادی بیان با سوءاستفاده از فضای دیجیتال مقابله کند، ضروری است. باید توجه داشت که اخلاق خبررسانی در عصر دیجیتال، مفهومی پویا و در حال تکامل است و نیازمند بازنگری و به روزرسانی مداوم و متناسب با پیشرفت های فناوری و تغییرات اجتماعی است. با تعهد به این اصول و همکاری تمامی ذی نفعان می توان امیدوار بود که رسانه های نوین و شبکه های اجتماعی به ابزاری قدرتمند برای ارتقای آگاهی عمومی، تقویت گفتمان دموکراتیک و حفظ ارزش های انسانی تبدیل شوند. طی این مسیر، اگرچه دشوار است، برای حفظ سلامت فضای اطلاع رسانی و تضمین جریان آزاد و مسئولانه اطلاعات در جامعه دیجیتال امروز، ضرورتی انکارناپذیر است.





کتاب‌نامه

- امیری، پیام (۱۳۹۹)، «اخلاق حرفه‌ای در رسانه‌های خبری تراز انقلاب اسلامی»، *مطالعات اخلاق کاربردی (اخلاق)*، س ۱۰، ش ۳۹ (پیاپی ۶۱)، ص ۱۱۷-۱۴۴.
- باستانی، سوسن، هادی خانیکی، سعید ارکان‌زاده یزدی و فروزنده جعفرزاده‌پور (۱۳۹۷)، «رسانه‌های نوین در برابر رسانه‌های جریان اصلی: عامل یا تشدیدکننده ضعف؟ بررسی اثرات فناوری‌های نوین بر مصرف رسانه‌های جریان اصلی»، *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، دوره ۱۴، ش ۵۱، ص ۱۳-۳۸.
- بیات، روح‌الله (۱۳۹۳)، «رویکردهای مبتنی بر اخلاق و حقوق اجتماعی در نظام‌های اقتصادی سرمایه‌داری و اسلام»، *فصلنامه اقتصاد و بانکداری اسلامی*، دوره ۴، ش ۱۰، ص ۸۵-۱۱۰.
- جامی‌پور، مونا، علی‌نقی امیری و سحر کمره‌ای (۱۴۰۱)، «واکاوی چالش‌های اخلاقی به کارگیری رسانه‌های اجتماعی در ایران: رویکردی اکتشافی»، *تحقیقات فرهنگی ایران*، دوره ۱۵، ش ۲، ص ۷۳-۱۰۲.
- خاموشی، سیدمهدی (۱۳۹۰)، «تأثیر رسانه بر تغییر الگوهای رفتاری و اخلاق رسانه‌ای»، *پژوهش‌نامه قرآن و حدیث*، ش ۸، ص ۱۶۹-۱۸۱.
- رحیمی، محمد، لیلا فتحی، فاطمه افراسیابی و رعنا اسکندری اندیلی (۱۳۹۸)، «بررسی رابطه شبکه‌های اجتماعی مجازی و گرایش به ناهنجاری‌های اخلاقی»، *انتظام اجتماعی*، دوره ۱۱، ش ۲، ص ۱۳۵-۱۶۰.
- شایگان، فریبا و محمد رحیمی (۱۳۹۵)، «بررسی جامعه‌شناختی رابطه مصرف شبکه‌های اجتماعی مجازی و گرایش به انحرافات اخلاقی (مورد مطالعه: جوانان ۱۵ تا ۲۹ سال شهر تهران)»، *مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*، دوره ۱۵، ش ۳۴، ص ۱۶۹-۱۹۳.



نقدی‌پور، سبحان و فرزانه اسلامی باباحیدری (۱۴۰۱)، «بررسی و تحلیل اصول عام اخلاقی فضای مجازی از منظر اخلاق اسلامی»، *مطالعات اخلاق کاربردی (اخلاق)*، دوره ۱۲، ش ۱، ص ۱۶۳-۱۹۶.

Allen, C. (2009). *Moral machines: Teaching robots right from wrong*. Oxford University Press.

Anderson, M. & Anderson, S. L. (2007). "The status of machine ethics". *The AAAI Symposium*, 17: 1-10.

Christians, C. G., Fackler, M., Richardson, K. B. & Kreshel, P. (2006). *Media ethics: Cases and moral reasoning*. London: Routledge.

Ess, C. (2014). *Digital media ethics*. London: Polity Press.

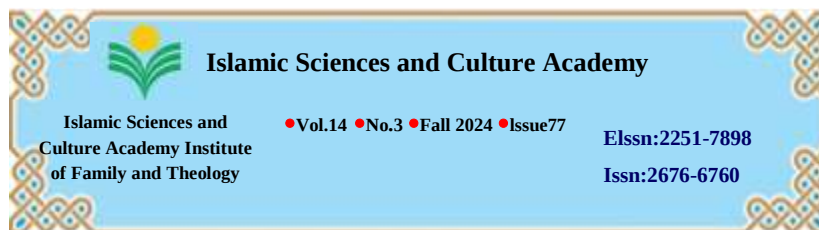
Hüseynova, K. (2022). "Yeni medya ekseninde gazetecilikte ve sosyal medyada etik". *Uluslararası Akademik Birikim Dergisi*, 5(5): 392-406.

Löwstedt, A. (2018). "Communication ethics and globalization". In J. Schulz & P. Cobley (Eds.), *Handbooks of Communication Science* (pp. 367-390). Walter de Gruyter Inc.

Meyers, C. (2019). "Partisan news, the myth of objectivity, and the standards of responsible journalism". In C. Carl & J. Saunders (Eds.), *Media Ethics, Free Speech, and the Requirements of Democracy* (pp. 219-239). London: Routledge.

Paulino, F. O. & Gomes, G. (2021). "The influence of digital media on accountability and social responsibility". In J. A. Ward (Ed.),

- Handbook of Global Media Ethics* (pp. 429-444). New York: Springer.
- Smith, D. L. (2019). "How media makes, ignites, and breaks ideology". In C. Carl & J. Saunders (Eds.), *Media Ethics, Free Speech, and the Requirements of Democracy* (pp. 219-239). London: Routledge.
- Tekke, A. & Aybala, I. (2021). "Sosyal medyada etik, bilgi manipölasyonu ve siber güvenlik". *Akademik İncelemeler Dergisi*, 16(2): 44-62.
- Varma, A. (2021). "Solidarity in (social media) journalism: A framework for assessing journalistic commitments". In J. A. Ward (Ed.), *Handbook of Global Media Ethics* (pp. 499-412). New York: Springer.
- Ward, S. J. A. (2011). *Ethics and the media an introduction*. Cambridge University Press.



An Ethical Approach to the Juridical Ruling on Doubt in Beliefs*

Ali Mohammadian,¹  Batoul Salahshour,²  Masoumeh Tajaddini³ 

1- Associate Professor In Department of Jurisprudence and Islamic Law,
Bozorgmehr University of Qaenat, Qaen, Iran (Corresponding Author).
mohammadian@buqaen.ac.ir

2- Ph.D Graduate of jurisprudence and law, Ferdowsi University of Mashhad,
Mashhad, Iran.
batoul.salahshour@um.ac.ir.

3- Instructor of the Department of Theology, Jurisprudence and Islamic Law, Payam
Noor University, Tehran, Iran.
m.tajaddini@pnu.ac.ir.



Abstract

Doubting various subjects and issues is not inherently or intrinsically considered blameworthy and may occur to any individual. Nevertheless, some juridical opinions, while deeming doubt as reproachable, prescribe the punishment of death for a person who doubts prophethood. This research, given that the imposition of punishment is an exception to the norm and requires a valid reason capable of specifying the general rule of human sanctity (maḥqūn ad-dam), critically examines such a

*Cite this article: Mohammadian, Ali; Salahshour, Batoul; Tajaddini, Masoumeh. (2024). An Ethical Approach to the Juridical Ruling on Doubt in Beliefs, Journal in Applied Ethics Studies, 3(77), 107-132

<https://doi.org/10.22081/jf.2024.69528.1936>

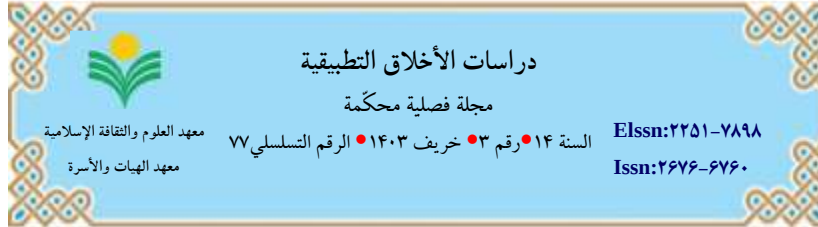
■ **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Isfahan, Iran). ***Type of article:** Research Article

■ **Received:** 2024/07/15 • **Revised:** 2024/09/17 • **Accepted:** 2024/**/** • **Published online:** 2025/05/28

view through a descriptive-analytical approach with a focus on ethical considerations. The authors argue that, since ethics precedes religion and serves as a scale for evaluating juridical rulings, such an interpretation of the evidence does not align with ethical intuitions. Consequently, this perspective cannot be attributed to religion. Furthermore, the chosen viewpoint fully aligns with the principles of the Imamiyya (Adliyya), who uphold the intrinsic, rational, and independent nature of good and evil.

Keywords

Applied ethics, doubt, skepticism in beliefs, capital punishment.



مقاربة أخلاقية للحكم الفقهي للشك في العقائد*

علي محمدیان^۱، بتول سلحشور^۲، معصومه تاج الدينی^۳

۱- أستاذ مشارك في قسم الفقه والقانون الإسلامي في جامعة بزرگمهر في قائنات - قائن، إيران (الكتابة المسؤولة).

mohammadian@buqaen.ac.ir

۲- دكتوراه في الفقه والقانون الإسلامي من جامعة فردوسي مشهد - مشهد، إيران.

batoul.salahshour@um.ac.ir

۳- أستاذ معيد في قسم الإلهيات والفقه والقانون الإسلامي في جامعة بيام نور - طهران، إيران.

m.tajaddini@pnu.ac.ir



الملخص

إن الشك في مختلف المواضيع والقضايا ليس أمراً مذموماً في نفسه، وقد يحدث لأي إنسان، لكنه وفي الوقت نفسه، اعتبرت بعض الآراء الفقهية، وهي تدم الشك، الحرمان من الحياة عقوبةً للمشكك في النبوة. وبما أن فرض العقوبة أمر مخالف للأصل، والسماح به لا بد من سبب وجيه تكون له صلاحية تخصيص عمومات وإطلاقات كون الإنسان "محقون الدم"، فقد وُضع في هذا البحث - القائم على حل المسألة - رأي كهذا في بوتقة النقد والتحليل الأخلاقي، بمنهج وصفي - تحليلي. ويرى المؤلفون أنه

* **استشهد بهذه المقالة:** محمدیان، علي؛ سلحشور، بتول، تاج الدينی، معصومه (۱۴۰۳). مقاربة أخلاقية للحكم الفقهي للشك في العقائد. دراسات الأخلاق التطبيقية، ۳ (۷۷)، صص ۱۰۷ - ۱۳۲.

<https://doi.org/1022081/jf.2024.69528.1936>

□ نوع المقال: بحث؛ الناشر: مركز الدعوة الإسلامية في حوزة قم (معهد العلوم والثقافة الإسلامية، أصفهان، إيران) © المؤلفون

□ تاريخ الاستلام: ۲۰۲۴/۰۷/۱۵ • تاريخ التعديل: ۲۰۲۴/۰۹/۱۷ • تاريخ القبول: **/ **/ ۱۴۰۳ • تاريخ الإصدار: ۲۰۲۵/۰۵/۲۸



بما أن الأخلاق تسبق الدين، وتعتبر مقياساً لقياس الفقه، فإن مثل هذا الفهم للأدلة لا يتوافق مع الحدس الأخلاقي (Ethical intuitionism)، ونتيجة لذلك، لا يمكن أن تعزى وجهة النظر هذه إلى الدين. يضاف إلى ذلك أن الرأي الذي اخترناه يتفق وطلائمه تماماً مع مبادئ الإمامية (العدلي) العقائدية التي تؤمن بذاتية الخير والشر وعقليتهما واستقلاليتهما.

الكلمات المفتاحية

الأخلاق العملية، الشك، الشك في المعتقدات، الحرمان من الحياة.



رهیافتی اخلاقی به حکم فقهی تردید در اعتقادات*

علی محمدیان^۱، بتول سلحشور^۲، معصومه تاج‌الدینی^۳

۱- دانشیار گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه بزرگمهر قائنات، قاین، ایران (نویسنده مسئول).

mohammadian@buqaen.ac.ir

۲- دانش آموخته دکتری فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

batoul.salahshour@um.ac.ir

۳- مربی گروه الهیات، فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران.

m.tajaddini@pnu.ac.ir



چکیده

شک کردن در موضوعات و مسائل گوناگون، به‌خودی‌خود و در نفس الامر، امر مذمومی شمرده نشده و ممکن است برای هر انسانی رخ دهد؛ در عین حال، برخی از آرای فقهی، ضمن مذموم شمردن شک، مجازات فرد شاک در نبوت را سلب حیات قلمداد کرده‌اند. با عنایت به اینکه تجویز کیفر، امری خلاف اصل بوده و برای رواداشت آن به دلیل معتبری احتیاج است که صلاحیت تخصیص عمومات و اطلاعات «محقون‌الدم» آدمیان را داشته باشد، در این پژوهش مسئله‌محور که با

رهیافتی اخلاقی به حکم فقهی تردید در اعتقادات

* **استناد به این مقاله:** محمدیان، علی؛ سلحشور، بتول و تاج‌الدینی معصومه (۱۴۰۳). رهیافتی اخلاقی به حکم فقهی تردید در اعتقادات. مطالعات اخلاق کاربردی، ۳ (۷۷)، صص ۱۰۷-۱۳۲.

<https://doi.org/1022081/jf.2024.69528.1936>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، اصفهان، ایران) © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۲۵ □ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۶/۲۷ □ تاریخ پذیرش: **/ **/ ۱۴۰۳ □ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۳/۰۷



رویکرد توصیفی تحلیلی انجام شده است، چنین نگره‌ای در بوته نقد و تحلیل اخلاقی قرار گرفته است. نگارندگان معتقدند از آنجا که اخلاق مقدم بر دین و ترازویی برای سنجش احکام فقهی به شمار می‌رود، چنان برداشتی از ادله، با شهودهای اخلاقی هم‌خوانی ندارد و در نتیجه، نمی‌توان دیدگاه یادشده را به دین نسبت داد. افزون بر آن، دیدگاه مختار، با اصول امامیه (عدلیه) که قائل به حسن و قبح ذاتی، عقلی و استقلالی هستند نیز موافقت و ملائمتی تام دارد.

کلیدواژه‌ها

اخلاق کاربردی، شک، تردید در اعتقادات، سلب حیات.



مقدمه

شک در آموزه‌های شرعی و در آرای اندیشوران مسلمان، مورد مذمت و نهی مطلق قرار نگرفته است؛ لکن در این زمینه فتوایی در فقه امامیه وجود دارد که مجازات سنگینی را برای فرد شاکی در نبوت تعیین می‌کند. توضیح آنکه پاره‌ای از دانشیان برجسته مسلمان همواره شک را معبر یقین دانسته و هرگز نگاه منفی محض بدان نداشته‌اند؛ برای نمونه، شهید مطهری در این زمینه می‌گوید: «آیا می‌بایست از شک و تردید که گاهی سر از افراط درمی‌آورد، رنجیده‌خاطر و نگران بود؟ به عقیده من، هرگز چنین نیست. شک مقدمه یقین بوده و سؤال، مقدمه وصال و اضطراب، مقدمه‌ای برای آرامش است. شک کردن، گذرگاه نیکو و لازمی است... شک نمودن اگرچه ناآرامی است، لکن هر آرامشی بر این ناآرامی افضل نیست. حیوان نیز شک نمی‌کند؛ ولی آیا به یقین و قطع رسیده است؟» (مطهری، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۳).

با این حال، همان‌طور که در ادامه خواهد آمد، شماری از فقیهان تأکید کرده‌اند که حکم فرد شاکی در نبوت، به‌طور مطلق قتل است. نوشتار حاضر با عنایت به اینکه چنین استظهاری را لزوماً نمی‌توان به پای علم فقه و همچنین مکتب امامیه که بر عدل و داد استوار شده است نوشت، چنین دیدگاهی را از حیث اخلاقی مورد مذاقه قرار داده است؛ لذا سؤال بنیادین جستار فرارو از این قرار است که نگره‌ای که معتقد است حکم شاکی در نبوت، قتل و سلب حیات می‌باشد، از نظر عرضه به موازین اخلاقی دارای چه وضعیتی است و به عبارتی، این دیدگاه در ترازوی علم اخلاق از چه میزان وجاهت و اعتبار برخوردار است؟ بنابراین، پژوهش حاضر با عنایت به اینکه تجویز کیفر، امری خلاف اصل بوده و برای رواداشت آن به دلیل معتبری احتیاج است که صلاحیت تخصیص عمومات و اطلاعات «محقون‌الدم» آدمیان را داشته باشد، در پژوهشی مسئله‌محور که با رویکرد توصیفی تحلیلی انجام شده است، چنین نگره‌ای را در بوتۀ تحلیل اخلاقی قرار داده است.





همچنین، گفتنی است با توجه به ماهیت پژوهش حاضر، مقاله فرارو در حوزه اخلاق کاربردی است؛ چراکه این شاخه از اخلاق با توجه ویژه به معضلات و تعارضات اخلاقی، به ارزش گذاری و ارزیابی افعال و امور اخلاقی دست زده و فضیلت بودن یا فضیلت نبودن این سنخ رفتارها و اعمال را در حوزه و مسئله‌ای خاص، یعنی ناظر به حیطه خاصی از زندگی انسان، داوری و بررسی می‌کند و خود را متکفل حل تراحات اخلاقی و پاسخ‌گویی بدان‌ها می‌داند (شریفی، ۱۳۹۰، ص ۸۵).

به‌طور خلاصه می‌توان گفت اخلاق کاربردی، عبارت است از کاربرد و تطبیق استدلال‌ها، اصول، ارزش‌ها و ایدئال‌های اخلاقی درباره رفتارهای اخلاقی، اعم از رفتارهای فردی و اجتماعی، با توجه ویژه به معضلات و تعارضات اخلاقی. هدف از این نوع پژوهش نیز ارزش گذاری و ارزیابی اخلاقی و در نتیجه، پذیرش یا انکار آن خط‌مشی‌ها و رفتارهاست. در توضیح بیشتر باید گفت بر کسی پوشیده نیست که در متون دینی بر اهمیت اخلاق تأکید فراوان شده و از باب نمونه، خداوند در شأن پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرموده است: ﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾؛ همانا تو دارای خلق عظیم و برجسته می‌باشی» (قلم، ۴). از پیامبر اسلام ﷺ نیز روایت شده است که هدف از بعثت، ترویج فضایل و نشر مکارم اخلاقی است: «تخلقوا بأخلاق الله و بعثت لأتمم مكارم الأخلاق» (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۶، ص ۴۰۲). مطابق همین مبنا، اندیشوران اسلامی نیز بر اهمیت و جایگاه ویژه اخلاق در منظومه تعالیم دینی اشاره کرده‌اند؛ برای نمونه، علامه طباطبایی، اخلاق را مقدم بر احکام دانسته و معتقد است تشریع قوانین و تربیت مردم در آموزه‌های دینی بر پایه اخلاق صورت گرفته است: «الإسلام بنی سنته الجارية و قوانینه الموضوعه على أساس الأخلاق و بالغ فى تربية الناس علیه» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۱۱۰).

البته در بیشتر موارد، میان متون روایی و گزاره‌های اخلاقی، تعارضی وجود ندارد، بلکه میان آن‌ها تعاضد و پشتیبانی برقرار است؛ لکن گاهی ممکن است به دلیل اینکه ممکن است روایاتی قطعی‌الصدور نبوده و از لحاظ سند و دلالت با



مناقشه مواجه باشند، میان آن‌ها تباین و دوگانگی ایجاد شود. در این فرض ممکن است گفته شود اخلاق باید خود را با مدلول متون روایی تطبیق دهد؛ لکن به نظر می‌رسد چنین برداشتی نارواست؛ چه اصول اخلاقی، مستقل از شرع موجود است و نمی‌توان شناخت آن‌ها را به شرع منوط کرد.

همچنین باید اذعان کرد ظاهراً معانی واژگان اخلاقی، مستقل از شریعت احراز می‌گردند؛ با این توضیح که لزومی ندارد برای ادراک مفاهیمی مانند عدالت و احسان، به مدارک دینی مراجعه شود؛ زیرا برای مثال، هنگامی که قرآن می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ﴾ (نحل، ۹۰)، به درک و تلقی مخاطبان وحی از معانی عرفی و پیشادینی این واژگان تکیه کرده است. البته ممکن است گفته شود ملاکاتی که در متون شرعی و روایی ذکر شده است، با عقل قابل ادراک نیست تا سخن از تقدیم اخلاق بر شریعت رود؛ لکن باید توجه داشت اگرچه ملاک برخی از احکام شرعی مانند احکام ناظر به باب عبادات، روشن نیست، ملاک برخی دیگر از احکام که در حوزه اخلاق و عدالت است، قابل شناسایی می‌باشد؛ لذا اگر اطلاق یا عموم برخی از داده‌های منسوب به شرع، با ارزش‌های اخلاقی در تنافی قرار گرفت، می‌توان و بلکه ضرورت دارد به وسیله آن ارزش‌ها، عموم و اطلاق چنین متونی را مقید کرد. در این فرض، اخلاق می‌تواند به مثابه یک مخصص لبی، استخدام گردد و از باب نمونه با محور قراردادن عدل یا ظلم، داده‌های موجود با محک آن سنجیده شود.

پیشینه و ضرورت پژوهش

درباره نوآوری مقاله حاضر باید گفت اگرچه در زمینه «شک» و حوزه معنایی و ابعاد آن تاکنون پژوهش‌هایی انجام شده است، اما در باب ستاندن جان فرد شاک، آن هم از منظر تحلیل اخلاقی، تاکنون پژوهشی درخور صورت نگرفته است. درباره ضرورت پژوهش نیز ناگفته روشن است از



آنجا که مطابق دیدگاه مزبور، حکم فرد شاک قتل دانسته شده است، واکاوی مسئله از اهمیت شایانی برخوردار است؛ چه نظری اجمالی به تعالیم شریعت روشنگر این مهم است که شریعت نورانی اسلام، توجه و عنایتی تام به خون و جان آدمیان دارد و میراث مکتوب دینی، مالا مال از روایاتی است که بر این مهم تأکید کرده‌اند؛ برای نمونه، پروردگار متعال می‌فرماید: ﴿مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا﴾؛ هر کس جان فردی را بگیرد، بدون اینکه آن فرد متعرض جان انسانی شده یا در زمین فساد کرده باشد، گویا تمامی آدمیان را کشته است و هر کس انسانی را نجات داده و حیات بخشد، مانند این است که تمامی آدمیان را نجات داده و حیات بخشیده است» (مانده، ۳۲).

دلالت آیه شریفه بر اهمیت دماء و حفظ نفس ایشان آشکار است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۳۵۶). پاره‌ای از مفسران تصریح کرده‌اند که ستاندن جان انسان‌ها بدون دلیل موجه، به مثابه ستیز با پروردگار است: «...أن القتل بغير الحق منازعة الربوبية» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۳۱۵).

۱. معناشناسی شک

«شک» در لغت به معنای خلاف یقین است (جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۱۵۹۴). ابن‌فارس در توضیح معنای شک بیان داشته است که شک خلاف یقین است؛ زیرا شخص شاک، درباره‌ی دو امری که در موضوع واحدی هستند، دچار تردید شده است؛ به نحوی که به هیچ کدام از آن دو یقین ندارد (ابن‌فارس، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۷۳). همچنین، راغب اصفهانی ذیل این واژه اظهار داشته است که شک عبارت است از تساوی و اعتدال دو امر نقیض نزد انسان که گاه هر دو نشانه‌ای بر تأیید خویش دارند و گاه چنین نشانه‌ای در خصوص هیچ‌یک از آن‌ها موجود نیست (راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۴۶۱).



مطابق یک تقسیم‌بندی، شک در برابر قطع و ظن به کار می‌رود. در این تقسیم‌بندی، یقین به معنای تعین و مشخص بودن قطعی امری است، به نحوی که به هیچ وجه احتمال مخالف در آن نمی‌رود؛ ظن به معنای احتمال راجح است و مراد از آن رجحان یکی از دو طرف احتمال بر دیگری می‌باشد؛ و شک به معنای برابری مطلق دو طرف بوده و حالتی است که فرد نمی‌تواند از دو احتمال موجود در قضیه، جانب یکی را به دیگری ترجیح دهد و لذا در حیرت و تردید باقی می‌ماند (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۳۴۸).

اندیشوران مسلمان برای شک مراتبی نیز برشمرده‌اند؛ برای نمونه، امام خمینی سه مرتبه برای شک معرفی کرده است: ۱) شک جلی یا آشکار (شک در احکام ظاهری و فقهی)؛ ۲) شک خفی (تزلزل فرد در معارف باطنی و اسرار توحیدی و شهود باطنی)؛ ۳) شک اخفی (عدم توانایی فرد در استمرار شهود باطنی) (خمینی، ۱۳۷۸، ص ۴۰۷).

شایان توجه است که مطابق مدلول برخی از روایات دو نوع شک مذمت نشده است: نخست، شک غیرمستقر یا ابتدایی (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۴۰۰). در توضیح این شک می‌توان گفت شک در مراحل ابتدایی برای رسیدن به واقعیت در تحقیق یک مسئله علمی، امری طبیعی است و هر دانشمند در تحقیق یک مسئله علمی در آغاز دچار شک و تردید است و به همین دلیل بررسی و تحقیق می‌کند تا به یقین دست یابد و در آن مسئله حکم علمی صادر کند. این قسم شک هرچند بسیار و مکرر باشد می‌تواند مقدمه‌ای مفید و سازنده برای نیل به یقین قرار گیرد و نتایجی علمی و قابل اطمینان در اختیار انسان قرار دهد. دوم، شکی که منشأ آن جهل به حق باشد، نه عناد و لجاجت. مطابق همین معنا برخی تأکید کرده‌اند که اگر کسی واقعاً از روی صدق و صفا قدم در راه نهد و از صمیم دل هدایت خود را از خدای خود طلب کند، موفق به هدایت خواهد شد؛ اگرچه در امر توحید نیز شک داشته باشد (طهرانی، ۱۴۳۱ق، ص ۹۲).



۲. دورنمایی از اقوال موجود درباره مسئله

تتبع در میراث مکتوب فقهی، از دو دیدگاه در فرض مسئله حکایت دارد:

مشهور فقها معتقدند اگر کسی در نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و صداقت ایشان شک کند، محکوم به قتل است (رک: طوسی، ۱۴۰۰ق، ص ۷۳۰؛ علامه حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۷۹؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۹، ص ۱۹۵). در مقابل، برخی از فقیهان معتقدند باید میان شاکی معاند و غیرمعاند قائل به تفصیل شد؛ با این توضیح که اگر کسی حقیقتاً دچار تردید شده باشد و صرفاً با هدف دستیابی به حقیقت، شک خود را اظهار کند، محکوم به قتل نمی شود و حکم او با کسی که از روی عناد و با قصد ایجاد تردید و تزلزل میان مسلمانان به اظهار شک می پردازد، متفاوت است (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷ق، ج ۲، ص ۴۵۶).

یکی دیگر از فقهای معاصر معتقد است اگر فردی پس از قبول اسلام، در حقانیت شریعت تردید کرد و دچار شک گردید، به مجرد شک و تردید و حتی بالاتر از این، رسیدن به نتیجه ای دیگر که مبتنی بر تحقیقات وی باشد، نمی توان چنین فردی را مشمول ادله قتل فرد مرتد دانست (منتظری، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۴۷۶).

به نظر می رسد پاره ای از فقیهان را که در حکم ارتداد تشکیک نموده اند نیز می توان به این دسته ملحق کرد؛ چراکه به بداهت عقل، ارتداد و اظهار علنی در مرتبه ای بالاتر از شک محض قرار می گیرد؛ لذا اگر فقهی حکم قتل مرتد را به اطلاق آن نپذیرد، به طریق اولویت، می توان در باب شک نیز چنین استظهاری از نظر وی نمود؛ برای نمونه، فیض کاشانی در این زمینه چنین می نگارد: «ابن جنید معتقد است مرتد، خواه ملی و خواه فطری، ابتدا توبه داده می شود و بر فرض نپذیرفتن، به قتل خواهد رسید. فتوای ابن جنید اگرچه نادر است، لکن درستی آن به اصل احتیاط نزدیک تر است» (فیض کاشانی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۱۰۴). این دیدگاه اقبال برخی از معاصران را نیز در پی داشته است؛ برای نمونه، یکی از فقهای معاصر، اجرای حکم



ارتداد را منوط به تبلیغ کرده و سخن مشهور را به اطلاق آن نپذیرفته است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ق، ج ۴، ص ۱۴۵).

باید گفت اگرچه مسئله حاضر از دو حیث فقهی و اخلاقی قابل تحلیل و ارزیابی است، لکن نوشتار حاضر، مسئله را عمدتاً از حیث اخلاقی در مذاقه گرفته و طبعاً تحلیل دقیق فقهی و ارزیابی مستندات روایی مسئله باید به مجال دیگری وانهاده شود.

۳. مقتضای اصل اولیه

چنین به نظر می‌رسد که هم از منظر تحلیل عقلی و هم از منظر شرعی و روایی، اصل و قاعده جاری در مسئله، اصل احترام خون آدمیان می‌باشد که تقیید چنین اصلی منحصراً با دلیل معتبر و یقینی مجاز است؛ زیرا عقلای عالم اتفاق نظر دارند که مادامی که دلیل معتبر بر ستاندن جان انسان‌ها وجود نداشته باشد، نباید متعرض آن گردید و این اصل جزو اصول مقبول و بدیهی خردمندان شمرده می‌شود. از نگاه شرعی نیز در تعالیم شریعت با توجه به اهمیت جان آدمی، حفظ جان خود و هر مسلمانی واجب و در معرض هلاک قراردادن آن حرام تلقی شده است؛ همچنان که حفظ جان به لحاظ اهمیت آن در صورت تزاحم با دیگر واجبات یا محرمات بر آن‌ها مقدم می‌شود؛ از این رو، خوردن مردار در حال اضطرار برای حفظ جان واجب است؛ چنان که اظهار کفر در حال تقیه جایز است (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۶ق، ج ۳، ص ۳۱۶).

در روایات اهل بیت علیهم‌السلام نیز بر اهمیت تام مسئله دماء تأکید فراوان شده است؛ برای نمونه، از امام محمد باقر علیه‌السلام روایت شده است که حضرت فرمودند: «أَوَّلُ مَا يَحْكُمُ اللَّهُ فِيهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الدَّمَاءُ؛ نخستین چیزی که در قیامت از آن بازخواست می‌شود، مسئله دماء و خون است» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۲۷۱).



در روایتی دیگر، سلیمان بن خالد از امام صادق علیه السلام نقل می کند: «أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَى مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عليه السلام يَا مُوسَى قُلْ لِلْمَلَأِ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ إِيَّاكُمْ وَ قَتَلَ النَّفْسِ الْحَرَامِ بِغَيْرِ حَقٍّ فَمَنْ قَتَلَ مِنْكُمْ نَفْساً فِي الدُّنْيَا قَتَلَهُ اللَّهُ فِي النَّارِ مِائَةً أَلْفِ قَتْلَةٍ مِثْلَ قَتْلَةِ صَاحِبِهِ؛ خداوند به حضرت موسی علیه السلام وحی کرد که به بنی اسرائیل بگو: از قتل نفس به ناحق پرهیزید. پس هریک از شما که در دنیا کسی را به ناحق بکشد، خداوند وی را در جهنم صد هزار بار با همان روشی که مقتول را کشته است، می کشد و شکنجه می کند» (صدوق، ۱۴۰۶ق، ص ۲۷۸).

۴. ارزیابی اخلاقی ستاندن جان شاک

در وهله نخست و ابتدائاً یکی از پرسش های اساسی که در حوزه دین و اخلاق مطرح می شود این است که رابطه دین و اخلاق چیست؟ آیا می توان میان احکام و قوانین دینی و اصول و قواعد اخلاقی تفکیک قائل شد؟ تأمل در آموزه های دینی نشان می دهد نمی توان با چنین نظریه ای همراهی و همدلی داشت؛ زیرا مطابق دیدگاه امامیه که به عدلیه شهرت دارند، احکام شریعت از حسن و قبح ذاتی برخوردارند و اصولاً این احکام دارای غایات اخلاقی هستند؛ برای مثال همان گونه که در قرآن آمده است، هدف از نماز خواندن، بازدارندگی از فساد و فحشا و امور قبیح اخلاقی است: ﴿إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ﴾ (عنکبوت، ۴۵). همچنین در برخی از احادیث، اصلاح نظام اخلاقی، هدف غایی دین معرفی شده است؛ از جمله: «پروردگار حکیم، نماز را به خاطر اجتناب از غرور بر مسلمانان واجب کرد... روزه تشریع گردید تا به واسطه آن، اخلاص آدمیان سنجیده شود... امر به معروف به خاطر اصلاح مردم تشریع گردید»^۱ (نهج البلاغه، حکمت ۲۵۲)؛ لذا اصول و قوانین شرعی

۱. و قَالَ عليه السلام: قَرَضَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً مِنَ الشُّرُوكِ وَ الصَّلَاةَ تَنْزِيهاً عَنِ الْكِبَرِ وَ الزَّكَاةَ تَنْزِيهاً لِلرِّزْقِ وَ الصَّيَامَ ابْتِلَاءً لِإِخْلَاصِ الْخَلْقِ وَ الْحَجَّ تَقْوِيَةً لِلدِّينِ وَ الْجِهَادَ عِزًّا لِلْإِسْلَامِ وَ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ مَضْلَحَةً لِلْعَوَامِّ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ رَدْعاً لِلشُّفَهَاءِ.....



نه تنها از احکام اخلاقی منفک نیستند، بلکه این احکام به تحکیم و تثبیت ارزش های اخلاقی منجر می شوند و به عبارت دیگر می توان گفت ارتباط اخلاق و فقه به گونه - ای است که اخلال در هریک از آن ها به اخلال در دیگری منجر می شود. نکات اخلاقی که در ابواب گوناگون فقه یافت می شوند خود گواهی بر این مدعاست؛ به طور مثال، طبق آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى﴾ (بقره، ۲۶۴)، مَنّت گذاشتن و آزاررساندن که از رذایل اخلاقی به شمار می روند، عوامل بطلان صدقات هستند و این حکمی است که در فقه به آن پرداخته شده است (علامه حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۸، ص ۵۰۸). نمونه دیگر، احکامی چون حکم بطلان نماز است که بر ریاکاری مترتب می شوند؛ واضح است که ریا از قبیح ترین اوصاف اخلاقی است و در فقه نیز در زمره گناهان کبیره دانسته شده و طبق نظر مشهور فقیهان، چنانچه نماز به قصد ریا انجام شود، باطل است (طباطبایی حکیم، ۱۴۱۶ق، ج ۶، ص ۲۰). وانگهی فطرت انسان با اخلاق موافق و سازگار است و روح آدمی با اخلاق درآمیخته است. در این خصوص در قرآن مجید آمده است: ﴿فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا﴾ (شمس، ۸)؛ یعنی انسان ها می توانند اخلاق را با فطرت خود دریابند. با وجود این چگونه ممکن است شریعتی که طبق نص قرآن کریم با فطرت آدمی مطابق و سازگار است^۱، در تقابل با اصول اخلاقی باشد؟^۲

۱. ﴿فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ خَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا﴾ (روم، ۳۰).

۲. البته ممکن است این سؤال ایجاد شود که در فرض تعارض احکام فقهی استنباط شده توسط فقها و موازین اخلاقی، به چه دلیل باید اخلاق را مقدم داشت و چرا نباید بر اولویت احکام فقهی اهتمام داشت؟ پاسخ این است که قواعد و هنجارهای اخلاقی به صورت مستقل از دین، قابل تحصیل و شناسایی هستند و پذیرش دیدگاه تقدم فقه بر اخلاق، به پذیرفتن حسن و قبح ذاتی منجر می شود و فرد را در زمره اشاعره قرار می دهد. همچنین اگر اشکال شود که چرا استقلال اخلاق را در مقام ثبوت می پذیریم، اما در مقام اثبات برای شناخت اصول اخلاقی گریزی از رجوع به فقه وجود ندارد، در پاسخ گفته می شود چنین استظهاری اگرچه در وهله نخست، استقلال اخلاق را می پذیرد، لکن همچنان بر وابستگی شناخت معیارهای اخلاقی به شریعت تأکید کرده و با پیش فرضی متفاوت در عمل همان راه اشاعره را می پیماید. حاجت به توضیح نیست که اگر اعتبار عقل در حوزه اخلاق با تردید مواجه شود، صرفاً حقوق بشر با نسبیت و تزلزل مواجه نخواهد شد، بلکه افزون بر آن، دیگر راهی برای اثبات لزوم اطاعت از پروردگار و ←



با عنایت به ارتباط مسلّم دین و اخلاق و تأثیرپذیری این دو از یکدیگر، هرآنچه منتسب به دین می‌شود و ذیل عنوان حکم دینی عرضه می‌شود، باید با موازین اخلاقی سازگار و موافق باشد؛ لذا لازم است فقیه در مرحله استنباط احکام به علم اخلاق و اقتضائات آن نیز توجه داشته باشد و سازگاری و مطابقت حکم مورد نظر را با اصول و قواعد یقینی اخلاقی مدنظر قرار دهد؛ با این توضیح که با عنایت به هدف غایی تشریع احکام که تحقق نظامی اخلاقی است، اخلاق را به منزله یکی از اصول استنباط بداند و در فرض تعارض داشتن یک حکم با مسلّمات اخلاقی، در آن تأمل بیشتری کند و برای رفع تعارض موجود به بازنگری مبادرت نماید.

به عبارت دیگر می‌توان گفت با توجه به رابطه دانش فقه با دانش اخلاق، هرگونه حکم مستفاد و مستخرج از ادله که با اخلاقیات قطعی و یقینی در تقابل قرار گیرد، از وجاهت و اعتبار برخوردار نیست. البته در این فرض چنان نیست که حکم شرع نقض شود، بلکه اساساً باید گفت در عرصه ثبوت و در مقام نفس الامر، وجود چنان حکمی را نمی‌توان به خداوند و شریعت نسبت داد؛ زیرا فرض بر آن است که صاحب شریعت، موجودی اخلاقی است و محال است از وی فعل غیر اخلاقی صادر شود.

اندیشوران مسلمان در مواضع گوناگون به ضرورت توجه به اخلاق و تبعات منفی تفکیک قائل شدن میان قوانین شرعی و اصول اخلاقی اشاره داشته‌اند؛ برای نمونه،

→ عمل به تعالیم شریعت و نیز لزوم وجود ادیان نیز نخواهد ماند (رک: فنایی، ۱۳۹۴، ص ۳۷). مطابق همین مبنای مختار، علامه حلی در شرح عبارت شیخ طوسی در تجرید معتقد است: «حسن و قبح از امور عقلی می‌باشند و در زمره امور شرعی نیستند؛ زیرا اگر بخواهیم آن دو را با شرع اثبات کنیم، این کار سر از انکار مطلق آن‌ها درمی‌آورد؛ با این توضیح که در این فرض نه خواهیم توانست حسن و قبح عقلی را اثبات کنیم و نه از پس اثبات حسن و قبح شرعی بخواهیم آمد؛ زیرا اثبات حسن و قبح شرعی، در گرو این است که به گفتار حضرت رسول (ص) از جانب پروردگار یقین حاصل گردد، در حالی که احتمال خلاف وجود دارد و برای ابطال این احتمال خلاف، نمی‌توان به سخن خود ایشان تمسک کرد؛ چه مستلزم دور می‌شود؛ بنابراین، عملاً حسن و قبح هیچ امری اثبات نمی‌شود. لذا با توجه به اینکه انکار حسن و قبح عقلی به خلف (انکار حسن و قبح به نحو مطلق) منجر خواهد شد، چنین امری باطل و ناپذیرفتنی می‌نماید (علامه حلی، ۱۴۰۷ق، ص ۵۹).



علامه طباطبایی در تفسیر آیه ۲۲۹ سوره بقره^۱ که در تبیین برخی از احکام و قواعد ناظر بر روابط زوجین وارد شده است، بیان می‌دارد: «بعید نیست که بتوان این معنی را از آیه مزبور استنباط کرد که جدادانستن احکام شرعی از قواعد اخلاقی و عمل نمودن به ظواهر احکام فقهی مجاز نمی‌باشد؛ زیرا چنین رویه‌ای منجر به تضییع مقاصد شریعت شده و جامعه را از سعادت دور می‌سازد و شاید علت اینکه جوامع مسلمان با انحطاط اخلاقی مواجه شده‌اند، چیزی جز این نباشد که ایشان به ظواهر شریعت بسنده کرده و از روح و معنای آن غفلت نمودند» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۲۳۵). به نظر می‌رسد طبق نظر علامه طباطبایی، اینکه تصور شود با نادیده گرفتن اخلاق و تکیه بر ظواهر احکام می‌توان به مقاصد والای شریعت دست یافت، پنداری باطل است و فقه که عهده‌دار بیان ظاهر احکام است، در کنار اخلاق که به باطن احکام توجه دارد، می‌تواند ثمربخش واقع شود؛ به عبارتی، این دو در کنار یکدیگر می‌توانند جامعه‌ای متعالی را رقم بزنند.

ممکن است گفته شود ملاکات احکام فقهی با عقل قابل درک نیست تا سخن از تقدیم اخلاق بر فقه به میان آورده شود. در پاسخ می‌توان گفت درست است که ملاکات برخی از احکام فقهی نظیر عبادات روشن نیست، ولی ملاکات برخی دیگر از این احکام که در حوزه عدل و ظلم است، قابل شناسایی است؛^۲ از این رو، اگر اطلاق یا عموم احکام فقهی با ارزش‌های اخلاقی در این حوزه منافات داشت، آن

۱. «الطَّلَاقُ مَوْتَانِ فَإِمْسَاكَ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَشْرِيعٍ بِإِحْسَانٍ»؛ طلاق [اطلاقی که امکان رجوع در آن میسر است] دومرتبه است. [و در هر مرتبه] باید به نحو نیکو همسر خود را نگاه دارد [و آشتی کند] و یا اینکه با نیکی و شایستگی او را رها سازد [و از وی جدا شود].

۲. بنا بر نظر عدلیه که به حسن و قبح ذاتی افعال معتقدند، اگرچه ملاکات احکام در قیاس با جزئیات احکام عبادی و بخشی از امور غیرعبادی، قابل کشف قطعی نیست، ولی مصالح و فلسفه برخی دیگر از احکام، به ویژه احکام اجتماعی، برای عقل صائب جمعی انسان‌ها که به دور از نفسانیات و جمود و آگاه به فضای تشریع هستند، قابل کشف و دسترسی است و می‌توان گفت این گونه احکام دارای اسرار مرموز و غیر قابل فهم برای انسان‌ها نیستند؛ بنابراین نحوه مواجهه ما با عبادات باید متفاوت با تعامل ما با فقه عام و فقه اجتماعی و جزایی در ساحت‌های مختلفش باشد (رک: منتظری، ۱۴۲۹ق، ص ۳۲).



ارزش‌ها اطلاق احکام فقهی را تقیید و عموم آن‌ها را تخصیص می‌زنند؛ بنابراین، اگر ادراکات اخلاقی در فقه، از این وجه که احکام شرعی تابع ملاکات نفس‌الامری است، به رسمیت شناخته شوند، تقارن بین اخلاق و فقه چشمگیر خواهد شد. در این صورت، اخلاق می‌تواند در قالب یک مخصص لبی در استنباط فقهی به کار گرفته شود و برای نمونه با محور قرار دادن عدل یا ظلم، استنباط فقهی با محک آن سنجیده شود.

با عنایت به مطالب بالا باید گفت یکی از اصولی که مورد قبول تمام اندیشمندان حوزه اخلاق است، این است که یکی از شرایط لازم برای مسئول دانستن افراد و مستحق ستایش یا سرزنش بودن ایشان، اراده و اختیار است؛ بدین معنا که اخلاقاً انسان تنها در صورتی مسئول کار یا واقعه‌ای دانسته می‌شود که از روی اختیار به آن کار اقدام نماید (مصباح یزدی، ۱۳۸۹، ص ۱۵۹). ارسطو در این باره گفته است: «شرط مسئولیت و در معرض ستایش یا سرزنش قرار گرفتن، اراده آزاد است. هر عملی غیرارادی باشد، شخص هیچ مسئولیتی در قبال آن ندارد» (فرانکنا، ۱۳۷۶، ص ۱۵۸). برخی از حقوق‌دانان معاصر نیز در تألیفات خود به این اصل اشاره داشته و متذکر شده‌اند چنانچه شخص در ارتکاب فعلی اختیار نداشته باشد، مسئولیتی برای او اثبات نمی‌شود^۱ (اردبیلی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۷۴؛ استفانی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۴۸۴)؛ لذا

۱. شایان توجه است که مسئله اختیار در کلمات فقیهان امامی نیز در زمره شروط عامه تکلیف بیان شده و ایشان تصریح کرده‌اند که بدون وجود این شروط، تکلیفی متوجه مکلف نیست. شروط عامه تکلیف به اموری گفته می‌شود که در فعلیت تمامی تکالیف شرعی دخیل است و شامل مواردی از قبیل عقل، بلوغ و قدرت و اختیار می‌شود. درباره این شروط دو نظر عمده بین فقیهان وجود دارد: ۱) گروهی این شروط را شرط فعلیت حکم قلمداد می‌کنند و معتقدند اساساً بدون وجود این شروط، تکلیف فعلیت نخواهد یافت؛ برای نمونه، تکلیف درباره فرد عاجز که قدرتی ندارد، هرگز به فعلیت نمی‌رسد؛ ۲) گروهی دیگر معتقدند شروط مزبور، شرط فعلیت تکلیف نیستند، بلکه نبود هر کدام از این شروط می‌تواند عذری عقلی قلمداد شود و به همین دلیل مولی نمی‌تواند به سبب انجام ندادن تکلیف، فرد را عقاب کند. مرحوم مظفر در این زمینه می‌نگارد: «ثم اعلم ان كل واجب هو واجب مشروط بالقياس الى الشرائط العامة و هي البلوغ و القدرة و العقل؛ فالصبي و العاجز و المجنون لا يكلفون بشيء في الواقع. و اما (العلم) فقد قيل انه من الشروط العامة و الحق انه ليس شرطاً في الوجوب و لا في غيره من الاحكام؛ بل التكاليف الواقعية مشتركة بين العالم و الجاهل على حد سواء. نعم العلم شرط في استحقاق العقاب على مخالفة التكليف» (مظفر، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۹۲).



باید گفت شک، حالتی نفسانی و غیر ارادی است که بنا به ادله متعدد ممکن است برای هر شخصی ایجاد شود. مرحوم نراقی در کتاب *معراج السعادة*، که یکی از بهترین کتب در زمینه علم اخلاق و آداب و سنن اسلامی است، از شک و حیرت به «عاجز بودن نفس از تحقیق حق و رد باطل در مطالب» تعبیر کرده است (نراقی، ۱۳۴۸، ص ۱۵۲). همان گونه که از این تعبیر به دست می آید، در حالت شک، نفس از درک حقیقت ناتوان است و این مسئله‌ای نفسانی و غیر ارادی است؛ لذا قائل شدن به ثبوت مجازات برای شخصی که دچار شک شده است (به ویژه مجازاتی چون سلب حیات)، با اصل اخلاقی مزبور مطابقت و سازگاری ندارد.

وانگهی شک نه تنها از نظر اخلاقی قبحی ندارد و مستلزم نکوهش نیست، بلکه عده‌ای آن را مقدمه یقین و لازمه رسیدن به قطع دانسته‌اند و پرواضح است که طبق مضمون آیات و روایات، یقین بالاترین مرحله ایمان است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۷، ص ۲۸۴). گفتار شهید مطهری در این باره در ابتدای بحث گذشت. ایشان در جایی دیگر، ضمن اشاره به اینکه نمی توان شکوک و شبهات دینی را ناشی از خبث طینت و سوء سریره افراد دانست، اظهار داشته است: «پیدایش شکوک و شبهات در این زمینه آنگاه که بشر می خواهد همه مسائل مربوط به این موضوع را حل کند، یک امر طبیعی و عادی است و همین شکوک است که محرک بشر به سوی تحقیق بیشتر است و لهذا ما این شکوک را که منجر به تحقیق بیشتر می شود، مقدس می شماریم؛ زیرا مقدمه وصول به یقین و ایمان و اطمینان است» (مطهری، ۱۳۹۶، ص ۴۸).

به علاوه، مستحق مرگ دانستن شخصی که دچار شک و تردید شده است، با قبح تعصب، به عنوان یکی از رذایل مسلم اخلاقی که در دین نیز نکوهش شده است، در تعارض می باشد؛ چرا که به نظر می رسد مجازات شاک به مجرد شک و پیش از تلاش برای ازاله تردید وی، از اموری است که عقلا آن را تعصب و جمود فکری دانسته و مذموم می پندارند. شیخ طوسی در انتقاد از جمود فکری بیان داشته است:



«إذا سألوا عن التوحيد أو العدل أو صفات الله تعالى أو صحة النبوة، قالوا كذا روينا و يروون في ذلك كله الأخبار؛ اگر از اینان درباره توحید یا عدل یا صفات خداوند یا صحت نبوت سؤال شود، به جای اینکه به دلیل عقلی استناد کنند به ذکر روایات می- پردازند» (طوسی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۳۳). در توضیح سخن وی آمده است که شیخ طوسی مانند هر عالم روشن فکر دیگر اسلامی می داند که اصول عقاید باید اجتهاداً و از روی فهم مستقیم برای اذهان روشن شوند (مطهری، ۱۳۷۲، ص ۱۸۵). همچنین در توضیح مفهوم تعصب مذموم گفته شده است: «تعصب مذموم همواره آمیخته با جمود فکری و یک جانبه نگری و پیش داوری های غیر منطقی است و همیشه، به خصوص در عصر ما، سبب نفرت و عقب افتادگی است. نشانه این نوع تعصب، موضع گیری های تند و خشن و گاه خون ریزی و غارت اموال و تحقیر دیگران و توسل به کلمات زشت و تند و توهین آمیز است. این گونه متعصبان کمترین ارزشی برای افکار دیگران قائل نیستند و گوش شنوایی برای دلایل مخالفان خود ندارند و متکبر و خود برترین هستند» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴، ص ۵۷).

از اصول اخلاق دیگری که می توان در فرض مسئله به آن اشاره کرد و به نوعی در مقابل تعصب قرار می گیرد، مدارا و حسن خلق با مخالفان است. به این اصل در آموزه های شریعت نیز بسیار عنایت شده و علاوه بر وجود آیات و روایات متعدد در این باره، سیره عملی معصومین (علیهم السلام) نیز دال بر پذیرش آن در دین اسلام است؛ برای نمونه، خداوند در قرآن کریم فرموده است: ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ﴾؛ با حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگارت دعوت نما و با آن ها به روشی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن. پروردگارت، از هر کسی بهتر می داند چه کسی از راه او گمراه شده است و او به هدایت یافتگان داناست» (نحل، ۱۲۵). در تفسیر این آیه آمده است طبق آیه، تمام مردم را نمی توان با یک شیوه دعوت کرد؛ هر شخص، روح و ظرفیتی دارد که باید با زبان خودش با او



سخن گفت؛ خواص را با حکمت و استدلال و عوام را با موعظه نیکو و مخالفان را با جدال نیکوتر باید ارشاد کرد (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۶۰۱). در روایتی از امام محمد باقر علیه السلام آمده است: «در تورات نوشته است: یکی از چیزهایی که خداوند به موسی علیه السلام فرمود آن بود که فرمود: ای موسی، در باطن خود اسرار مرا پنهان کن و پوشیده دار و در ظاهر خود آشکار کن. از جانب من با دشمنان من و با دشمنان خودت مدارا کن» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۱۷). حسن مدارا با دشمن خداوند به طریق اولی بر جواز مدارا با کسی که دچار تردید شده است، دلالت می‌کند. وانگهی مدارا با مخالفان از عوامل جذب ایشان به ایمان دانسته شده است (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۹، ص ۳۶). چه بسا کسی که دچار شک شده و در مرحله‌ای بالاتر از مخالف قرار دارد، با حسن خلق و ارائه برهان و استدلال، از تردید رهایی یافته و به ایمان یقینی نائل شود.

شایان توجه است که نتیجه پاره‌ای از تحقیقات نیز نشان می‌دهد شک در لسان قرآن نیز در دو معنا با بار معنایی متفاوت به کار رفته است. مواردی که این واژه بدون هیچ صفتی در قرآن به کار رفته، بیان‌کننده حالتی نفسانی است که در آن فرد شاک به دلیل نداشتن دانش و اطلاع به موضوع شک، دچار نوعی تردید و تیرگی گشته و عملاً با وضعیتی مواجه شده است که نمی‌تواند یکی از طرفین شک را اتخاذ و اختیار کند. معنای دوم شک در قرآن عموماً با صفت «مُرب» مورد تأکید خداوند قرار می‌گیرد؛ چنین شکی برخلاف نوع نخست، اختیاری و در قرآن نیز مذموم است (رک: اسماعیلی زاده و سلمان‌نژاد، ۱۳۹۶، ص ۵۸).

شاید بتوان از پاره‌ای از روایات نیز چنین استظهار کرد که شک فی نفسه نشانه بدی نیست و نمی‌توان آن را به طور مطلق مذموم دانست؛ برای نمونه، محمد بن مسلم به سند خود از امام صادق علیه السلام چنین نقل می‌کند:

مردی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و عرضه داشت که هلاک شدم. حضرت فرمود: «شیطان نزد تو آمد و گفت: چه کسی تو را خلق کرد؟ و تو در پاسخ گفتی: خداوند.



سپس شیطان پرسید: خداوند را چه کسی خلق کرد؟». آن مرد گفت: «سوگند به خدایی که تو را به حق مبعوث کرد، دقیقاً چنین است». حضرت علیه السلام فرمود: «این ایمان خالص و محض است»^۱ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۴۲۵).

مطابق نقلی دیگر، گروهی به محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله رسیدند و از وسوسه‌ها و تردیدهایی که در قلبشان خطور کرده بود، شکایت کردند. حضرت علیه السلام در پاسخ ایشان فرمود: «قسم به کسی که جان من در ید قدرت اوست، این حالت شما ایمان خالص و محض است...»^۲ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۴۲۵).

۱. جاء رجل إلى النبي صلی الله علیه و آله فقال يا رسول الله هلكت. فقال له: أتاك الحيت فقال لك من خلقك فقلت الله فقال لك الله من خلقه. فقال: إي والذي بعثك بالحق لكان كذا. فقال رسول الله: ذاك والله محض الإيمان.

۲. قد شكى قوم إلى النبي صلی الله علیه و آله يعرض لهم لاءن تهوى بهم الريح أو يقطعوا أحب إليهم من أن يتكلموا به، فقال رسول الله صلی الله علیه و آله: أ تجدون ذلك؟ قالوا: نعم. قال: والذي نفسي بيده إن ذلك لصريح الإيمان، فإذا وجدتموه. فقولوا: آمنا بالله ورسوله ولا حول ولا قوة إلا بالله.

نتیجه گیری

براساس آنچه گذشت، طبق یک نظر رایج، کسی که در اعتقادات خود دچار تزلزل و شک و تردید شود، فرجامی جز قتل و سلب حیات ندارد. نوشتار حاضر، چنین دیدگاهی را برنتابیده و مسئله را از حیث موازین و معیارهای اخلاق کاربردی بررسی کرده است. اخلاق کاربردی به مباحث و معضلات عملی موجود در زندگی آدمیان به نحو خاص و مستقیم توجه دارد و مبانی و معیارهای اخلاقی را در حوزه یا مسئله‌ای مشخص که ناظر به یک قلمرو خاص است، تبیین و داوری می‌کند. نتایج پژوهش نشان داد اگر شخصی واقعاً دچار تردید شده باشد و تنها به قصد یاری‌جستن از دیگران برای ازاله شک خویش به اظهار آن پردازد، وجهی برای محکوم کردن او و ستاندن جانش وجود ندارد؛ زیرا شک حالتی نفسانی و غیرارادی است که امکان دارد به دلایل گوناگون بر هر کسی عارض شود و واضح است امری که خارج از اراده و اختیار باشد، تکلیفی بر آن مترتب نمی‌گردد و اظهار شک، اگر برای تلاش در راستای ازاله آن باشد، نه تنها مستوجب کیفر نیست، بلکه از باب حفظ حیات معنوی، امری مطلوب است؛ لذا با عنایت به ادله یادشده، چنانچه عنوان معاند بر فردی صدق کند و احراز شود که وی با سوءنیت به عمل خود مبادرت می‌ورزد، می‌توان وی را به کیفر مقرر شرعی محکوم کرد. در غیر این صورت، اصل پرهیز از ایذای ناروای افراد و عدم جواز اعمال مجازات بدون مجوز شرعی و اصل احتیاط در دماء و نفوس حاکم است و حکومت اسلامی باید برای ازاله شک ایجادشده، اقدامات مناسبی انجام دهد. این حکمی است که با اصول و مبانی اخلاقی مطابقت و سازگاری بیشتری دارد؛ چراکه طبق اصول اخلاقی، یکی از شروط لازم برای مسئول دانستن افراد، اراده و اختیار است و با توجه به غیرارادی بودن حالت شک، قائل شدن به ثبوت مجازات برای شخصی که دچار شک شده است، خاصه مجازاتی چون سلب حیات، با اصل اخلاقی مزبور مطابقت و سازگاری ندارد.





کتاب نامه

* قرآن کریم.

* نهج البلاغه.

ابن فارس، احمد بن زکریا (بی تا)، معجم مقاییس اللغة، قم: دار الکتب العلمیه.

اردبیلی، محمدعلی (۱۳۷۷)، حقوق جزای عمومی، تهران: میزان.

استفانی، گاستون (۱۳۷۷)، حقوق جزای عمومی، ترجمه حسن دادبان، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.

اسماعیلی زاده، عباس و مرتضی سلمان نژاد (۱۳۹۶)، «بازخوانی مفهوم شک در قرآن کریم»، پژوهش نامه تفسیر و زبان قرآن، دوره ۵، ش ۲، بهار و تابستان، ص ۳۵-۶۰.

جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۷ق)، الصحاح فی اللغة، بیروت: دارالعلم للملایین.
خمینی، روح الله (۱۳۷۸)، شرح حدیث جنود عقل و جهل، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن، سوریه: دار العلم.

شریفی، احمد حسین (۱۳۹۰)، «چیستی اخلاق کاربردی»، معرفت اخلاقی، دوره ۲، ش ۷، ص ۸۳-۹۶.

شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۰ق)، الروضة البهیة، قم: داوری.
صدوق، محمد بن علی (۱۴۰۶ق)، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، قم: دار الشریف.
طباطبائی حکیم، سید محسن (۱۴۱۶ق)، مستمسک العروة الوثقی، قم: مؤسسه دارالتفسیر.

طباطبائی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق)، المیزان، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۰ق)، النهایة، بیروت: دارالکتاب العربی.
طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۷ق)، العدة فی أصول الفقه، قم: محمدتقی علاقبندیان.



- طهرانی، محمدحسین (۱۴۳۱ق)، *رسالة کبّ اللباب*، بیروت: دار المحجة البيضاء.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۰۷ق)، *کشف المراد*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۲ق)، *منتهی المطلب*، مشهد: مجمع البحوث الاسلامیة.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۰ق)، *إرشاد الأذهان*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- فرانکنا، ویلیام کی. (۱۳۷۶)، *فلسفه اخلاق*، ترجمه هادی صادقی، قم: طه.
- فناپی، ابوالقاسم (۱۳۹۴)، *اخلاق دین شناسی*، تهران: نگاه معاصر.
- فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۱۲ق)، *مفاتیح الشرائع*، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۳)، *تفسیر نور*، تهران: مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، تهران: دار الکتب الاسلامیة.
- مجلسی، محمدتقی بن مقصود علی (۱۴۰۶ق)، *روضة المتقین*، قم: بنیاد کوشانپور.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۹)، *فلسفه اخلاق*، تهران: نشر بین الملل.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۲)، *تکامل اجتماعی انسان*، تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۸)، *عدل الهی*، تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۶)، *علل گرایش به مادیگری*، تهران: صدرا.
- مظفر، محمدرضا (۱۴۲۳ق)، *اصول الفقه*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، تهران: دار الکتب الاسلامیة.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۴)، *وها بیت بر سر دوراهی*، قم: مدرسه امام علی علیه السلام.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۴ق)، *کتاب النکاح*، قم: مدرسه امام علی علیه السلام.
- منتظری، حسین علی (۱۴۲۹ق)، *مجازات های اسلامی و حقوق بشر*، قم: ارغوان دانش.
- منتظری، حسین علی (۱۴۱۶ق)، *رسالة استفتائات*، قم: سایه.
- موسوی اردبیلی، عبدالکریم (۱۴۲۷ق)، *فقه الحدود و التعزیرات*، قم: مؤسسه المفید.

نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴ق)، *جواهر الکلام*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
 نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۳۴۸)، *معراج السعادة*، تهران: حوزه علمیه اسلامی.
 نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ق)، *مستدرک الوسائل*، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
 هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۴۲۶ق)، *فرهنگ فقه*، قم: مؤسسه دایرة المعارف فقه اسلامی.

Obstacles to Gratitude in Life from the Perspective of Islamic Texts*

Hassan Serajzadeh¹ 

1- Assistant Professor of Islamic Sciences and Culture Academy, Institute of
Family and Thology Qom, Iran.
h.serajzadeh@isca.ac.ir



Abstract

Among the forgotten virtues in Islamic society is gratitude towards God. While the Quran and Islamic traditions emphasize this moral virtue and describe its miraculous effects, they also strongly condemn and rebuke ingratitude. Reviving this moral virtue and utilizing it in life first requires overcoming its obstacles. The aim of this research is to examine Islamic texts to identify the obstacles that prevent people from expressing gratitude to God and living gratefully, thus depriving themselves of its remarkable effects in life. To achieve this goal, an analytical-descriptive method was used to analyze Islamic texts, particularly narrations, resulting in the classification of obstacles into two categories: internal and external. Among internal

*Cite this article: Serajzadeh, Hassan. (2024). Obstacles to Gratitude in Life from the Perspective of Islamic Texts, *Journal in Applied Ethics Studies*, 3(77), 133-163
<https://doi.org/10.22081/jf.2024.69665.1942>

▣ **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Isfahan, Iran). ***Type of article:** Research Article

▣ **Received:** 2024/08/06 • **Revised:** 2024/09/09 • **Accepted:** 2024/10/10 • **Published online:** 2025/05/28

obstacles, the most significant are "ignorance" and "heedlessness" of individuals, which can be related either to the "benefactor" or to the "blessing". The analysis of why ignorance and heedlessness regarding the "blessing" is an obstacle to gratitude revealed three causes from Islamic texts: "abundance of blessings," "comprehensive nature of blessings," and "trivializing the blessing." External obstacles include three main factors: "divine trial", "Satan" and "worldly attractions".

Keywords

Gratitude, Gratitude to God, Obstacles to Gratitude, Ingratitude, Moral Virtues, Moral Vices.



معوقات أداء الشكر في الحياة من منظار النصوص الإسلامية*

حسن سراجزاده^١

١- الأستاذ المساعد في قسم الأخلاق الاجتماعية، قسم الإلهيات والأسرة، معهد العلوم والثقافة الإسلامية - قم، إيران.

h.serajzadeh@isca.ac.ir



الملخص

من الفضائل المنسية في المجتمع الإسلامي شكر الله، وهذا على الرغم من أن في القرآن والأحاديث الإسلامية تأكيد كثير على أداء هذه الفضيلة الأخلاقية من ناحية، ومن ناحية أخرى، ذكرت لها أعمال معجزة. فغمرت النعمة مدان بشدة وقد نهى عنه. إحياء هذه الفضيلة الأخلاقية واستخدامها في الحياة يتطلب أولاً إزالة عوائقها. والغرض من هذا البحث هو دراسة النصوص الإسلامية لنعرف من هذا المنطلق ما هي المعوقات التي تجعل الناس يتجنبون شكر الله، ويتعدون عن عيش يصاحبه الشكر، ويحرمون أنفسهم من آثاره الرائعة في الحياة؟ ولتحقيق هذا الهدف تم تحليل النصوص الإسلامية، وخاصة النصوص الحديثية، باستخدام المنهج الوصفي التحليلي.

* **استشهد بهذه المقالة:** سراجزاده، حسن (١٤٠٣). معوقات أداء الشكر في الحياة من منظار النصوص الإسلامية. دراسات الأخلاق التطبيقية، ٣ (٧٧)، صص ١٣٣-١٦٣.

<https://doi.org/1022081/jf.2024.69665.1942>

□ نوع المقال: بحث؛ الناشر: مركز الدعوة الإسلامية في حوزة قم (معهد العلوم والثقافة الإسلامية، أصفهان، إيران) © المؤلفون

□ تاريخ الاستلام: ٢٠٢٤/٠٨/٠٦ • تاريخ التعديل: ٢٠٢٤/٠٩/٠٩ • تاريخ القبول: ٢٠٢٤/١٠/١٠ • تاريخ الإصدار: ٢٠٢٥/٠٥/٢٨



ونتيجة لهذه الدراسة تم تصنيف المعوقات إلى نوعين: داخلية وخارجية. أهم العوائق الداخلية هي "جهل" الإنسان و"غفلته"، وهذا الجهل والغفلة إما حيال "المنعم" أو قبال "النعمة". وفي تحليل أن الجهل والغفلة حيال النعمة لماذا يعدّان عائقين أمام أداء الشكر، تم الحصول على ثلاثة أسباب من النصوص الإسلامية: "كثرة النعم"، و"شمول النعم"، و"الاستهانة بالنعم". وأما العوائق الخارجية، فهي: "الاستدراج" و"الشيطان" و"مغريات الدنيا" كأهم العوائق.

الكلمات المفتاحية

أداء الشكر، شكر الله، عوائق الشكر، غمط النعمة، الفضائل الأخلاقية، الرذائل الأخلاقية.



موانع شکرگزاری در زندگی از منظر متون اسلامی*

حسن سراجزاده^۱

۱- استادیار گروه اخلاق اجتماعی، پژوهشکده الهیات و خانواده، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.

h.serajzadeh@isca.ac.ir

چکیده



موانع شکرگزاری در زندگی از منظر متون اسلامی

از جمله فضایل فراموش شده در جامعه اسلامی شکرگزاری خداوند می باشد. این در حالی است که در قرآن و روایات اسلامی، از سویی، بر انجام این فضیلت اخلاقی تأکید بسیار شده و آثار معجزه آسایی برای آن بر شمرده اند و از سوی دیگر، ناسپاسی به شدت سرزنش و از آن نهی شده است. احیای این فضیلت اخلاقی و بهره گیری از آن در زندگی، نخست نیازمند رفع موانع آن است. هدف از این پژوهش، بررسی متون اسلامی است تا مشخص شود از این منظر، چه موانعی موجب می شود انسانها از شکرگزاری خداوند و زیست شاکرانه اجتناب کرده و خود را از آثار شگفت آن در زندگی محروم سازند. برای رسیدن به این هدف، متون اسلامی به ویژه متون

* **استناد به این مقاله:** سراجزاده، حسن (۱۴۰۳). موانع شکرگزاری در زندگی از منظر متون اسلامی. مطالعات اخلاق کاربردی، ۳ (۷۷)، صص ۱۳۳-۱۶۳.

<https://doi.org/1022081/jf.2024.69665.1942>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، اصفهان، ایران) © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۱۶ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۶/۱۹ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۱۹ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۳/۰۷



روایی به روش توصیفی تحلیلی بررسی شدند. در نتیجه این بررسی، موانع به دو قسم درونی و بیرونی دسته‌بندی شدند. مهم‌ترین موانع درونی، «جهل» و «غفلت» آدمی مطرح شد که این جهل و غفلت یا در قبال «منعم» است یا در قبال «نعمت». در تحلیل اینکه چرا جهل و غفلت در قبال نعمت، مانعی برای شکرگزاری است، از متون اسلامی، سه علت «وفور نعمت»، «شمول نعمت» و «کوچک‌شمردن نعمت» به دست آمد. در موانع بیرونی نیز سه عامل «استدراج»، «شیطان» و «جاذبه‌های دنیا»، مهم‌ترین موانع برشمرده شدند.

کلیدواژه‌ها

شکرگزاری، شکرگزاری از خداوند، موانع شکرگزاری، ناسپاسی، فضایل اخلاقی، رذایل اخلاقی.



مقدمه

شکرگزاری، فرایندی است که با محوریت نعمت شکل می‌گیرد. این فرایند دارای سه بُعد و جنبه است: «نعمت‌دهنده (مُنْعِم)»، «نعمت» و «دریافت‌کننده نعمت (مُتَنَعِّم)». شکرگزاری زمانی امکان‌پذیر است که احساس کنیم و پی ببریم خداوند یا انسانی، چیز ارزشمند یا هدیه‌ای (نعمت) را به‌طور رایگان یا بدون اینکه ما برای به‌دست‌آوردنش تلاشی جدی کرده باشیم یا طلبکار او باشیم، در اختیار ما قرار داده و به ما می‌بخشد. در این حالت است که ما به‌عنوان گیرنده نعمت، به لحاظ عاطفی، از نعمت‌دهنده به‌خاطر نعمت و هدیه ارزشمندش، قدردانی و سپاس‌گزاری می‌کنیم. دریافت‌کننده نعمت بر دو قسم است؛ یا کسی است که قدرشناس است، به نعمت‌دهنده توجه دارد، وظایف خود را در قبال او انجام می‌دهد و از وی به‌طور قلبی، زبانی و عملی سپاس‌گزاری می‌کند که به او «شاکر» و سپاس‌گزار گویند یا کسی است که سپاس‌گزاری نمی‌کند، به نعمت‌دهنده توجهی ندارد، وظایف خود را آن‌گونه که باید در قبال او انجام نمی‌دهد و به‌طور قلبی، زبانی و عملی ناسپاسی او را می‌کند که به او «کفران‌کننده» و ناسپاس گویند.

اهمیت شکرگزاری خداوند به‌حدی است که خداوند در قرآن، تعداد اندکی از بندگانش را سپاس‌گزار خود معرفی می‌کند (سبأ، ۱؛ بقره، ۲۴۳؛ اعراف، ۱۰) و از شمار زیاد ناسپاسان به‌عنوان واقعیتهای تلخ یاد می‌کند (غافر، ۶۱؛ یونس، ۶۰؛ اعراف، ۱۷). این در حالی است که براساس آیات قرآن، با شکرگزاری، نعمت‌های انسان افزوده می‌شود (ابراهیم، ۷). همچنین، سپاس‌گزاری از خداوند، عاملی برای رهایی انسان از سختی‌ها و مشکلات است (قمر، ۳۴-۳۵).

شکرگزاری خداوند دارای آثار بسیار شگفتی در زندگی دنیا و آخرت انسان است. اما آیا با وجود چنین آثاری ممکن است موانعی انسان را از بهره‌مندی از این خصوصیت پسندیده و فضیلت اخلاقی در زندگی (آن‌گونه که شایسته است) بازدارد و در نتیجه، وی را از آثار شکرگزاری محروم سازد؟ همان‌گونه که هرکس





برای رسیدن به موفقیت در زندگی شغلی و علمی خود باید موانع موفقیت را بر طرف کند، در زمینه شکرگزاری نیز کسی که می‌خواهد از یک زندگی ایمانی و توحیدی برخوردار شود و وظایف اخلاقی خود را در برابر خداوند و نعمت‌های او به جای آورد، نخست باید موانع شکرگزاری را برطرف کند تا بتواند در شکرگزاری موفق شود. البته در زندگی مادی نیز برای بهره‌مندی از آثار مادی شکرگزاری همچون زیادی نعمت و نجات از مشکلات، باید نخست، موانع رسیدن به این موفقیت‌های مادی را برطرف کرد.

در آیات قرآن و روایات، تهدیدها و هشدارهای جدی برای ناسپاسی بیان شده است؛ برای نمونه، ناسپاسی هم موجب مجازات الهی است و هم موجب وبال و گرفتاری. قرآن درباره مجازات الهی ناسپاسی می‌فرماید: «لَنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ»؛ اگر شکر نعمت‌های مرا به جا آورید، من به‌طور قطع نعمت‌های شما را افزون می‌کنم و اگر ناسپاسی و کفران کنید، عذاب و مجازات من شدید است» (ابراهیم، ۷). علامه طباطبایی معتقد است این آیه مطلق است و دلیلی وجود ندارد که وعده به زیادی نعمت در صورت شکرگزاری، یا وعید و تهدید به عذاب در صورت کفران نعمت را تنها به دنیا یا تنها به آخرت اختصاص دهیم، بلکه هر دو را شامل می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۲، ص ۲۳). البته از برخی از روایات می‌توان استفاده کرد که مجازات کفران نعمت در همین دنیا به انسان می‌رسد؛ برای مثال، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «سه گناه، مجازاتش فوری است و به آخرت نمی‌افتد؛ اذیت و آزار والدین، ظلم به مردم، و ناسپاسی در قبال احسان» (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۲۳۷).

همچنین از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل است که فرمود: «سریع‌ترین مجازات در میان گناهان، مجازات کفران نعمت است» (ابن‌بابویه، ۱۳۷۶، ص ۴۵۰). سرعت در مجازات ناسپاسی می‌تواند به معنای مجازات در این دنیا باشد. در آیات دیگر قرآن، به برخی از مجازات‌ها (به‌ویژه مجازات دنیوی) برای ناسپاسان اشاره شده است؛ مانند



گرسنگی و ترس (نحل، ۱۱۲)، نابودی سرزمین آباد و گرفتارشدن به نعمت (سبأ، ۱۵ و ۱۷) و هلاکت و نابودی (انفال، ۵۴).

درباره گرفتاری و وبال برای ناسپاسان نیز در روایتی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم: «خداوند به گروهی نعمت‌هایی داد، اما آنان شکرش را به جای نیاوردند؛ در نتیجه، آن نعمت‌ها وبال و موجب گرفتاری آن‌ها شد و به گروهی مصیبت داد، اما صبر نمودند؛ در نتیجه، مصیبت‌ها به نعمت تبدیل شد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۹۲).

براین اساس، بخشی از سختی‌ها و گرفتاری‌ها و مشکلات اقتصادی و روحی مردم به موضوع ناسپاسی بازگردد. گاهی با کسانی روبه‌رو می‌شویم که روحیه ناسپاسی در آن‌ها وجود دارد و بدون توجه به انبوهی از داشته‌ها، احساس نارضایتی، کمبود، ناخوشی و سختی و گرفتاری می‌کنند و قدردان نعمت‌های خداوند نیستند؛ در نتیجه، این نعمت‌ها از دستشان می‌رود. اگر خداوند به فرد یا خانواده‌ای نعمت سلامت و عافیت و آرامش بدهد و آن‌ها قدر این نعمت را ندانند و سلامت و آرامش خود را به جای آنکه در راه طاعت الهی به کار گیرند، در راه معصیت خداوند صرف کنند، چه بسا خداوند (براساس آیه ۷ سوره ابراهیم) برای عقوبت و عذاب آنان، مدتی این نعمت را از آنان بگیرد و آن‌ها را به بیماری و گرفتاری دچار کند تا شاید شکرگزار و قدردان آن نعمت شوند.

شکرگزاری خداوند، آثار بسیار مثبت و شگفتی در زندگی انسان دارد و در مقابل، ترک شکرگزاری و ناسپاسی، آثار بسیار بدی همچون عذاب الهی و از بین رفتن نعمت‌ها و وبال شدن نعمت‌ها به دنبال دارد. همچنین، بخش قابل توجهی از مردم، از فضیلت اخلاقی سپاس‌گزاری محروم و دارای روحیه ناسپاسی هستند و در نتیجه، به جای فزونی نعمت، با زوال نعمت روبه‌رو می‌شوند؛ بنابراین لازم است با بهره‌گیری از سرچشمه زلال معارف اسلامی و از منظر متون اسلامی (قرآن و روایات)، موانعی که موجب می‌شود انسان، سپاس‌گزاری خداوند را ترک



کند و در زمره ناسپاسان قرار گیرد، شناسایی کرد تا بتوان خود را از عذاب‌ها و گرفتاری‌ها و نگرانی‌های ناشی از ناسپاسی نجات داد و با آراسته‌شدن به فضیلت شکرگزاری، از آثار و برکات آن در زندگی بهره‌مند شد. براین اساس، سؤال اصلی پژوهش این است که از منظر متون اسلامی، برای شکرگزاری از خداوند چه موانعی وجود دارد؟ به سخن دیگر، از منظر متون اسلامی، برای داشتن زندگی مبتنی بر شکرگزاری و زیست شاکرانه چه موانعی وجود دارد؟ روشن است با برطرف کردن این موانع، ضمن زمینه‌سازی برای آراسته‌شدن به این فضیلت اخلاقی و بهره‌گیری از آثار مادی و معنوی آن، می‌توان از رذیله اخلاقی ناسپاسی و آثار زیان‌بارش پیراسته شد.

پیشینه پژوهش

آثار مختلفی در زمینه شکرگزاری نوشته شده است؛ اما در این پژوهش‌ها به موضوع «موانع» شکرگزاری توجه چندانی نشده است؛ برای نمونه، در برخی از نوشته‌ها به معناشناسی شکر پرداخته‌اند؛ مانند پایان‌نامه «معناشناسی شکر در قرآن کریم با تأکید بر حوزه‌های معنایی» از درویشی (۱۳۶۴) و مقالات «حوزه معنایی شکر در قرآن کریم» از مصلائی‌پور و تاجیک (۱۳۹۳) و «تحلیل زبان‌شناختی واژه‌های حمد و شکر در آیات قرآن کریم بر پایه الگوی ارتباطی یا کوبسن و رده‌بندی کولماس» از یعقوبی و همکاران (۱۳۹۷).

در برخی از پژوهش‌ها نیز آثار و مبانی شکرگزاری مورد توجه قرار گرفته است؛ مانند پایان‌نامه‌های «تأثیر شکر و کفران نعمت در سعادت و شقاوت انسان از دیدگاه قرآن کریم» از حسین‌زاده (۱۳۹۶)، «شکر و آرامش انسان در آیات و روایات» از حیدری (۱۳۹۵)، «شکرگزاری و آثار آن از دیدگاه قرآن و حدیث» از شعبانی‌زاده (۱۳۸۹)، «تبیین مبانی شکر و سپاس و پیامدهای تربیتی آن از دیدگاه اسلام» از صحراگرد (۱۳۹۴)، «واکاوی شکرگزاری، مبانی نظری و شاخص‌های آن در قرآن و



حدیث» از درویش (۱۳۹۴) و «بررسی تطبیقی شکرگزاری در قرآن کریم و بوستان سعدی» از ساسانی (۱۳۹۷).

در زمینه ناسپاسی نیز مطالعاتی صورت گرفته که عمدتاً بر پیامدها و آثار ناسپاسی تکیه داشته یا به بررسی تطبیقی میان قرآن و آثار ادبی یا عرفانی پرداخته و کمتر از دیدگاه متون اسلامی به‌ویژه روایات معصومین علیهم‌السلام، این موضوع را بررسی کرده‌اند؛ مانند مقالات «تحلیلی بر نعمت‌های بنی اسرائیل و پیامدهای ناسپاسی آن» از قوی و میراحمدی (۱۳۹۶)، «بررسی تطبیقی شکر و کفران نعمت در قرآن و مثنوی معنوی» از رجبی و همکاران (۱۴۰۱)، «ناسپاسی و کفران نعمت از منظر عرفا (با تکیه بر آثار عطار، مولوی و حافظ)» از محمودی و قربانی (۱۳۹۳)، «بازتاب ناسپاسی و کفران نعمت در تمثیل‌های عرفانی» از محمودی و قربانی (۱۳۹۵)، «تحلیل شکر و ناسپاسی در متون عرفانی با تکیه بر مثنوی عمدة الاشعار» از قربانی و یلمه‌ها (۱۳۹۵). نوآوری این پژوهش، اولاً در پرکردن خلأ معرفتی و کاربردی در زمینه شکرگزاری است. در بحث شکرگزاری معمولاً از چیستی، چرایی، چگونگی، مبانی و آثار شکرگزاری سخن گفته شده؛ اما از موانع شکرگزاری که مقدمه و پیش‌نیاز شکرگزاری است، بحث جامعی انجام نشده است. ثانیاً در بررسی موانع، به‌جای تمرکز بر متون ادبی و عرفانی، از منظر متون اسلامی به‌ویژه روایات معصومین علیهم‌السلام بهره گرفته شده است. ثالثاً این پژوهش و نتایج حاصل از عمل به آموزه‌های آن، زمینه‌ساز احیای یکی از فضیلت‌های فراموش شده در جامعه و پاسخ به یکی از نیازهای امروز زندگی، یعنی شکرگزاری و توجه بیشتر به داشته‌ها (به‌جای توجه به نداشته‌ها و کمبودها) و همچنین، فراهم شدن امکانی برای رفع کردن یکی از رذایل اخلاقی به‌نام ناسپاسی است.

با توجه به آنچه گذشت، این پژوهش درصدد است با روش توصیفی تحلیلی و بررسی متون اسلامی به‌ویژه روایات معصومین علیهم‌السلام، موانع شکرگزاری از خداوند در زندگی را بررسی و تحلیل کند.



۱. موانع شکرگزاری از خداوند

مردم بیشتر به علت وجود دو مانع عمده از شکرگزاری خداوند بازمی‌مانند؛ یکی، موانع جهل و ناآگاهی و دیگری، موانع غفلت و فراموشی (غزالی، بی‌تا، ج ۴، ص ۳۸۸؛ فیض، ۱۴۳۰ق، ج ۷، ص ۱۵۲)؛ چراکه شکر نعمت، زمانی صورت می‌گیرد که اولاً آدمی به وجود نعمت آگاهی داشته باشد و ثانیاً او را غفلت یا فراموشی فرا نگرفته باشد.

مانع نخست یعنی جهل و ناآگاهی بر سه قسم است؛ یا جهل به «منعم» است یا جهل به «نعمت» است یا جهل به «حقیقت شکر» است (نراقی، ۱۴۲۷ق، ج ۳، ص ۶۳۳)؛ برای مثال، کسی که حقیقت شکرگزاری را نداند، گمان می‌کند حقیقت شکر این است که در مواجهه با نعمت‌ها تنها به زبان شکرگزار باشد و بگوید «الحمد لله» یا «شکراً لله»، در حالی که حقیقت شکر، با شکر عملی محقق می‌شود؛ به این شکل که انسان با هر نعمتی روبه‌رو می‌شود، بررسی کند خداوند حکیم، این نعمت را برای چه هدف و مقصودی آفریده و در اختیار او قرار داده است. در این صورت، متوجه می‌شود که خداوند، این نعمت‌ها را در اختیارش قرار داده است تا به واسطه آن‌ها فرمانبرداری و بندگی خدا را بکند و بدین وسیله، به مقام رضا و قرب خداوند نائل شود.

مانع دوم یعنی غفلت انسان نیز بر دو گونه است؛ یکی، غفلتی که ناشی از غلبه شهوت است و دیگری، غفلتی که ناشی از استیلای شیطان است (نراقی، ۱۴۲۷ق، ج ۳، ص ۶۳۳؛ مجتبوی، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۳۴۱). غفلت ناشی از شهوت و استیلای شیطان موجب می‌شود آدمی شکر خداوند را به جا نیاورد یا در شکرگزاری کوتاهی کند.

با توجه به دو مانع جهل و غفلت، در تقسیم‌بندی دیگری می‌توان موانع سپاس‌گزاری را به دو گونه موانع درونی و موانع بیرونی تقسیم کرد. موانع درونی شامل دو مورد است: الف) جهل و غفلت در قبال منعم؛ ب) جهل و غفلت در قبال

نعمت. موانع بیرونی نیز شامل سه مورد است: الف) استدراج؛ ب) استیلاي شیطان؛ ج) جاذبه‌های دنیوی. در ادامه، با توجه به این تقسیم‌بندی دربارهٔ موانع شکرگزاری از خداوند سخن گفته می‌شود.

۱.۱. موانع درونی شکرگزاری

مراد از موانع درونی شکرگزاری، موانعی در روح و ذهن و اندیشه است که با برطرف کردن آنها می‌توان در زمرهٔ شکرگزاران خداوند قرار گرفت. این موانع شامل جهل و غفلت در قبال منعم و جهل و غفلت در قبال نعمت است که در دو قسمت زیر بررسی می‌شوند.

۱.۱.۱. جهل و غفلت در قبال منعم

خداوند بزرگ، از سر فضل و کرم، نعمت‌های بی‌شماری به انسان‌ها عطا کرده و از آنها خواسته شکر او را به جای آورند. در تعریف شکر گفته شده که شکرگزاری یعنی شناخت اینکه همهٔ نعمت‌هایی که انسان دارد از خداوند است و از این‌رو، خداوند را سپاس گوید و نعمت‌هایش را در راه محبت و رضای خداوند به کار گیرد (نراقی، ۱۴۲۷ق، ج ۳، ص ۳۱۵)؛ بنابراین یکی از ارکان شکرگزاری این است که انسان همهٔ نعمت‌ها را از خدا بداند. عده‌ای ممکن است نعمت‌هایی را که در زندگی دارند، از خود یا خانوادهٔ خود بدانند که این موجب غفلت از خدا و شکرگزاری او و چه بسا غرور و تکبر در برابر دیگران شود؛ از این‌رو، انسان باید نعمت‌ها را چه مستقیم و چه غیرمستقیم از خداوند بداند تا در زمرهٔ شاکران واقعی خدا قرار گیرد.

همهٔ کسانی که شاکر واقعی خدا هستند و خداوند در قرآن از آنها ستایش کرده است، نعمت‌ها را از ناحیهٔ خداوند می‌بینند. در مقابل، کسانی که شاکر خداوند نیستند، نعمت‌ها را از ناحیهٔ خود و منسوب به علم و قدرت و تلاش خود می‌دانند.





برای نمونه، حضرت سلیمان علیه السلام که به لحاظ نعمت‌ها و قدرت‌های ظاهری و دنیوی نظیری نداشته است، همه امکانات مادی و موقعیت‌های اجتماعی خود را از فضل و لطف خداوند می‌دانست و معتقد بود این نعمت‌ها به‌عنوان آزمایش الهی در اختیار او قرار گرفته‌اند. اینکه انسان به نعمت‌ها و داشته‌های خود، نگاه آزمایش و ابتلای الهی داشته باشد، می‌تواند آدمی را از غفلت از خداوند یا جهل به او، به‌عنوان نعمت‌بخش و منعم واقعی، رها سازد. قرآن درباره حضرت سلیمان علیه السلام می‌فرماید: «کسی که دانشی از کتاب [آسمانی] داشت گفت من آن [تخت ملکه سبا] را پیش از آنکه چشم بر هم زنی، نزد تو خواهم آورد و هنگامی که [سلیمان] آن را نزد خود مستقر دید، گفت: این از فضل پروردگار من است تا مرا آزمایش کند که آیا شکر او را به جا می‌آورم یا کفران می‌کنم و کسی که شکر نعمت خدا کند، پس همانا شکر برای خودش و به نفع خود کرده است و کسی که کفران ورزد، پس همانا پروردگار من غنی و کریم است» (نمل، ۴۰).

در مقابل، دنیاپرستانی همچون قارون، وقتی به قدرت و نعمتی می‌رسند، همه چیز از جمله خداوند را فراموش می‌کنند و از این رو، قدرت و ثروت خود را محصول دانش اقتصادی و کوشش‌های خود می‌دانند و می‌گویند: ﴿إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِندِي﴾؛ [قارون] گفت این ثروت را به‌وسیله دانشی که نزد من است، به دست آورده‌ام» (قصص، ۷۸). حضرت سلیمان، همه نعمت‌ها را از ناحیه خداوند دانسته و می‌گوید: ﴿هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي﴾؛ این از فضل پروردگار من است» (نمل، ۴۰). ایشان افزون بر این جمله که هنگام مشاهده تخت ملکه سبا در برابر خود به زبان آورد، به نکته مهم دیگری نیز اشاره می‌کند و آن این است که این قدرت و امکانات و نعمت‌ها برای من نیست، بلکه امانتی در دست من است و خداوند مرا بدین وسیله می‌آزماید که آیا شکر گزار او هستم و نعمت‌ها را در راه رضای او به کار می‌گیرم یا نه.

در آیات ۱۸ و ۱۹ سوره نمل نیز از حضرت سلیمان نقل شده که ایشان همه نعمت‌ها را از خدا دانسته و از او توفیق شکرگزاری درخواست می‌کند. وقتی



حضرت با لشکریانش به سرزمین مورچگان وارد شد و سخن مورچه‌ای را شنید که می‌گفت: «ای مورچگان، داخل لانه‌های خود شوید تا سلیمان و لشکریانش شما را پایمال نکنند، در حالی که نمی‌فهمند»، به درگاه خدا رو کرد و از او چند چیز خواست: نخست، پروردگارا، راه و رسم شکرگزاری از نعمت‌هایی را که بر من و پدر و مادرم ارزانی داشته‌ای به من الهام فرما ﴿وَقَالَ رَبُّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ﴾ تا بتوانم نعمت‌های عظیمت را در راهی که تو فرمان داده‌ای و مایه خشنودی توست به کار گیرم و از مسیر حق منحرف نگردم؛ چراکه ادای شکر این همه نعمت جز به مدد و یاری تو ممکن نیست (حضرت با تعبیر «نِعْمَتُكَ وَ أَنْعَمْتَ عَلَيَّ» همه این نعمت‌ها را از ناحیه خداوند می‌داند). دوم: مرا موفق دار تا (شکر عملی این نعمت‌ها را با) عمل صالحی به جای آورم که تو از آن خشنود می‌شوی (وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ). مهم این است که بتوانم از این نعمت‌ها رضایت تو را کسب کنم.

بنابراین، کسانی که احیاناً از امکانات مالی زیاد یا موقعیت اجتماعی خوب برخوردار هستند، اگر این پیامبر بزرگ را الگوی رفتاری خود قرار دهند و بدانند هرچه از امکانات مالی و دنیوی و موقعیت‌های اجتماعی و سیاسی برخوردار باشند به اندازه ایشان ندارند، همه داشته‌های خود را از خداوند می‌دانند و به شکرگزاری خداوند مشغول می‌شوند.

۱. ۲. ۱. جهل و غفلت در قبال نعمت

یکی دیگر از موانع شکرگزاری، جهل به نعمت است. امام حسن عسکری علیه السلام می‌فرماید: «فقط کسی که نعمت‌شناس باشد می‌تواند سپاس نعمت را بگوید و نعمت را جز کسی که عارف و آگاه به آن باشد، شکر نمی‌گزارد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵، ص ۳۷۸). جهل به نعمت یا به علت وسعت و زیادی نعمت‌های الهی است (و فور نعمت) یا به علت عمومیت و همیشگی بودن نعمت‌های الهی (شمول و دوام



نعمت) (غزالی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۳۷۹) و یا به علت کوچک شمردن نعمت. به سخن دیگر، می توان گفت از موانع شکرگزاری، یکی جهل و غفلت ناشی از وفور نعمت، دیگری، جهل و غفلت ناشی از شمول نعمت و سوم، جهل و غفلت ناشی از کوچک شمردن نعمت است. در ادامه، به هریک پرداخته می شود.

الف. جهل و غفلت ناشی از وفور نعمت: نعمت های الهی بر انسان آن قدر زیاد است که نمی توان آن ها را شمرد و انسان به چیزی که قابل شمارش نباشد، جهل دارد و نمی تواند شکرگزاری این نعمت های بی پایان را به جا آورد؛ لذا خداوند در قرآن فرمود: ﴿وَإِنْ تَعَدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا﴾ (ابراهیم، ۳۴؛ نحل، ۱۸). امام سجاد علیه السلام نیز در «مناجات شاکرین»، وفور نعمت های الهی را مانع شکرگزاری خداوند بیان کرده است: ﴿إِلَهِي... أَعْجَزَنِي عَنْ إِحْصَاءِ ثَنَائِكَ فَيُضْ فَضْلِكَ﴾؛ خدایا... فراوانی فضل و بخششت، مرا از مدح و ستایش عاجز ساخته است... این است جایگاه کسی که به وفور نعمت های تو و در برابر آن، به کوتاهی خود اعتراف دارد و علیه خود به سستی در بندگی و هدر دادن نعمت ها گواهی می دهد» (مجلسی، ۱۴۲۳ق، ص ۴۱۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۱، ص ۱۴۱). در بسیاری از مواقع، غفلت یا جهل در قبال نعمت ها موجب ترک شکرگزاری یا کوتاهی در شکرگزاری می شود؛ چرا که شمار این نعمت ها زیاد است و به وفور در اختیار انسان هستند.

اگر کوچک ترین نعمت های الهی را تصور کنید، میلیون ها نعمت در او مندرج است؛ برای مثال، یک قرص نانی را که انسان سر سفره تناول می کند تصوّر کنید که این گندم از زمان حضرت آدم تاکنون، چقدر کشاورز زحمت کشیده و گندم را پی در پی کشت کرده تا اکنون و در این زمان به دست ما رسیده است. چقدر باران باریده، آفتاب تابیده تا این دانه گندم به وجود آمده و چه مقدار تصرفات در او شده تا درب مغازه نانوانی قرار گرفته است. چقدر این گندم توسط افراد مختلف دست به دست شده [از کشاورز که کاشته، دروکنندگان، انتقال دهندگان گندم به



سیلو، آسیاب کنندگان، ناظران بهداشت، رانندگان و کارگران حمل کننده آرد به نانوايي، کارگران مختلف در نانوايي تا کسانی که این نان را خریده و سر سفره قرار داده اند] تا شما بتوانید آن را استفاده کنید. پس از استفاده از این نان نیز خداوند چه اندازه وسایل فراهم فرموده؛ از دست و زبان و دهان و دندان و حلق و امعاء و سایر اجزاء داخل بدن و چه اندازه قوا در بدن قرار داده؛ مثل قوه جاذبه، هاضمه و ماسکه تا این یک قرص نان چند قسمت شده و به تمام اعضاء بدن سهمی رسیده، از ناخن تا فرق سر، تا بتواند این تکه نان، خون، گوشت، استخوان و دیگر اعضا شده و تازه پس از هضمش، فضولاتش با چه وسایلی دفع می شود. این تازه یک قرص نان و یک نعمت کوچک است، چه برسد به سایر نعمت های ظاهریه و باطنیه، سماویه و ارضیه، دینیه و دنیویه، جسمانیه و روحانیه، اخلاقیه و افعالیه، قلبیه و نفسیه و غیر این ها (طیب، ۱۳۶۹، ج ۸، ص ۹۶).

بنابراین، وقتی انسان با انبوهی از نعمت هایی مواجه می شود که به راحتی، قابل شمارش نیستند، چه بسا از آن ها غفلت کرده، آن ها را نعمت نشمارد، خدای بزرگ را فراموش کند و سپاس گزار او نباشد یا آن گونه که شایسته است، شکرگزاری نکند.

ب. **جهل و غفلت ناشی از شمول و دوام نعمت:** برخی از نعمت ها را می توان به شماره آورد؛ اما از بس این نعمت ها عام و فراگیر یا همیشگی اند و پی در پی می رسند و برای همه و در همه حالات هستند، انسان از آن ها غافل می شود و ممکن است این نعمت های عام را اصلاً نعمت نشمارد و به خاطر آن ها شکرگزاری نکند؛ به ویژه که او به این نعمت ها عادت کرده و تصور می کند همیشه باید باشند. اما زمانی که این نعمت ها را از دست بدهد، تازه قدر آن ها را می فهمد و درمی یابد که چه نعمت های بزرگی بوده اند. اصلاً اگر بخواهیم نام نعمت بر چیزی بگذاریم، باید به این نعمت ها، نعمت بگوییم؛ مثل نعمت هوا (اکسیژن)، نعمت آب، نعمت نور خورشید، نعمت سلامت، نعمت امنیت و نعمت گوش و چشم و دیگر اعضا و جوارح بدن. این



نعمت‌ها را می‌توان به نام برشمرد؛ اما از بس برای همه افراد و در حد زیاد وجود دارند یا به لحاظ زمانی همواره تداوم دارند و منقطع نمی‌شوند، از نعمت بودن آن‌ها غفلت می‌شود. امام‌زین‌العابدین (علیه‌السلام) در مناجات شاکرین، همیشگی بودن و پیوستگی نعمت‌ها را مانع شکرگزاری خداوند می‌داند: «إِلَهِي أَذْهَلَنِي عَنْ إِقَامَةِ شُكْرِكَ تَتَابِعُ طَوْلِكَ... وَ شَعَلَنِي عَنْ ذِكْرِ مَحَامِدِكَ تَرَادُفُ عَوَائِدِكَ وَ أَعْيَانِي عَنْ نَشْرِ عَوَارِفِكَ تَوَالِي أَيَادِيكَ؛ خدایا پیایی آمدن نعمت‌های طولانی‌مدت، برپاداشتن سپاست را از یاد من برده است... و در پی هم آمدن احسانت مرا از حمد تو و یاد کردن نیکی‌هایت باز داشته است و پشت سر هم رسیدن نعمت‌هایت مرا از نشر و گسترش خوبی‌هایت درمانده کرده است» (مجلسی، ۱۴۲۳ق، ص ۴۱۱).

افراد زیادی هستند که یا فقط نعمت مال و ثروت و دارایی‌ها را نعمت می‌دانند یا نعمت‌هایی را که به خودشان اختصاص داشته باشد و دیگران آن را ندارند، نعمت می‌شمردند، نه نعمت‌های عام و گسترده‌ای که نزد همه هست یا همیشه یا اکثر مواقع برای انسان تداوم دارد. زمانی نعمت بودن این نعمت‌های عام یا همیشگی برای چنین کسانی معلوم می‌شود که این نعمت‌ها از آنان گرفته شود و احیاناً دوباره به آن‌ها داده شود؛ برای نمونه، نعمت آب که بسیاری، از نعمت بودن آن غافل‌اند، به وقت تشنگی، ارزشمندتر از پادشاهی بر همه زمین است. نقل است که «ابن سَمَّاک بر یکی از خلفا وارد شد، در حالی که خلیفه کوزه آبی در دست داشت و از آن می‌آشامید. خلیفه به او گفت: مرا موعظه‌ای کن. پاسخ داد: اگر این شربت آب را به تو ندهند جز به اینکه همه اموالت را بدهی، آیا اموالت را می‌دهی؟ پاسخ داد: آری. گفت: اگر شربت آب را به تو ندهند جز به اینکه همه مملکت خود را بدهی، آیا پادشاهی را رها می‌کنی؟ پاسخ داد: آری. گفت: پس به سلطنتی که به شربت آبی نمی‌ارزد، شادمان مباش» (فیض کاشانی، ۱۴۳۰ق، ج ۷، ص ۱۵۳؛ عارف، ۱۳۸۷، ج ۷، ص ۲۷۳). آری، نعمت آب، به علت اینکه برای همیشه همه هست، از نعمت‌های مغفولی است که تا انسان آن را از دست ندهد، قدرشناس آن نیست.



درباره نعمت‌های عام دیگری مثل سلامت، امنیت و فراغ خاطر و نداشتن نگرانی و گرفتاری نیز روایاتی وجود دارد که در آنها، این نعمت‌ها را پوشیده و ناشناخته نامیده‌اند؛ مثل روایتی که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است: «امنیت و عافیت، دو نعمتی است که [قدر و ارزش آنها تا برای شخصی وجود دارد] پوشیده‌اند [تنها زمانی که از بین بروند، قدرشان معلوم شود]» (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۳۴). در روایتی دیگر، آن حضرت می‌فرماید: «تندرستی و فراغ خاطر، دو نعمت پوشیده و ناشناخته‌اند» (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۳۸۱). همچنین، رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره اهمیت سه نعمت بزرگ امنیت، عافیت و غذای روزانه فرمود: «هر کس شب را به روز آورد، به‌طوری که مالش از شر مردم ایمن باشد، بدنش سالم باشد و معاش و غذای آن روز را داشته باشد، گویی همه دنیا از آن او و در اختیار اوست» (امام صادق علیه السلام، ۱۴۰۰، ص ۱۱۵). این درحالی است که «اگر در حالات مردم بررسی و دقت کنی، می‌بینی که شکایت ایشان از چیزهایی غیر از این سه نعمت امنیت، عافیت و معاش روزانه است، با اینکه آنها رنج و وبال ایشان است. بلکه اگر برای انسان جز نعمت ایمان، نعمتی نبود که به‌وسیله آن به نعمت و آسایش پایدار و دارایی عظیم برسد، سزاوار بود آن نعمت را بزرگ شمارد و عمر خود را در شکرگزاری آن صرف کند. بلکه عاقل نباید به چیزی جز نعمت معرفت و یقین و ایمان، شاد گردد» (نراقی، ۱۴۲۷، ج ۳، ص ۶۳۳)؛ لذا باید نعمت‌های عام مادی و نعمت‌های معنوی را در نظر آورد و با توجه کردن به نقش آنها در حیات دنیوی و اخروی، همیشه شکرگزار خداوند بود.

فرد آگاه و عاقل، کسی است که به نقش این نعمت‌ها در زندگی توجه دارد و به شکرگزاری برای آنها مشغول می‌شود. چنین کسی این گونه نیست که وقتی این نعمت‌ها را از دست بدهد و دچار گرفتاری شود، تازه بفهمد چه نعمتی را از دست داده است. به گفته غزالی، اینکه کسی اول به گرفتاری‌ها دچار و سپس نجات یابد تا خدا را شکر گوید، ناشی از نهایت جهل اوست؛ زیرا شکرگزاری چنین کسی منوط



به این است که در بعضی از احوال، نعمت از او سلب و سپس به وی برگردانده شود. این در حالی است که شکرگزاری برای نعمتی که در همه احوال استمرار دارد، از نعمتی که در بعضی از حالات برقرار است، سزاوارتر است. معمولاً شخص بینایی را نمی‌بینیم که به خاطر نعمت بینایی خود شکرگزار باشد؛ اما اگر کور شود و پس از مدتی دوباره بینایی‌اش را به دست آورد، قدر نعمت بینایی را می‌فهمد و شکر می‌گوید. به عبارت دیگر، چون رحمت خدا گسترده است و همه خلایق را فرا گرفته و در همه احوال، این رحمت و نعمت‌ها بر خلایق سایه افکنده است، جاهل آن‌ها را نعمت نمی‌شمارد. چنین کسی مانند بنده بدی است که اگر مولایش پیوسته او را نزنند، گردنکشی کرده و سپاس‌گزاری از مولایش را ترک می‌کند؛ اما اگر در بیشتر اوقات او را بزند و ساعتی او را نزنند، سپاس‌گزار مولا و آقای خود می‌شود (غزالی، بی‌تا، ج ۴، ص ۳۸۸). سزاوار است چنین فرد ناسپاسی را پیوسته بزنند تا اگر ساعتی از زدنش دست بازدارند، آن را متنی بر خود بشمارد؛ چراکه اگر به کلی از زدن او دست بردارند، سرمست می‌شود و شکرگزاری را ترک می‌کند.

ج. **جهل و غفلت ناشی از کوچک‌شمردن نعمت:** بعضی از انسان‌ها ممکن است به افرادی که از نعمت‌های بیشتری برخوردارند، نگاه کنند و نعمت‌های آنان را مورد توجه قرار دهند و در مقابل، از نعمت‌هایی که خداوند به خودشان داده است، غفلت کنند و آن‌ها را ناچیز یا نادیده بگیرند و از این رو، مرتکب ناشکری یا کوتاهی در شکرگزاری شوند. در واقع، با مقایسه نادرست نعمت‌هایی که دیگران دارند با نعمت‌های خود، داشته‌های خود را کوچک می‌شمارند و در نتیجه، از نعمت‌های الهی غافل می‌شوند. البته مقایسه کردن، امری ذهنی است و چه بسا در مواردی در اختیار ما نباشد؛ اما در بسیاری از موارد، در اختیار ماست و باید از مقایسه‌هایی که به حس شکرگزاری آسیب می‌رساند، اجتناب کرد. به گفته رابرت امونز^۱:

1. Robert E. Emmons



ذهن ما همچون ماشین مقایسه کننده است. ما همواره مقایسه‌های فراوانی در زندگی داریم؛ اما بعضی از مقایسه‌ها به شالوده احساس سپاس‌گزاری ما آسیب می‌زنند و برای ما زیان‌بار هستند. در نظر بگیرید ما به عده‌ای از انسان‌های پیرامونمان حسادت بورزیم که موقعیت آن‌ها در ظاهر بسیار بهتر از موقعیت ما به نظر می‌رسد. در این مواقع، ممکن است با خودمان این گونه بیندیشیم که «چنین موقعیتی، در واقع، حق من بوده است». این مقایسه به‌راستی به شالوده احساس سپاس‌گزاری ما آسیب می‌رساند و آن را سست می‌کند. در حالی که مقایسه وارونه می‌تواند احساس سپاس‌گزاری را در ما زنده کند؛ یعنی مقایسه کنیم که ما نعمت‌های دیگری داریم که دیگران ندارند (امونز، ۱۳۹۶، ص ۵۴).

رسول مکرم اسلام ﷺ در روایتی، به انسان‌ها هشدار داده و از ایشان خواسته است نعمت‌های دیگران موجب نشود نعمت‌هایی را که خدا به خودشان داده است، نادیده بگیرند و از شکر خدا غافل شوند. به گفته ایشان، «خداوند متعال فرمود: ای فرزند آدم، گناه دیگران، تو را از گناه خودت غافل نکند [یعنی فکر نکن که آن‌ها گناهکارند و تو نیستی] و همین‌طور، نعمت‌هایی که مردم دارند، تو را از نعمت خداوند بر خودت غافل نکند [یعنی فکر نکنی که خداوند تنها به آن‌ها نعمت داده، بلکه به تو هم نعمت‌های دیگری داده است]» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۹).

امام صادق (ع) نیز چنین هشدار داده و یکی از آسیب‌های مقایسه خود با دیگران را موجب کاهش شکرگزاری دانسته‌اند: «برحذر باشید از اینکه نگاه طولانی خود را به آنچه در دست فرزندان دنیاست متوجه کنید؛ پس کسی که نگاهش را به فرزندان دنیا طولانی کند [و خود را با آنان مقایسه کند]، غم و اندوه او طولانی خواهد شد و خشمش فرو نخواهد نشست و نعمت‌هایی را که از خداوند در نزدش هست، کوچک خواهد شمرد و در نتیجه، شکرگزاری او برای خداوند متعال کم خواهد شد. همواره به کسی نگاه کن که نصیبت از نعمت‌های الهی، کمتر از



توست؛ زیرا اگر چنین کنی، شکر نعمت‌های موجود را به جای آورده‌ای و برای افزایش نعمت‌های خداوند، شایستگی پیدا می‌کنی و قرارگاه عطیۀ الهی خواهی شد (عدّة من الرواة، ۱۴۰۵ق، ص ۵۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۲، ص ۳۶۷).

۲.۱. موانع بیرونی شکرگزاری

مراد از موانع بیرونی شکرگزاری، موانعی است که موجب می‌شود انسان تحت تأثیر عوامل بیرون از خود و بی‌ارتباط با ذهن و درون، از انجام شکرگزاری خداوند بازماند یا سپاس خداوند را آن‌گونه که باید به جای نیاورد. این موانع بیرونی بر چند قسم هستند که در اینجا به سه قسم از آن، یعنی استدراج، شیطان و جاذبه‌های دنیا اشاره می‌شود.

۱.۲.۱. استدراج

یکی از موانع بیرونی شکرگزاری، استدراج یا فزونی و پی‌درپی آمدن نعمت‌های دنیا برای انسان گناهکار است. گاهی خداوند به کسی که نعمت‌های الهی را در مسیر گناه و نافرمانی‌اش به کار می‌برد، پی‌درپی نعمت می‌دهد تا غفلت او را فرا گیرد، توفیق شکرگزاری به‌ویژه شکر عملی از او سلب شود و به ناسپاسی روی آورد. به او برای بازگشت از گناه، مهلت داده می‌شود تا زمانی که به اوج ناسپاسی برسد؛ در این هنگام، ناگهان خداوند او را مجازات می‌کند و نعمت‌هایش را از او می‌ستانند. امام حسین علیه السلام، ضمن بیان تعریفی از استدراج، یکی از موانع سپاس‌گزاری را استدراج معرفی کرده و می‌فرماید: «استدراج از ناحیۀ خداوند این است که به بنده‌اش نعمت فراوان می‌دهد و توفیق شکرگزاری را او سلب می‌کند» (حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۴۶). در واقع، سلب توفیق شکرگزاری، مقدمۀ مجازاتی است که شخص بر اثر گناه و به عبارتی، ناسپاسی و استفاده از این نعمت‌ها در مسیر نافرمانی خداوند، مستحق آن می‌شود. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:



هرگاه خدای متعال برای بنده‌ای بد بخواهد، پس از انجام گناه، به او نعمتی می‌بخشد تا استغفار را فراموش کند و همین‌طور، خداوند پیوسته به او نعمت می‌دهد و این [فزون‌ی نعمت پس از گناه و شکرگزاری نکردن] همان استدارجی است که خدای متعال می‌فرماید: «اندک اندک آنان را از جایی که نمی‌دانند به شقاوت می‌رسانیم» (اعراف، ۱۸۲) [و از آنان انتقام می‌گیریم و آن‌ها را از نعمت‌ها محروم می‌کنیم]. و این قسمت آیه که فرمود: «از جایی که نمی‌دانند، آرام آرام بدبخت و گرفتارشان می‌کنیم (مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ)، یعنی از طریق نعمت‌هایی که هنگام گناهانشان به آنان می‌دهیم» (ابن‌بابویه، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۵۶۱؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص ۶۸؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۳۹۷).

۱.۲.۲. شیطان

یکی دیگر از موانع بیرونی شکرگزاری، شیطان است که همواره درصدد گمراه‌ساختن انسان‌هاست تا آنان موفق به سپاس‌گزاری از خداوند نشوند. در قرآن یکی از اهداف شیطان، ناسپاس کردن بندگان خداوند ذکر شده است. شیطان که دشمن خدا و بندگان اوست، از تمام راه‌های فریب استفاده می‌کند تا اکثر بندگان خدا را از سپاس‌گزاری خداوند دور کند و تنها تعداد کمی از ایشان سپاس‌گزار خداوند باشند. قرآن به نقل از شیطان، خطاب به خداوند، چنین می‌گوید: ﴿قَالَ فَبِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ* ثُمَّ لَا يَتَّبِعُهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَ مِنْ خَلْفِهِمْ وَ عَنْ أَيْمَانِهِمْ وَ عَنْ شَمَائِلِهِمْ وَ لَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ﴾؛ گفت: پس به سبب آنکه مرا به بیراهه افکندی، من هم برای [فریفتن] آنان حتماً بر سر راه راست تو خواهم نشست. آنگاه از پیش رو و از پشت سرشان و از طرف راست و از طرف چپشان بر آن‌ها می‌تازم و بیشترشان را شکرگزار نخواهی یافت» (اعراف، ۱۶-۱۷). بر اساس این آیه، هدف و آرزوی شیطان، ناسپاسی انسان است (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۳۲).



مطابق این آیه، شیطان قسم نخورده است که نگذارد بندگان خدا نماز بخوانند یا روزه بگیرند یا حج بگذارند، بلکه قسم خورده کاری کند که بیشتر بندگان خدا شاکر نباشند. شیطان بر سر راه انسان‌ها کمین می‌کند و از چهار طرف (پیش رو، پشت سر، طرف راست و طرف چپ) به سراغ آن‌ها می‌آید تا کاری کند اکثرشان شکرگزار خداوند نباشند. «ممکن است تعبیر چهار طرف، کنایه از این باشد که شیطان، انسان را "محاصره" می‌کند و سعی دارد به هر وسیله‌ای که ممکن است برای وسوسه و گمراهی او بکوشد و این تعبیر در کلمات روزمره نیز دیده می‌شود که می‌گوییم فلان کس از چهار طرف گرفتار قرض یا بیماری یا دشمن شده است. اینکه سمت بالا و پایین ذکر نشده به خاطر آن است که انسان معمولاً در چهار سمت، حرکت و فعالیت دارد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۶، ص ۱۱۰).

اما شیطان با چه نقشه و فریبی مانع شکرگزاری اکثر بندگان خدا می‌شود؟ یکی از راه‌های او این است که با فریفتن و گمراه کردن آنان، نمی‌گذارد نعمت‌های الهی در مسیر اهدافی که این نعمت‌ها در اختیار انسان قرار گرفته‌اند، به کار روند؛ برای مثال، شیطان، انسان را مشغول دنیا و جاذبه‌ها و شهوات آن می‌کند و او را از آخرت و اطاعت از دستورات دین و آراسته شدن به فضایل اخلاقی باز می‌دارد و نمی‌گذارد از نعمت عمر و زندگی زودگذر دنیا برای آخرت و زندگی همیشگی خود بهره‌دستی ببرد. امام باقر (علیه السلام) در روایتی، ضمن تفسیر آیه یادشده، می‌فرماید:

منظور از آمدن شیطان از «پیش رو» این است که آخرت را که در پیش روی انسان قرار دارد، در نظر آدمی سبک و ساده جلوه می‌دهد و منظور از «پشت سر» این است که آن‌ها را به گردآوری اموال و تجمع ثروت [برای بازماندگان و کسانی که بعد از او هستند] و بخل از پرداخت حقوق واجب به خاطر اینکه برای فرزندان و وارثان باقی بماند، دعوت می‌کند و منظور از «طرف راست» این است که دین آن‌ها [که راه مستقیم و راست است] را با زیبا و جذاب نشان دادن بیراهه‌های گمراهی و



ایجاد شبهه و تردید ضایع می‌سازد و منظور از «طرف چپ» این است که لذات مادی و شهوات را در نظر آن‌ها خوب جلوه می‌دهد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۶۲۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۱، ص ۱۳۲).

یکی دیگر از راه‌های فریب شیطان برای اینکه مانع شکرگزاری اکثر بندگان خدا شود، ممکن است این باشد که آنان را گمراه می‌کند تا به جای اینکه نعمت‌ها را از جانب خدا بدانند و او را سپاس گزار باشند، نعمت‌هایی را که در اختیار آنان قرار می‌گیرد به غیر خدا نسبت بدهند تا خدا و سپاس‌گزاری‌اش را فراموش کنند؛ برای مثال، نعمت‌ها را به خود و تلاش‌های خویش یا دیگر واسطه‌های نعمت نسبت دهند (رک: مدرسی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۲۸۴).

۱.۲.۳. جاذبه‌های دنیا

یکی از اموری که ممکن است مانع شکرگزاری، به‌ویژه شکرگزاری عملی شود، جاذبه‌های دنیوی و سرگرم‌شدن به دنیاست. گاهی برخی از افراد با وجود درآمد زیاد، به‌قدر کفاف، قناعت نمی‌کنند و به دنبال افزایش مال بیش از حد نیاز می‌روند. جاذبه‌های دنیوی و تکاثر و جمع‌آوری مال دنیا می‌تواند آدمی را از ادای شکر نعمت‌های فراوان بازدارد یا موجب شود آن‌چنان که شایسته است، سپاس خداوند را به جای نیاورد.

در روایات به این موضوع اشاره شده است؛ برای نمونه، در روایتی از امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است: «اهل دنیا هنگام نعمت و راحتی شکر نمی‌کنند و هنگام بلا و سختی صبر ندارند» (دیلمی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۲۰۱). در پاسخ به این پرسش که چرا اهل دنیا با وجود اینکه معمولاً از نعمت‌های خداوند نیز بیشتر برخوردارند، شکرگزار خدا نیستند یا شکر خدا را کمتر به جای می‌آورند، از منظر روایات می‌توان عللی همچون سرگرمی به دنیا، زیادی مال دنیا و سرمستی را برشمرد.



در زمینه سرگرم شدن به دنیا و زیادی مال دنیا، امام صادق علیه السلام در دعایی از خداوند می‌خواهد: «خدایا، مرا سرگرم دنیا نساز تا از شکر نعمت‌هایت بازمانم. خدایا، مرا به واسطه زیادی نعمت‌های دنیا از شکرگزاری نعمت‌هایت بازمدار که خرمی و خوش حالی آن، مرا به خود سرگرم سازد و درخشندگی شکوفه‌هایش مرا فریب دهد و گمراه کند (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۵۹۸). گاهی انسان به خاطر داشتن مسئولیت و مقام اجتماعی یا درآمدهای کلانی و یا کارهای زیادی که برای اداره شغلش باید انجام دهد، آن قدر به دنیا و امور زندگی مادی مشغول می‌شود که نمی‌تواند شکرگزار این حجم از نعمت‌ها و کارها باشد و چه بسا همین اموال زیاد، منزل و وسایل گران‌قیمت، موقعیت اجتماعی و شغل ارزشمند، او را اهل غفلت کند و از شکرگزاری این نعمت‌ها بازدارد؛ به طوری که فقط به دنبال افزایش ثروت و جمع‌آوری بیشتر نعمت‌های دنیا برود. این شخص ممکن است به خاطر دارایی‌ها و اشتغالات زیاد، از انجام تعهدات مالی شرعی و تکالیف اقتصادی دینی مثل پرداخت خمس و زکات و انفاق و انجام دیگر وظایف شرعی که مصداق شکرگزاری عملی به درگاه الهی است بازماند و بدین وسیله، شکرگزاری خداوند را ترک کند. داستان ثعلبة بن حاطب انصاری که در ذیل آیه ۷۵ سوره توبه نقل شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۸، ص ۴۸) نشان می‌دهد چگونه جاذبه‌های دنیوی و سرگرمی به مال دنیا موجب شد او با وجود اموال فراوان، شکرگزار عملی نعمت‌های الهی نباشد و از انجام بسیاری از وظایف دینی و مالی همچون پرداخت زکات محروم گردد.^۱

۱. در روایات آمده است که روزی ثعلبه نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: «ای رسول خدا، در پیشگاه خدا برای من دعا کن تا مالی به من عنایت فرماید». پیامبر فرمود: «ای ثعلبه، برو و به آنچه داری قناعت کن؛ چرا که انسان سپاس‌گزار بهتر از انسان ثروتمندی است که شکرگزاری نمی‌کند». ثعلبه طی چند روز به طور مرتب خدمت رسول خدا رسید و این درخواست را تکرار کرد و به حضرت قول داد که در صورت داشتن مال فراوان، حقوق خدا و مردم را پرداخت کند. به دعای پیامبر، خداوند مال فراوان به وی داد و تعداد اندک گوسفندان او به قدری زیاد شد که وی ناچار شد از مدینه خارج شود و به دلیل گرفتاری‌ها و سرگرمی دنیا، کم‌کم از بهره‌مندی از نمازهای پیامبر و همراهی با ایشان محروم شد و از پیامبر فاصله گرفت. زمانی که آیات زکات نازل شد، مأمور جمع‌آوری زکات، دستور خداوند ←



افزون بر سرگرم شدن به دنیا، سرمستی و جنون مال و ثروت نیز ممکن است افراد را به فراموشی از شکرگزاری خداوند بکشاند. گاهی بعضی از افراد به خاطر درآمد فراوان، داشتن منزل و باغ بزرگ، خودرو قیمتی، صورت زیبا یا مدرک و موقعیت علمی یا اقتصادی و یا اجتماعی، آن چنان در شادمانی و خوشحالی و خودشیفتگی غرق می شوند که به دیگران توجهی ندارند و به عجب و خودبرتربینی یا تکبر و غرور و دیگر رذایل اخلاقی دچار می شوند؛ ابتلا به این رذایل، همان شکرگزاری نکردن از نعمت های الهی و به کارنگرفتن آن ها در مسیر صحیح است. امام علی علیه السلام توصیه می کند: «به جای شادمانی و سرمستی از دریافت نعمت، به شکرگزاری برای نعمت مشغول شو» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۸۳). امام صادق علیه السلام نیز در دعایی یادآوری می کند که نباید با کوتاهی در شکرگزاری، از نعمت های الهی سرمست شد:

پروردگارا، چقدر نعمت های را بر من آشکار ساختی! به قدری نعمت های بر من زیاد و بی شمار است که من توان شمارش آن ها را ندارم. با وجود این، شکر من در برابر آنچه به من عطا کردی، کم است و من [به جای شکرگزاری] فقط با نعمت ها سرمستی کردم و خود را بدین وسیله در معرض عذاب ها و گرفتاری ها قرار دادم (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۵۹۱).

→ را به وی ابلاغ کرد؛ اما او حکم زکات را انکار کرد و زکات را همچون جزیه مسیحیان دانست و از انجام این واجب الهی و شکر عملی نعمت و پرداخت زکات گوسفندانش اجتناب کرد و بدین ترتیب، مال اندوزی، وی را در زمره ناسپاسان عملی قرار داد (رک: نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۳، ص ۲۵۷؛ ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۹، ص ۲۹۹).



نتیجه گیری

هدف از این پژوهش، بررسی موانع شکرگزاری از خداوند در سنجۀ متون اسلامی (به ویژه روایات) بود. روشن شد با وجود آثار زیاد و شگفت انگیزی که شکرگزاری دارد و در مقابل، به رغم آثار زیان باری که ناسپاسی در زندگی انسان به جای می گذارد، افراد به علت وجود موانعی، شکرگزاری از خداوند را ترک می کنند. در تحلیل موانع شکرگزاری گفته شد که این موانع بر دو قسم اند: موانع درونی و موانع بیرونی. موانع درونی عمدتاً به جهل و غفلت انسان مربوط است. جهل و غفلت نیز یا در قبال «منعم» است یا در قبال «نعمت». جهل و غفلت در قبال نعمت سه علت دارد: وفور نعمت، شمول و دوام نعمت، و کوچک شمردن نعمت های خود یا مقایسه نعمت های دیگران با نعمت های خود. وفور، شمول و کوچک شمردن نعمت موجب می شود شخص از نعمت بودن چیزی غفلت کند یا از نعمت بودن آن آگاهی پیدا نکند.

موانع بیرونی شکرگذاری عمدتاً سه منشأ و علت عمده دارد؛ این علل گاهی به خدا (استدراج)، گاهی به شیطان (وسوسه ها) و گاهی به محیط پیرامون و جاذبه های دنیوی بازمی گردد. گاهی خداوند به شخصی که با او اتمام حجت کرده، آن قدر پی در پی نعمت می دهد که از خداوند و سپاس گذاری او غفلت کند و مسیر نافرمانی خداوند را بپیماید؛ بدین ترتیب، از طرفی، آرام آرام از رحمت خداوند دور می شود و از طرف دیگر، به تدریج به سوی عذاب الهی قدم برمی دارد (استدراج). گاهی نیز شیطان با وسوسه، آدمی را از توفیق شکرگزاری بازمی دارد و در برخی موارد، جاذبه های دنیوی و زیادی مال دنیا یا سرگرم شدن به دنیا و یا سرمستی از دنیا، انسان را از شکرگزاری خداوند محروم می سازد. از آنجا که ترک شکرگزاری، عذاب و مجازات ها و گرفتاری هایی را برای فرد ناسپاس به دنبال دارد، آگاهی افراد از این موانع و برطرف کردن آن ها موجب می شود ضمن دورماندن از زیان های ترک

شکرگزاری و ناسپاسی، از منافع سپاس‌گزاری در دنیا و آخرت بهره‌مند شوند و به فضیلت اخلاقی سپاس‌گزاری آراسته و از رذیله اخلاقی ناسپاسی پیراسته شوند.





کتاب نامه

- * قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
- ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی (۱۳۶۲)، *الخصال*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی (۱۳۷۶)، *الأمالی*، تهران: کتابچی.
- ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی (۱۳۸۵)، *علل الشرائع*، قم: داوری.
- ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی (۱۴۱۳ق)، *من لا یحضره الفقیه*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی (۱۳۷۸)، *عیون أخبار الرضا ع*، تهران: جهان.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ق)، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، مشهد: آستان قدس رضوی.
- امام صادق علیه السلام، جعفر بن محمد (منسوب به امام صادق علیه السلام) (۱۴۰۰ق)، *مصباح الشریعة*، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- امونز، رابرت ای. (۱۳۹۶)، *دریچه ای به دنیای شگرف سپاس گزاری*، ترجمه سیما فرجی، تهران: نسل نو اندیش.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، *وسائل الشیعة*، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام.
- حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق)، *تحف العقول*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۱۲ق)، *إرشاد القلوب*، قم: الشریف الرضی.
- طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۹۰ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: ناصر خسرو.
- طیب، عبدالحسین (۱۳۶۹)، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: اسلام.
- عارف، محمدصادق (۱۳۸۷)، *راه روشن (ترجمه المحجة البیضا فی تهذیب الاحیاء)*، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
- عدة من الرواة (۱۴۰۵ق)، *الاصول الستة عشر*، قم: دار الشبستری.

عروسی حویزی، عبدعلی (۱۴۱۵ق)، تفسیر نور الثقلین، قم: اسماعیلیان.

غزالی، محمد (۱۳۸۳)، کیمیای سعادت، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

غزالی، محمد (بی تا)، احیاء علوم الدین، بیروت: دار الجیل.

فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۳۰ق)، المحجة البيضاء، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.

قرائتی، محسن (۱۳۸۸)، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

لیثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶)، عیون الحکم و المواعظ، قم: دار الحدیث.

مجتبوی، سیدجلال‌الدین (۱۳۸۶)، علم اخلاق اسلامی (ترجمه جامع السعادات)، تهران: حکمت.

مجلسی، محمد باقر (۱۴۲۳ق)، زاد المعاد، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.

مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

مدرسی، محمد تقی (۱۴۱۹ق)، من هدی القرآن، تهران: دار محبی الحسین.

مفید، محمد بن محمد (شیخ مفید) (۱۴۱۳ق)، الأمالی، قم: کنگره شیخ مفید.

مکارم شیرازی، ناصر (با همکاری جمعی از دانشمندان) (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

نراقی، محمد مهدی (۱۴۲۷ق)، جامع السعادات، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.

نوری، حسین (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام.



Examining the Role of the Ethics of Peaceful Coexistence in History Textbooks of the Humanities *

Raheleh Mohammad-Bagher¹ 



1- Assistant Professor, Department of Islamic Studies Education, Farhangian
University, Tehran, Iran. mohamadbagher@cfu.ac.ir

Abstract

This study aims to investigate the status of the components of the ethics of peaceful coexistence in the history textbooks of the humanities, utilizing Islamic thought. The research method is descriptive and based on content analysis. The units of analysis include text and images. The statistical population of the study comprises all the history textbooks of the humanities for the academic year 2022-2023, with the entire population considered as the sample. The research tool was a researcher-designed content analysis checklist, the validity of which was determined by experts, and reliability was assessed using William Scott's method. The data obtained were analyzed using descriptive indicators in the analytical process of "Shannon entropy." The findings revealed that the components of the ethics of peaceful coexistence were referenced 92 times in the history textbooks of the humanities. Among these components, "rejection of violence" had the highest

*Cite this article: Mohammadbaghe, Raheleh. (2024). Examining the Role of the Ethics of Peaceful Coexistence in History Textbooks of the Humanities, Journal in Applied Ethics Studies,3(77), 165-195

<https://doi.org/1022081/jf.2024.69450.1930>

▣ **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Isfahan, Iran). ***Type of article:** Research Article

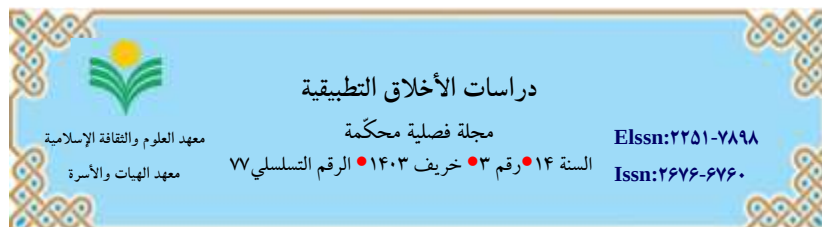
▣**Received:**2024/07/17 •**Revised:**2024/09/17 •**Accepted:**2024/09/18 •**Published online:**2025/05/28

significance coefficient (0.126), followed by "principle of peacefulness" (0.124), while "winning hearts and expanding social influence" (0.066) and "cooperation in international matters" (0.044) had the lowest significance coefficients.

Keywords

ethics of coexistence, peacefulness, history textbooks, content analysis, Shannon entropy.





دراسة مكانة أخلاقيات التعايش السلمي في كتب التاريخ المدرسية في فرع العلوم الإنسانية*

راحله محمدباقر^۱

۱- الأستاذ المساعد في قسم تعليم المعارف الإسلامية، جامعة المعلمين. طهران، إيران.

mohamadbagher@cfu.ac.ir

الملخص

يهدف هذا البحث إلى التعرف على وضعية مكونات أخلاقيات التعايش السلمي في كتب التاريخ المدرسية في فرع العلوم الإنسانية باستخدام الفكر الإسلامي. منهج البحث وصفي ومن نوع تحليل المحتوى، كما وحدة التحليل هي النص والصورة. وأما المجتمع الإحصائي، فهو يشمل جميع كتب التاريخ في فرع العلوم الإنسانية للعام الدراسي ۲۰۲۲-۲۰۲۳، وتم اعتبار المجتمع الإحصائي بأكمله عينته. وأما أداة البحث، فهي عبارة عن قائمة لتحليل المحتوى والتي حدّد الخبراء صلاحيتها (Validity)، وتم استخدام طريقة ويليام سكوت لتحديد الموثوقية (Reliability). وقد تم تحليل البيانات الناتجة باستخدام المؤشرات الوصفية في عملية "شانون إنتروبيا" (Shannon entropy) التحليلية. ظهرت نتائج البحث أنه قد وردت في كتب التاريخ

* استشهد بهذه المقالة: محمدباقر، راحله (۱۴۰۳). دراسة مكانة أخلاقيات التعايش السلمي في كتب التاريخ المدرسية في فرع العلوم الإنسانية. دراسات الأخلاق التطبيقية، ۳ (۷۷)، صص ۱۶۵-۱۹۵.

<https://doi.org/1022081/jf.2024.69450.1930>

□ نوع المقال: بحث؛ الناشر: مركز الدعوة الإسلامية في حوزة قم (معهد العلوم والثقافة الإسلامية، أصفهان، إيران). © المؤلفون

□ تاريخ الاستلام: ۲۰۲۴/۰۷/۱۷ □ تاريخ التعديل: ۲۰۲۴/۰۹/۱۷ □ تاريخ القبول: ۲۰۲۴/۰۹/۱۸ □ تاريخ الإصدار: ۲۰۲۵/۰۵/۲۸



لفرع العلوم الإنسانية مكونات أخلاقيات التعايش السلمي ٩٢ مرة. في هذه الكتب حصلت المكونتان: "نفي العنف" بمعامل أهمية ٠/١٢٦، و"مبدأ النزوع نحو السلام" بمعامل أهمية ٠/١٢٤ على أعلى معامل الأهمية، والمكونتان: "تأليف القلوب وتوسيع دائرة التأثير الاجتماعي" بمعامل أهمية قدره ٠/٠٦٦، و"التعاون في القضايا الدولية" بمعامل دلالة أهمية قدره ٠/٠٤٤ حصلتا على أدنى معامل دلالة.

الكلمات المفتاحية

أخلاقيات التعايش، السلم، كتب التاريخ المدرسية، تحليل المحتوى، إيترويا شانون.





بررسی جایگاه اخلاق هم‌زیستی مسالمت‌آمیز در کتاب‌های درسی تاریخ در رشته علوم انسانی*

راحله محمدباقر^۱

۱- استادیار گروه آموزش معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.
mohamadbagher@cfu.ac.ir

چکیده

هدف از انجام این پژوهش، بررسی وضعیت مؤلفه‌های اخلاق هم‌زیستی مسالمت‌آمیز در کتاب‌های درسی تاریخ رشته علوم انسانی با بهره‌گیری از اندیشه اسلامی بوده است. روش پژوهش، توصیفی و از نوع تحلیل محتواست. واحد تحلیل، متن و تصویر می‌باشد. جامعه آماری پژوهش شامل تمام کتاب‌های درسی تاریخ علوم انسانی در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ است و کل جامعه آماری به عنوان نمونه در نظر گرفته شد. ابزار پژوهش، سیاهه تحلیل محتوای محقق ساخته است که روایی آن را متخصصان تعیین کردند و برای تعیین پایایی از روش ویلیام اسکات استفاده شد. داده‌های حاصل با استفاده از شاخص‌های توصیفی در فرایند تحلیلی

* **استناد به این مقاله:** محمدباقر، راحله (۱۴۰۳). بررسی جایگاه اخلاق هم‌زیستی مسالمت‌آمیز در کتاب‌های درسی تاریخ در رشته علوم انسانی. مطالعات اخلاق کاربردی، ۳ (۷۷)، صص ۱۶۵-۱۹۵.

<https://doi.org/1022081/jf.2024.69450.1930>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، اصفهان، ایران) © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۲۷ □ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۶/۲۷ □ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۲۸ □ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۳/۰۷



«آنتروپی شانون» بررسی شد. یافته‌های پژوهش نشان داد؛ در کتاب‌های تاریخ علوم انسانی، ۹۲ مرتبه به مؤلفه‌های اخلاق هم‌زیستی مسالمت‌آمیز اشاره شده است. در این کتاب‌ها مؤلفه‌های «نفی خشونت» با ضریب اهمیت ۰/۱۲۶ و «اصل صلح‌جویی» با ضریب اهمیت ۰/۱۲۴ دارای بیشترین ضریب اهمیت، و مؤلفه‌های «تألیف قلوب و گسترش حوزه نفوذ اجتماعی» با ضریب اهمیت ۰/۰۶۶ و «تعاون در مسائل بین‌المللی» با ضریب اهمیت ۰/۰۴۴ دارای کمترین ضریب اهمیت بودند.

کلیدواژه‌ها

اخلاق هم‌زیستی، مسالمت، کتاب‌های درسی تاریخ، تحلیل محتوا، آنتروپی شانون.



مقدمه

مسائل و آسیب‌های تربیتی ناشی از تحولات سریع جوامع بشری، از موضوعات مهمی است که همواره ذهن انسان و اندیشمندان تربیتی و اجتماعی را به خود مشغول کرده است (کریمی خویگانی و رستمی، ۱۳۹۹، ص ۵۶). با بررسی تاریخ درمی‌یابیم جوامع بشری از اجتماعات متنوعی تشکیل شده و زندگی انسان در قالب اجتماع شکل گرفته است؛ زندگی‌ای که مناسبات، مهارت‌ها و توانایی‌های مخصوص به خود را دارد. یکی از این مهارت‌ها، هم‌زیستی مسالمت‌آمیز انسان‌ها با یکدیگر است. به عبارت دیگر «هنر ارتباط برقرار کردن و گفت‌وگو با دیگران» (Tricky & Topping, 2005, p. 369)؛ به این معنا که مردم یک جامعه، با وجود عقاید و مذاهب گوناگون، در آرامش و تعاون با یکدیگر زندگی کنند. در اسلام، صلح و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز انسان‌ها با یکدیگر (کریمی‌نیا، ۱۳۸۲، ص ۹۳) و پذیرش حقوق اقلیت‌های دینی (مسترحمی و تقدسی، ۱۳۹۶، ص ۱۸) و تعامل با غیرمسلمانان (کعبی، ۱۳۹۶، ص ۶۱) از اصول پذیرفته‌شده است و اسلام تنها استثنا بر اصل هم‌زیستی را محارب‌ان و متجاوزان به حقوق انسان دانسته است (عبدالمحمیدی، ۱۳۹۱، ص ۲۱۴). در فقه اسلامی، احکام اهل ذمه، زمینه هم‌زیستی مسالمت‌آمیز میان اقلیت‌های دینی و مسلمانان را فراهم کرده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۱، ص ۴۱۰). در سیره پیامبر ﷺ، مواردی همچون دعوت از پیروان ادیان توحیدی برای وحدت، نامه به سران حکومت‌ها و پیمان‌نامه‌های ایشان با قبایل دیگر و الزام تعهد بر آن‌ها، برای هم‌زیستی مسالمت‌آمیز مورد استناد قرار گرفته است (کریمی‌نیا، ۱۳۸۲، ص ۹۷). اهل بیت علیهم‌السلام به مسائلی همچون احترام به مقدسات و تحمل عقاید دیگران، مدارا با عموم مردم، توهین نکردن به پیروان ادیان و مذاهب، همراهی در امور اجتماعی غیرشیعیان، عیادت از مخالفان خود و جلوگیری از تعصب‌های قومی اهتمام می‌ورزیدند (رستمیان، ۱۳۸۹، ص ۱۰۵). البته در نگاه ایشان، این مقوله به مبانی دینی مقید است تا در عین هم‌زیستی، حفظ باورهای صحیح انسان نیز دچار آسیب نگردد.





بنابراین اسلام، با احترام به جایگاه دیگران و پذیرش حقوق پیروان آنان، بر آزادی عقیده، فکر و توجه به اصول مشترک تأکید داشته و جایی برای توهّمات برتری جویانه پیروان برخی از ادیان باقی نگذاشته است؛ همچنین، پیروان ادیان را به تعاون در مسائل بین‌الادیانی رهنمون می‌کند؛ از این رو، اصل هم‌زیستی مسالمت‌آمیز، به عنوان یکی از اجزای بنیادین حقوق بین‌الملل عمومی نیز شناخته می‌شود؛ به گونه‌ای که بر سطوح بسیار گسترده حقوقی و سیاسی، از جمله رعایت اصول حق حاکمیت، برابری حقوق، مصونیت و تمامیت ارضی کشورها، پرهیز از مداخله در امور داخلی دیگر کشورها، احترام به حق همه ملت‌ها در انتخاب آزاد نظام اجتماعی خویش و فیصله‌دادن به مسائل بین‌المللی از طریق مذاکره، قابلیت تعمیم دارد (آقابخشی، ۱۳۷۴، ص ۲۴۶). در مطابقت این اصل با دیدگاه اسلامی باید گفت هم‌زیستی مسالمت‌آمیز یکی از محورهای اصلی فکری رفتاری اسلام در حوزه روابط با غیرمسلمانان است. اگرچه به طور دقیق و به معنای امروزی، چنین اصطلاحی در رفتار سیاسی اسلام نبوده، ولی بسیاری از مفاهیم و آموزه‌های اسلامی به انحاء گوناگون با این اصل، سنخیت و تلازم دارد (سرخیل، ۱۳۹۵، ص ۱۴۵)؛ به گونه‌ای که صلح و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز در سیاست خارجی از مترقی‌ترین برنامه‌هایی شمرده می‌شود که اسلام آن را اتخاذ کرده است (مسترحمی و تقدسی، ۱۳۹۶، ص ۲۳).

از مهم‌ترین مبانی و زیرساخت‌های تعاملاتی هم‌زیستی مسالمت‌آمیز در اسلام می‌توان به ارتباطات انسانی با محوریت کرامت انسانی، برابری در آفرینش و نفی تبعیض، احترام به آزادی عقیده، ضرورت پذیرش حقوق غیرمسلمانان، نفی خشونت و تکیه بر وجوه مشترک برای تعامل اشاره کرد (رک: سرخیل، ۱۳۹۵، ص ۱۴۶-۱۵۱). از مهم‌ترین نتایج رعایت این موارد بر روابط دولت اسلامی و گسترش مناسبات با غیرمسلمانان می‌توان اخوت انسانی، وجهه‌سازی و تولید اعتبار بین‌المللی برای مسلمانان، تألیف قلوب و گسترش حوزه نفوذ اجتماعی، تعاون



بین‌المللی، اعتمادسازی دینی و افزایش قدرت و اقتدار دولت اسلامی در مواجهه با تهدیدات را برشمرد (رک: سرخیل، ۱۳۹۵، ص ۱۵۲-۱۵۶).

از این منظر، این مهم امکانی فراهم می‌آورد تا مردم جوامع با وجود عقاید گوناگون بتوانند به درجات مختلف، اختلافاتشان را از طریق مسالمت‌آمیز حل و فصل کنند. گرچه گوناگونی فرهنگ‌ها و حفظ هویت‌های منحصربه‌فرد، ضرورت و خواست طبیعی همه جوامع است، اما اغلب در جوامع بشری، وجود این چنددستگی‌ها در کنار یکدیگر و تلاقی آن‌ها، ضریب ایجاد تنش و تصادم میان افراد و فرهنگ‌ها را افزایش داده است. تنوع ادیان، مذاهب، قومیت‌ها، اقلیت‌ها و زبان‌ها بر میزان این پیچیدگی افزوده است. نبود آموزش و درک صحیح از نحوه هم‌زیستی اجتماعی اقوام و ملل و نحل در چنین جوامعی، بساط قوم‌مداری، تعصب و خشونت را خواهد گشود.

هم‌زیستی مسالمت‌آمیز در زبان فارسی، زیستن در کنار همدیگر همراه با سازگاری و همکاری (انوری، ۱۳۸۱، ج ۸، ص ۸۴۰۱) و زندگی دو تن یا دو گروه با یکدیگر در حالی که شاید مناسب یکدیگر نباشند، معنی شده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۵، ص ۲۳۵۴۱). در زبان عربی، واژه‌های تسامح و تساهل و تصالح و تعایش السِّلْمی معادل این کلمه به‌شمار می‌روند (موحدی ساوجی، ۱۳۹۳، ص ۱۳۲). در حقوق بین‌الملل خصوصی، آن را به رسمیت شناختن اقلیت‌های دینی و قومی در داخل یک سرزمین، احترام به حقوق آن‌ها و آزادی در انجام فعالیت‌های دینی و مذهبی دانسته‌اند (کریمی‌نیا، ۱۳۸۲، ص ۸۹).

با توجه به تفاوت در باورهای دینی و قومی در هر جامعه و وجود سطوحی از مراتب فهم در این خصوص، دستیابی به مبانی مشترک برای تحقق هم‌زیستی مسالمت‌آمیز از اهمیت زیادی برخوردار است. با این پیش‌فرض، توجه به اصل اخلاقی هم‌زیستی مسالمت‌آمیز باید یکی از اهداف عالی وزارت آموزش و پرورش در تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان شمرده شود؛ چراکه در نظام تعلیم و تربیت



جوامع اسلامی، برخورداری از اخلاق کاربردی، از معدود مفاهیمی است که مورد توجه قرار گرفته است. آموزش و تبیین جایگاه هم‌زیستی مسالمت‌آمیز برای تربیت دانش‌آموزان در نظام تعلیم و تربیت کشور اهمیت بسزایی دارد؛ به‌طوری که ارتباطات انسانی با محوریت کرامت انسانی، برابری در آفرینش و نفی تبعیض، احترام به آزادی عقیده، ضرورت پذیرش حقوق غیرمسلمانان، نفی خشونت و تکیه بر وجوه مشترک برای تعامل، سبب توسعه عدالت فردی و اجتماعی و تأمین‌کننده مصالح نظام و استقرار نظم و امنیت خواهد شد، و در سطح بین‌المللی با تأثیر بر روابط دولت اسلامی و گسترش مناسبات با غیرمسلمانان، سبب اخوت انسانی، وجهه‌سازی و تولید اعتبار بین‌المللی برای مسلمانان، تألیف قلوب و گسترش حوزه نفوذ اجتماعی، تعاون بین‌المللی، اعتمادسازی دینی و افزایش قدرت و اقتدار دولت اسلامی در مواجهه با تهدیدات خواهد شد (رک: سرخیل، ۱۳۹۵، ص ۱۵۲-۱۵۶).

بنابراین، مدرسه به‌عنوان تنها نظام اجتماعی که به‌طور فراگیر در دسترس اغلب کودکان و نوجوانان است، مسئول آموزش معلومات به آنان برای ایجاد عادات و طرز تلقی صحیح و اساسی برای یک زندگی امن است. این دانش و مهارت اساسی باید طی دوران تحصیل در دسترس آنان قرار گیرد. در نظام آموزش رسمی، کتاب‌های درسی، بستری مناسب برای زمینه‌سازی و انتقال مفاهیم و آموزه‌های اخلاقی به شمار می‌روند؛ به‌طوری که اغلب فعالیت‌های آموزشی و پرورشی مدارس در چارچوب کتاب درسی و محتوای آن انجام می‌گیرد (دیبایی و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۳۰).

آموزش این مهارت‌ها در نظام آموزشی کشور، ذیل درس تاریخ که سرگذشت اقوام و ملت‌های مختلف را روایت می‌کند و تجربه بشری را به همراه دارد، حوزه مهم یادگیری است که درباره انسان و تعامل او در شرایط و ادوار مختلف و جنبه‌های گوناگون این تعامل (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و...) بحث می‌کند؛ بنابراین، آموزش رعایت اخلاق هم‌زیستی مسالمت‌آمیز، یکی از



موارد مهم در فرایند جامعه‌پذیری (اجتماعی‌شدن) دانش‌آموزان از طریق کتاب‌های تاریخ در مدارس است. با در نظر گرفتن مطالب بالا، توجه به چنین مبحثی در درس تاریخ و نحوه مواجههٔ مردمان گذشته با عقاید و خاستگاه گوناگون در شرایط مختلف زمانی و مکانی، یکی از ضرورت‌های مهم و اساسی در نظام آموزشی کشور است؛ مسئله‌ای که بنا بر برخی از پژوهش‌ها (نجفی و دیگران، ۱۳۹۴؛ وفایی و سبحانی‌نژاد، ۱۳۹۴) در نظام برنامه‌ریزی و تدوین این دروس، چنان‌که باید و شاید بدان پرداخته نشده است؛ از این رو، در برنامه‌های درسی باید بر آموزش‌های لازم و ارتقای آن تأکید شود.

علاوه بر این، با توجه به اهمیتی که امنیت فردی و اجتماعی در زندگی افراد و دانش‌آموزان دارد، لازم است محتوای موجود کتاب‌های درسی به‌عنوان مهم‌ترین عنصر آموزش اخلاق، بررسی و تحلیل شود تا میزان توجه به هریک از مفاهیم مورد نظر مشخص شود. مؤلفه‌های مورد نظر در این پژوهش با توجه به تحلیل محتوای محقق‌ساخته با قضاوت متخصصان انتخاب شده است و در کتاب‌های درسی تاریخ دورهٔ متوسطهٔ رشتهٔ علوم انسانی، نمود عینی دارد تا امکان تطبیق و تأثیرگذاری این مؤلفه‌ها در کتب درسی مشخص شود.

از سوی دیگر، این مؤلفه‌های اخلاقی و اجتماعی میان همهٔ جوامع بشری مشترک هستند و در سطوح ملی و بین‌المللی کاربرد دارند؛ بنابراین، عناوین مؤلفه‌های استخراج‌شده به ترتیب عبارت‌اند از: ارتباطات انسانی با محوریت کرامت انسانی، احترام به آزادی عقیده، تکیه بر وجوه مشترک برای تعامل، گفتگوی مسالمت‌آمیز، تألیف قلوب و گسترش حوزهٔ نفوذ اجتماعی، نفی خشونت، برابری در آفرینش و نفی تبعیض، پذیرش حقوق اقلیت‌ها، اصل صلح‌جویی و تعاون در مسائل بین‌المللی.

با توجه به اینکه کتاب‌های درسی تاریخ از بهترین مراجعی هستند که به‌وسیلهٔ آن‌ها می‌توان مفاهیم هم‌زیستی ادیان و ملت‌ها را به دانش‌آموزان آموزش



داد، مسئله این پژوهش این است که در کتاب‌های تاریخ علوم انسانی به چه میزان به مؤلفه‌های هم‌زیستی مسالمت‌آمیز توجه شده است؟

تاکنون پژوهش‌هایی در این باره انجام شده و هریک جنبه‌هایی را مورد توجه قرار داده‌اند؛ لیکن مرور پژوهش‌ها نشان می‌دهد کتاب‌های درسی تاریخ از لحاظ میزان توجه به مؤلفه‌های اخلاق هم‌زیستی مسالمت‌آمیز، تحلیل محتوا نشده‌اند.

پژوهش حاضر، بررسی کتاب‌های درسی تاریخ در رشته علوم انسانی، براساس آموزش هم‌زیستی مسالمت‌آمیز ملل و نحل (به‌عنوان یکی از موضوعات مهم اخلاق کاربردی) با بهره‌گیری از اندیشه اسلامی است.

روش پژوهش

در این پژوهش، با توجه به ماهیت موضوع، از روش تحلیل محتوا استفاده شده است. روش تحلیل محتوا یکی از روش‌هایی است که پژوهشگران طی سی سال اخیر به‌طور گسترده از آن استفاده کرده‌اند (کرپیندورف، ۱۳۹۴؛ هولستی، ۱۳۷۴). در این روش، پژوهشگر می‌کوشد از طریق مطالعه یک پیام مکتوب یا شفاهی به داده‌هایی دست یابد و به کمک آن‌ها به بررسی سؤالات یا فرضیات تحقیق بپردازد (گال و بورگ، ۱۳۸۴). مراحل تحلیل محتوا عبارت‌اند از: آماده‌سازی و سازمان‌دهی (مرحله قبل از پیام)، بررسی مواد (پیام)، پردازش نتایج (سرمد و دیگران، ۱۳۸۰).

جامعه آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری

در پژوهش حاضر، جامعه آماری شامل سه عنوان کتاب درسی تاریخ رشته علوم انسانی دوره متوسطه دوم در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ است. در این پژوهش نمونه‌گیری انجام نشده و کل جامعه آماری بررسی شده است.



جدول ۱: جامعه آماری پژوهش

کتاب‌ها مشخصات	تاریخ (۱) ایران و جهان باستان	تاریخ (۲) از بعثت پیامبر اسلام تا پایان صفویه	تاریخ (۳) ایران و جهان معاصر
پایه	دهم	یازدهم	دوازدهم
تعداد صفحات	۱۵۲	۱۸۶	۱۶۲
تعداد درس‌ها	۱۶	۱۶	۱۲
کد کتاب	۱۱۰۲۱۹	۱۱۱۲۱۹	۱۱۲۲۱۹
سال انتشار	۱۴۰۲	۱۴۰۲	۱۴۰۲

ابزار اندازه‌گیری

در این پژوهش، برای بررسی کتاب‌های درسی از سیاهه تحلیل محتوای محقق ساخته استفاده شده است. فرم اولیه تحلیل محتوا، براساس دیدگاه‌های کریمی‌نیا (۱۳۸۶)، مبلغی (بی‌تا) و سرخیل (۱۳۹۵) تهیه شد. سپس، برای تغییر و اصلاح در اختیار چهار نفر از صاحب‌نظران این حوزه (استادان رشته‌های تعلیم و تربیت اسلامی) قرار گرفت و پس از اعمال نظرات آن‌ها، فهرست و ارسای تحلیل محتوای نهایی تهیه گردید. یک نمونه از هر واحد ثبت‌شده مرتبط با هریک از مؤلفه‌ها در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: نمونه مصادیق واحدهای ثبت‌شده در کتاب‌های درسی تاریخ

پایه تحصیلی	نمونه مصادیق (واحدهای ثبت‌شده)	شماره درس	شماره صفحه
دهم	من... به بدبختی‌های آنان پایان بخشیدم. فرمان دادم... آنان را نیازازند.	۹	۸۴
یازدهم	فرمان دادم که هیچ‌کس اهالی شهر را از هستی ساقط نکند.	۴	۳۲
دوازدهم	عقد پیمان برادری میان مسلمانان؛ غزوة خیبر، پیمان صلح با یهودیان ساکن فدک	۲	۲۳
دهم	مدارا و احترام کریم‌خان نسبت به هنرمندان و علما نیز موجب رونق هنر و معماری در زمان او شد.	۶	۶۰
	دین مسیحیت در زمان امپراتور کنستانتین، رونق بی‌سابقه‌ای یافت؛... فرمانی صادر کرد که آزادی این دین را در محدوده امپراتوری روم تضمین می‌کرد.		



موضوع	پایه تحصیلی	نمونه مصادیق (واحد‌های ثبت شده)	شماره درس	شماره صفحه
نگاه بر حوزه مشترک برای تعامل	یازدهم	این نامه امانی است که عمر، امیرمؤمنان، به مردم ایلیا می‌دهد... کلیساهایشان مسکون و ویران نشود و از آن نگاهند و حدود آن را کم نکنند، از صلیب و اموالشان نیز و در کار دینشان مزاحمت نینند و...	۵	۵۰
	دوازدهم	...اولاً آنکه اهل ایران از عقاید سالفه و سب و رفض نکول و مذهب جعفری را که از مذاهب حقه است قبول نموده و ... (تصویر و متن)... انبوهی از گردشگران از اقوام مختلف ایرانی را مشاهده می‌کنید که علاوه بر زیارت بارگاه حضرت شاهچراغ، با افتخار به بقایای کاخ‌های هخامنشی در پاسارگاد و تخت جمشید می‌نگرند. چه چیزی جز دلبستگی به میراث تاریخی و دینی می‌تواند این گونه موجب همدلی و هم‌بستگی اقوام و گروه‌های مختلف شود؟	۲	۱۸
	یازدهم	پیامبر اکرم (ص) در نخستین ماه‌های پس از هجرت، با هدف ایجاد همدلی و وحدت دینی میان مسلمانان، به آنان توصیه کرد که بدون درنظرگرفتن وابستگی‌های قبیله‌ای، با یکدیگر پیوند برادری برقرار کنند. چون در کعبه معظمه ارکان اربعه مسجدالحرام به ائمه و مذاهب اربعه تعلق دارد، ائمه مذهب جعفری در رکن شافعی با ایشان شریک بوده، بعد از ایشان علی حده با امام خود به آیین جعفری نماز گزارند.	۴	۳۵
	دوازدهم	البته بعضی اوقات نیز دو طرف، مذاکره و سازش را بر ستیز ترجیح می‌دادند و با امضای پیمان صلح، آرامش بر روابط آن‌ها حکمفرما می‌شد.	۱۰	۹۶
کنشگری مسالمت‌آمیز	یازدهم	مشرکان قریش مانع ورود آن حضرت و پیروانش به مکه شدند. پس از مذاکراتی که میان دو طرف انجام گرفت، در حدیبه پیمان صلحی میان مسلمانان و مشرکان بسته شد.	۴	۳۸
	دوازدهم	نادرشاه از ابتدای حکومت تلاش می‌کرد اختلافات مذهبی میان دو کشور ایران و عثمانی را حل کند. آخرین و مهم‌ترین اقدام او، برپایی شورای نجف در ۱۱۵۵ق/۱۷۴۳م با شرکت هفتاد تن از علمای شیعی و سنی ایران و مناطق هم‌جوار بود.	۲	۱۸
تألیف قلوب و گسترش حوزه نفوذ اجتماعی	دوازدهم	نگذاشتم رنج و آزاری به مردم این شهر و این سرزمین وارد آید.	۹	۸۴
	یازدهم	پیامبر پس از آنکه مناطق یهودی‌نشین مانند خیبر را به جنگ گشود، به یهودیان ساکن آنجا اجازه داد همچنان روی زمین‌های آن منطقه کشاورزی کنند و نیمی از محصول سالانه را به حکومت اسلامی بپردازند.	۴	۴۱
دینی	دوازدهم	در روزگاری که قتل و غارت و کشتار، روش معمول فرمانروایان و فاتحان بود، کورش با پرهیز از چنین رفتاری، شکل جدیدی از فرمانروایی را به جهان معرفی کرد.	۹	۸۴
	یازدهم	این نامه امانی است که عمر، امیرمؤمنان، به مردم ایلیا می‌دهد، خودشان و اموالشان و کلیساهایشان و صلیب‌هایشان، سالم و بیمارشان و دیگر مردمشان را امان می‌دهد.	۵	۵۰



موضوع	پایه تحصیلی	نمونه مصادیق (واحد‌های ثبت‌شده)	شماره درس	شماره صفحه
بررسی در آفرینش و تنفیج بعضی	دوازدهم	در روزهای تاسوعا و عاشورا میلیون‌ها تن از مردم در شهرهای مختلف، از جمله تهران، با شرکت در تظاهراتی مسالمت‌آمیز، سقوط حکومت پهلوی و برقراری حکومت اسلامی را فریاد زدند.	۱۰	۱۳۶
	دهم	من برده‌داری را برانداختم. به بدبختی‌های آنان پایان بخشیدم. فرمان دادم که هیچ کس اهالی شهر را از هستی ساقط نکند.	۹	۸۴
	یازدهم	امام علی(ع) در دوران خلافتش تلاش کرد که عدالت و مساوات اسلامی را اجرا کند؛ از این رو، بیت‌المال را به‌طور مساوی میان تمام مسلمانان، اعم از عرب و غیرعرب، سیاه و سفید، و بنده و آزاد، تقسیم کرد.	۵	۴۸
	دوازدهم	-	-	-
تأثیر حقوق اقلیت‌ها	دهم	پادشاهان هخامنشی، ملل تابع خود را در تبعیت از قوانین و آداب و رسوم خود آزاد می‌گذاشتند.	۱۱	۱۰۵
	یازدهم	جزیه، مالیات سرانه‌ای بوده است که فاتحان مسلمان از پیروان اهل کتاب در قلمرو خویش دریافت می‌کردند. زنان، کودکان، سال‌خوردگان، از کارافتادگان و پیشوایان دینی از پرداخت آن معاف بودند. شواهد و مدارک تاریخی نشان می‌دهد که جزیه... بلکه برای تأمین امنیت جان و مال اهل کتاب و معاف کردن آنان از حضور در جنگ وضع می‌شده است.	۵	۵۰
	دوازدهم	بعضی از خصوصیات اخلاقی کریم‌خان مانند... و رفتار مناسب با اقلیت‌های دینی و مذهبی باعث شده است که نام و نشان نیکی از او در تاریخ ایران به جا بماند.	۲	۲۰
	دهم	یکی از انسانی‌ترین و شکوهمندترین فتوحات تاریخ جهان، فتح مسالمت‌آمیز بابل توسط کوروش بزرگ در سال ۵۳۹ ق.م است.	۹	۸۳
اصل صلح‌جویی	یازدهم	پیمان صلح حدیبیه	۴	۳۲
	دوازدهم	مذاکراتی میان ایران و عثمانی صورت گرفت و قراردادهای صلح ارزنة‌الروم اول و دوم میان آن‌ها بسته شد و به کشمکش‌ها پایان داد.	۳	۴۶
	دهم	-	-	-
	یازدهم	نمایندگان این دولت‌ها (آلمان و لهستان و مسکو) آمده بودند به دولت ایران پیشنهاد کنند تا با رؤسای ممالک نام‌برده که اربابانشان بودند، علیه سلطان عثمانی متحد شود... اعتمادالدوله اضافه کرده بود که شاه ایران به پادشاه عثمانی وعده داده است که با یکدیگر در صلح و آرامش زندگی کنند و شاه ایران هیچ نفع و فایده‌ای را از محترم‌شمردن قوی که به شاه عثمانی داده است، بالاتر نمی‌شناسد.	۱۳	۱۴۷
تعارف در مسائل بین‌المللی	دوازدهم	بخشی از سخنرانی دکتر مصدق در جلسه شورای امنیت سازمان ملل متحد... هرچند ما این دعوا را به دلایلی که بعد اقامه خواهیم کرد، در حدود صلاحیت شورای امنیت نمی‌دانیم، اما نمی‌توانیم منکر شویم که سازمان ملل متحد آخرین مرجع و عالی‌ترین مقامی است که مسئول حفظ صلح دنیاست.	۹	۱۲۲



روایی و پایایی ابزار اندازه‌گیری

برای تعیین روایی فهرست واری‌های تحلیل محتوا، از روش روایی صوری، محتوایی و نیز نظر متخصصان استفاده شده است. برای تأمین پایایی ابزار اندازه‌گیری از روش ویلیام اسکات^۱ (۱۳۹۱) استفاده شد؛ بدین صورت که فرم تحلیل محتوا در اختیار چهار نفر از صاحب‌نظران حوزهٔ تعلیم و تربیت اسلامی قرار گرفت که ضریب توافق آن‌ها براساس داده‌های زیر ۹۰ درصد به دست آمد.

$$\text{مقوله های مورد توافق} \times 100 C \cdot R = \frac{8 + 9 + 9 + 10}{4 + 10} \times 100 = 90 C \cdot R = \frac{\text{مقوله ها}}{\text{کل مقوله ها}}$$

تعیین واحدهای تحلیل

برای تحلیل محتوای کتاب‌های درسی در این پژوهش، متن، تصویر، پرسش و فعالیت‌ها بررسی و واحد تحلیل، مضمون در نظر گرفته شد.

شیوهٔ تحلیل داده‌ها

امروزه برای تحلیل داده‌ها، روش‌های بسیاری ارائه شده است که اساس آن‌ها، محاسبهٔ رتبهٔ درصدی از فراوانی شاخص‌هاست. در این روش‌ها مشکلات ریاضی وجود دارد که از اعتبار نتایج می‌کاهد (آذر، ۱۳۸۰).

در این پژوهش، نتایج با روش «آنتروپی شانون» که برگرفته از تئوری سیستم‌هاست، پردازش شده‌اند. در این روش، تحلیل داده‌ها بسیار قوی‌تر و معتبرتر انجام می‌شود. در نظریهٔ سیستم‌ها، «آنتروپی» شاخصی است برای اندازه‌گیری عدم اطمینان که با یک توزیع احتمال بیان می‌شود (آذر، ۱۳۸۰). براساس این روش که به مدل جبرانی مشهور است، داده‌های تحلیل محتوا با استفاده از شاخص‌های

1. William Scott



توصیفی در فرایند تحلیلی آنتروپی شانون بررسی شد. ابتدا فراوانی مؤلفه‌ها استخراج و در جدول مربوط درج شد.

سپس، داده‌های پژوهش در فرایند تحلیلی آنتروپی شانون (بهنجار کردن داده‌های جدول فراوانی، محاسبه بار اطلاعاتی مقوله‌ها و به‌دست آوردن ضریب اهمیت آن‌ها) تجزیه و تحلیل و توصیف شدند که در ادامه به توضیح مراحل سه‌گانه آن می‌پردازیم:

مرحله اول: ماتریس فراوانی‌های جدول فراوانی بهنجار می‌شوند. برای این کار از این رابطه استفاده شد:

$$P_{ij} = \frac{F_{ij}}{\sum_{i=1}^m} (i = 1, 2, \dots, m, j = 1, 2, \dots, m)$$

هنجار شده ماتریس فراوانی = P، فراوانی مقوله = F

شماره پاسخگو = i، شماره مقوله = j، تعداد پاسخگو = m

مرحله دوم: بار اطلاعاتی هر مقوله محاسبه و در ستون‌های مربوط به آن قرار داده

شد. برای این منظور از رابطه‌ای که در پی می‌آید، استفاده شد:

$$P_j = k \sum_{i=1}^m [P_{ij} L_n P_{ij}] (= 1, 2, \dots, m)$$

$$K = \frac{1}{L_n m}$$

هنجار شده ماتریس = P (J = (n, ..., ۲۵)، لگاریتم نبری = L_n

شماره پاسخگو = i، شماره مقوله = j، تعداد پاسخگو = m

مرحله سوم: با استفاده از بار اطلاعاتی مقوله، ضریب اهمیت هریک از

مقوله‌ها محاسبه شد. هر مقوله‌ای که بار اطلاعاتی بیشتری داشته باشد، از درجه

اهمیت (w_j) بیشتری برخوردار است. برای محاسبه ضریب اهمیت از رابطه زیر

استفاده شد:

$$W_j = \frac{E_j}{\sum_{i=1}^n E_j}$$



درجه اهمیت W_j ، بار اطلاعاتی هر مقوله E_j

تعداد مقوله‌ها n ، شماره مقوله j

در روش آنتروپی شانون، به مؤلفه‌هایی که دارای فراوانی بیشتر و توزیع هدفمند باشند، ضریب اهمیت بیشتری تعلق می‌گیرد. نکته ضمنی اینکه صرف فراوانی زیاد نمی‌تواند دال بر ضریب اهمیت زیاد باشد. این روش به‌گونه‌ای است که مؤلفه‌هایی که فراوانی بالا دارند اما توزیع ناهم‌سان و نامتناوب دارند، در مقایسه با مؤلفه‌هایی که فراوانی کمتر، اما توزیع متناوب و هم‌سان دارند، ضریب اهمیت پایینی کسب خواهند کرد (صالحی عمران و سبحانی نژاد، ۱۳۹۴، ص ۲۱۸).

یافته‌های پژوهش

در این بخش یافته‌های تحقیق بر مبنای سؤال پژوهش ارائه می‌شود:

میزان توجه به مؤلفه‌های اخلاق هم‌زیستی در کتاب تاریخ پایه دهم

مطابق جدول ۳، در کتاب درسی تاریخ پایه دهم متوسطه رشته علوم انسانی، در مجموع ۳۲ مرتبه به مؤلفه‌های هم‌زیستی توجه شده است.

در این کتاب به ترتیب به مؤلفه‌های «احترام به آزادی عقیده» با ۸ فراوانی (۲۵ درصد)، «ارتباطات انسانی با محوریت کرامت انسانی» و «تکیه بر وجوه مشترک برای تعامل» هریک به‌طور مساوی با ۵ فراوانی (۱۵/۶۳ درصد)، «اصل صلح‌جویی» با ۴ فراوانی (۱۲/۵ درصد)، «تألیف قلوب و گسترش حوزه نفوذ اجتماعی» با ۳ فراوانی (۹/۳۸ درصد)، «نفی خشونت»، «برابری در آفرینش و نفی تبعیض» و «پذیرش حقوق اقلیت‌ها» هریک به‌طور مساوی با ۲ فراوانی (۶/۲۵ درصد) و «گفتگوی مسالمت‌آمیز» با ۱ فراوانی (۳/۱۳ درصد) توجه شده و به مؤلفه تعاون در مسائل بین‌المللی هیچ اشاره‌ای نشده است.



جدول ۳: فراوانی مؤلفه‌های هم‌زیستی در کتاب تاریخ پایه دهم

مؤلفه	درس															
	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶
ارتباطات انسانی با محوریت کرامت انسانی	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲	۰	۱	۰	۱	۱	۰	۰
احترام به آزادی عقیده	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۲	۱	۲	۰	۰	۲	۰	۰
نگاه بر وجود مشترک برای تعامل	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۲	۰	۰	۰	۰
گفتگوی مسالمت‌آمیز	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰
تألیف قلوب و گسترش حوزه نفوذ اجتماعی	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۱	۰	۰	۱	۰	۰
نفی خشونت	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰
برابری در آفرینش و نفی تبعیض	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰
پذیرش حقوق اقلیت‌ها	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۱	۰	۰
اصل صلح‌جویی	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲	۱	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۰
تعاون در مسائل بین‌المللی	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
مجموع	۲	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۹	۴	۹	۲	۱	۸	۰	۰
مجموع	۳	۲	۱	۰	۰	۰	۰	۴	۲	۲	۲	۱	۱	۲	۰	۰
درصد	۱۵/۶۳	۲۵	۱۵/۶۳	۳/۱۳	۹/۳۸	۶/۲۵	۱/۲۵	۱۲/۵	۶/۲۵	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶



میزان توجه به مؤلفه‌های اخلاق هم‌زیستی در کتاب تاریخ پایه یازدهم

مطابق جدول ۴، در کتاب درسی تاریخ پایه یازدهم متوسطه رشته علوم انسانی در مجموع ۳۹ مرتبه به مؤلفه‌های هم‌زیستی توجه شده است. در این کتاب به ترتیب به مؤلفه‌های «احترام به آزادی عقیده» و «اصل صلح‌جویی» هریک به‌طور مساوی با ۸ فراوانی (۲۰/۵۱ درصد)، «ارتباطات انسانی با محوریت کرامت انسانی» با ۵ فراوانی (۱۲/۸۲ درصد)، «تکیه بر وجوه مشترک برای تعامل» و «پذیرش حقوق اقلیت‌ها» هریک به‌طور مساوی با ۴ فراوانی (۱۰/۲۶ درصد)، «گفتگوی مسالمت‌آمیز» و «برابری در آفرینش و نفی تبعیض» هریک به‌طور مساوی با ۳ فراوانی (۷/۶۹ درصد)، «نفی خشونت» با ۲ فراوانی (۵/۱۳ درصد) و «تألیف قلوب و گسترش حوزه نفوذ اجتماعی و تعاون در مسائل بین‌المللی» با ۱ فراوانی (۲/۵۶ درصد) توجه شده است.

جدول ۴: فراوانی مؤلفه‌های هم‌زیستی در کتاب تاریخ پایه یازدهم

ردیف	مؤلفه						
	ارتباطات انسانی با محوریت کرامت انسانی	احترام به آزادی عقیده	تکیه بر وجوه مشترک برای تعامل	گفتگوی مسالمت‌آمیز	نفی خشونت	برابری در آفرینش و نفی تبعیض	پذیرش حقوق اقلیت‌ها
۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۲	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۳	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۴	۲	۰	۳	۲	۰	۰	۵
۵	۲	۱	۰	۱	۱	۱	۲
۶	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰
۷	۰	۲	۰	۰	۰	۰	۰
مجموع	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰



۵	۰	۱	۱	۰	۱	۰	۰	۱	۱	۰	۸
۳	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۹
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱۰
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱۱
۳	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۳	۰	۱۲
۲	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱۳
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱۴
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱۵
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱۶
۳۹	۱	۸	۴	۳	۲	۱	۳	۴	۸	۵	مجموع
۱۰۰	۲/۵۶	۲۰/۵۱	۱۰/۲۶	۷/۶۹	۵/۱۳	۲/۵۶	۷/۶۹	۱۰/۲۶	۲۰/۵۱	۱۲/۸۲	درصد

میزان توجه به مؤلفه‌های اخلاق هم‌زیستی در کتاب تاریخ پایه دوازدهم

مطابق جدول ۵، در کتاب درسی تاریخ پایه یازدهم متوسطه رشته علوم انسانی در مجموع ۲۱ مرتبه به مؤلفه‌های هم‌زیستی توجه شده است. در این کتاب به ترتیب به مؤلفه‌های «تعاون در مسائل بین‌المللی» با ۷ فراوانی (۳۳/۳۳ درصد)، «اصل صلح‌جویی» با ۵ فراوانی (۲۳/۸۱ درصد)، «نفی خشونت» با ۳ فراوانی (۱۴/۲۹ درصد)، «احترام به آزادی عقیده» با ۲ فراوانی (۹/۵۲ درصد)، «ارتباطات انسانی با محوریت کرامت انسانی»، «تکیه بر وجوه مشترک برای تعامل»، «گفتگوی مسالمت‌آمیز» و «پذیرش حقوق اقلیت‌ها» هریک به‌طور مساوی با ۱ فراوانی (۴/۷۶) توجه شده و به مؤلفه‌های «تألیف قلوب و گسترش حوزه نفوذ اجتماعی» و «برابری در آفرینش و نفی تبعیض» هیچ اشاره‌ای نشده است.



جدول ۵: فراوانی مؤلفه‌های هم‌زیستی در کتاب تاریخ پایه دوازدهم

ردیف	مؤلفه	مؤلفه									
		ارزشات انسانی با محوریت کرامت انسانی	احترام به آزادی عقیده	تکیه بر وجود مشترک برای تعامل	گفتگوی مسالمت‌آمیز	تأیید قلوب و گسترش حوزه یهودا اجتماعی	نهی خشمونت	برابری در آفرینش و نفی تبعیض	پذیرش حقوق اقلیت‌ها	اصل صلح‌جویی	تعاون در مسائل بین‌المللی
۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۲	۱	۱	۲	۱	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۰
۳	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱
۴	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۵	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۶	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۳	۳
۷	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۸	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱
۹	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲
۱۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱
۱۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۱۲	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۱	۱
مجموع	۱	۲	۱	۱	۱	۰	۳	۰	۱	۵	۷
درصد	۴/۷۶	۹/۵۲	۴/۷۶	۴/۷۶	۴/۷۶	۰	۱۴/۲۹	۰	۴/۷۶	۲۳/۸۱	۳۳/۳۳
											۱۰۰

جمع‌بندی تحلیل محتوای کتاب‌های تاریخ رشته علوم انسانی

مطابق جدول ۶، در کتاب‌های درسی تاریخ متوسطه رشته علوم انسانی در مجموع ۹۲ مرتبه به مؤلفه‌های هم‌زیستی مسالمت‌آمیز توجه شده است. به ترتیب کتاب‌های تاریخ پایه یازدهم با ۳۹ فراوانی (۴۲/۳۹ درصد) و پایه دهم با ۳۲ فراوانی



(۳۴/۷۸ درصد) بیشترین فراوانی و کتاب پایه دوازدهم با ۲۱ فراوانی (۲۲/۸۳ درصد) کمترین فراوانی را داشتند. همچنین، در این کتاب‌ها به ترتیب مؤلفه‌های «احترام به آزادی عقیده» با ۱۸ فراوانی (۱۹/۵۷ درصد)، «اصل صلح‌جویی» با ۱۷ فراوانی (۱۸/۴۸ درصد)، «ارتباطات انسانی با محوریت کرامت انسانی» با ۱۱ فراوانی (۱۱/۹۶ درصد)، «تکیه بر وجوه مشترک برای تعامل» با ۱۰ فراوانی (۱۰/۸۷ درصد)، «تعاون در مسائل بین‌المللی» با ۸ فراوانی (۸/۷ درصد)، «نفی خشونت» و «پذیرش حقوق اقلیت‌ها» هریک به‌طور مساوی با ۷ فراوانی (۷/۶۱ درصد) بیشترین فراوانی و «برابری در آفرینش و نفی تبعیض» با ۵ فراوانی (۵/۴۳ درصد) و «تألیف قلوب و گسترش حوزه نفوذ اجتماعی» با ۴ فراوانی (۴/۳۵ درصد) کمترین فراوانی را داشتند.

جدول ۶: فراوانی مؤلفه‌های هم‌زیستی در کتاب‌های درسی تاریخ (پایه‌های دهم تا دوازدهم)

مؤلفه	پایه			مجموع	درصد
	دهم	یازدهم	دوازدهم		
ارتباطات انسانی با محوریت کرامت انسانی	۵	۵	۱	۱۱	۱۱/۹۶
احترام به آزادی عقیده	۸	۸	۲	۱۸	۱۹/۵۷
تکیه بر وجوه مشترک برای تعامل	۵	۴	۱	۱۰	۱۰/۸۷
گفتگوی مسالمت‌آمیز	۱	۳	۱	۵	۵/۴۳
تألیف قلوب و گسترش حوزه نفوذ اجتماعی	۳	۱	۰	۴	۴/۳۵
نفی خشونت	۲	۲	۳	۷	۷/۶۱
برابری در آفرینش و نفی تبعیض	۲	۳	۰	۵	۵/۴۳
پذیرش حقوق اقلیت‌ها	۲	۴	۱	۷	۷/۶۱
اصل صلح‌جویی	۴	۸	۵	۱۷	۱۸/۴۸
تعاون در مسائل بین‌المللی	۰	۱	۷	۸	۸/۷
مجموع	۳۲	۳۹	۲۱	۹۲	۱۰۰
درصد	۳۴/۷۸	۴۲/۲۹	۲۲/۸۳	۱۰۰	

مطالعات اخلاق کاربردی / سال چهارم / شماره سوم (پیاپی ۷۷) / پاییز ۱۴۰۳

133

133

www.akhlagh.morsalat.ir

جدول ۸: مقدار بار اطلاعاتی مؤلفه‌های هم‌زیستی در کتاب‌های درسی تاریخ

مؤلفه‌ها	ارbitاطات انسانی با محوریت کرامت انسانی	احترام به آزادی عقیده	نگاه بر وجه مشترک برای تعامل	گفتگوی مسالمت‌آمیز	تایف قلوب و گسترش حوزه نفوذ اجتماعی	نهی خشونت	برابری در آفرینش و نفی تبعیض	پذیرش حقوق اقلیت‌ها	اصل صلح‌جویی	تعاون در مسائل بین‌المللی
----------	---	-----------------------	------------------------------	--------------------	-------------------------------------	-----------	------------------------------	---------------------	--------------	---------------------------

بار اطلاعاتی

(Ej)

۰/۵۰	۰/۷۷۸	۰/۸۵۸	۰/۸۶۴	۰/۵۱۱	۰/۹۸۱	۰/۶۱۲	۰/۸۶۹	۰/۹۶۰	۰/۳۶۲
------	-------	-------	-------	-------	-------	-------	-------	-------	-------

در مرحله پایانی، ضریب اهمیت (W_j) مؤلفه‌های هم‌زیستی با استفاده از فرمول مرحله سوم روش آنتروپی شانون محاسبه گردید که در جدول ۹ آمده است. هر مؤلفه‌ای که بار اطلاعاتی بیشتری داشته باشد، ضریب اهمیت بیشتری دارد.

جدول ۹: مقدار ضریب اهمیت مؤلفه‌های هم‌زیستی در کتاب‌های درسی تاریخ

مؤلفه‌ها	ارbitاطات انسانی با محوریت کرامت انسانی	احترام به آزادی عقیده	نگاه بر وجه مشترک برای تعامل	گفتگوی مسالمت‌آمیز	تایف قلوب و گسترش حوزه نفوذ اجتماعی	نهی خشونت	برابری در آفرینش و نفی تبعیض	پذیرش حقوق اقلیت‌ها	اصل صلح‌جویی	تعاون در مسائل بین‌المللی
----------	---	-----------------------	------------------------------	--------------------	-------------------------------------	-----------	------------------------------	---------------------	--------------	---------------------------

ضریب اهمیت

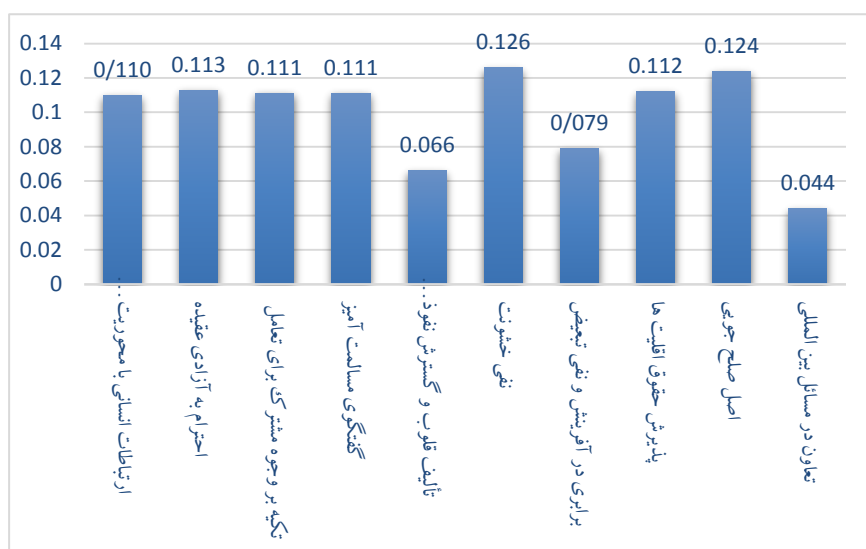
(W_j)

۰/۱۰	۰/۱۳	۰/۱۱۱	۰/۱۱۱	۰/۰۶۶	۰/۱۲۶	۰/۰۷۹	۰/۱۱۲	۰/۱۲۴	۰/۰۴۴
------	------	-------	-------	-------	-------	-------	-------	-------	-------





تحلیل داده‌های جدول ۹ نشان می‌دهد در بین مؤلفه‌های هم‌زیستی، به‌ترتیب به «نفی خشونت» با ضریب اهمیت ۰/۱۲۶، «اصل صلح‌جویی» با ضریب اهمیت ۰/۱۲۴، «احترام به آزادی عقیده» با ضریب اهمیت ۰/۱۱۳، «پذیرش حقوق اقلیت‌ها» با ضریب اهمیت ۰/۱۱۲، «تکیه بر وجوه مشترک برای تعامل و گفتگوی مسالمت‌آمیز» هر یک به‌طور مساوی با ضریب اهمیت ۰/۱۱۱ و «ارتباطات انسانی با محوریت کرامت انسانی» با ضریب اهمیت ۰/۱۱۰ توجه بیشتری شده است و به مؤلفه‌های «برابری در آفرینش و نفی تبعیض» با ضریب اهمیت ۰/۰۷۹، «تألیف قلوب و گسترش حوزه نفوذ اجتماعی» با ضریب اهمیت ۰/۰۶۶ و «تعاون در مسائل بین‌المللی» با ضریب اهمیت ۰/۰۴۴ توجه کمتری شده است.



نمودار ۱: ضریب اهمیت مؤلفه‌های هم‌زیستی در کتاب‌های درسی تاریخ

نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف تحلیل محتوای مفاهیم تربیتی و اخلاق هم‌زیستی مسالمت‌آمیز اقوام و مذاهب در کتاب‌های درسی تاریخ در رشته علوم انسانی انجام گرفت. آن گونه که از نصوص دینی و شواهد تاریخی و مستندات ارزشمند علمی برمی‌آید، صلح و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز از توصیه‌های قرآن و از اهداف مهم انبیا (به‌ویژه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله) است. در ایران نیز نمونه‌های انکارناشدنی از این ویژگی و خصوصیت اخلاقی ایرانیان موجود است. با آمیخته‌شدن این فرهنگ کهن و دیرین با دین مقدس و صلح‌جوی اسلام، ارزش‌های اخلاقی و انسانی در بین ایرانیان مسلمان دوچندان شد. آنچه سبب شد مردم طی تاریخ مجذوب فرهنگ اسلام شوند، آیات قرآن و رفتار و اعمال ائمه معصومین علیهم‌السلام در به‌کارگیری اخلاق رفیق و مدارا بود. روش اسلام در حکومت‌داری و سیاست خارجی بر پایه مذاکره و گفت‌وگو و نفوذ بر فکر و اندیشه مخالفان و غیرمسلمانان بنا شده است. در واقع، دین اسلام از این طریق، زمینه‌های درک حقایق را برای آنان فراهم می‌کند تا با اختیار و بینش درست، اسلام را بپذیرند و رستگار شوند. در اسلام، جنگ، آخرین راهکار است و جنبه دفاعی دارد نه تهاجمی؛ بنابراین هم‌زیستی مسالمت‌آمیز، عاملی مهم در بهبود و رشد روابط بلندمدت مسلمانان به شمار می‌رود.

براین اساس، گنجاندن مؤلفه‌های اخلاق هم‌زیستی در متون کتاب‌های درسی، اهمیت بسزایی دارد و سبب می‌شود دانش‌آموز در زمان تکوین و شکل‌گیری شخصیت خویش، رعایت اخلاق مدارا و هم‌زیستی با دیگران را به‌عنوان یک تکلیف دینی و انسانی تلقی کند. ملاحظات اخلاق هم‌زیستی در دو بخش ملی و بین‌المللی، بخشی از راهبردهای انسانی در راستای زیست مشترک با وجود تمایز سلیق و علایق است؛ به‌طوری که در نصوص دین اسلام نه تنها به رواداری سفارش شده، بلکه ائمه معصومین علیهم‌السلام به اجرای صحیح آن در جامعه همت گمارده‌اند. رعایت این موضوع در سطح ملی، سبب شکل‌گیری روحیه همکاری و تعاون پیروان





دیگر ادیان با حکومت و حاکمیتی است که تحت لوای آن زندگی می‌کنند و در ایجاد و انسجام وحدت ملی و دفاع از منافع قلمرویی مؤثر است. همچنین، در سطح بین‌المللی نیز با برقراری و استمرار روابط خارجی با دیگر دولت‌ها، به ایجاد هم‌گرایی سیاسی در راستای تقویت بنیان‌های نظام و حکومت و حفظ امنیت و آرامش جهانی منتج خواهد شد؛ از این رو، با توجه به اهمیت و نقش حیاتی این موضوع در فرایند جامعه‌پذیری دانش‌آموزان، ضرورت دارد این مسئله در کتاب‌های درسی تاریخ بررسی شود.

در مجموع، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد در کتاب‌های درسی تاریخ دوره متوسطه، توجه متعادلی به مؤلفه‌های هم‌زیستی نشده است؛ بنابراین نتایج پژوهش حاضر، بر نامتوازن بودن و ناکافی بودن میزان توجه به این مؤلفه‌ها در کتاب‌های درسی تاریخ در رشته علوم انسانی تأکید دارند.



کتاب‌نامه

- آذر، عادل (۱۳۸۰)، «بسط و توسعه روش آنتروپی شانون برای پردازش داده‌ها در تحلیل محتوا»، *فصلنامه دانشگاه الزهراء*، س ۱۱، ش ۳۷، ص ۱-۱۷.
- آقابخشی، علی (۱۳۷۴)، *فرهنگ علوم سیاسی*، تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.
- اسکات، ویلیام (۱۳۹۱)، *تئوری حسابداری مالی*، ترجمه علی پارسائیان، تهران: ترمه.
- انوری، حسن (۱۳۸۱)، *فرهنگ بزرگ سخن*، تهران: سخن.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، *لغت‌نامه*، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- دیبايي صابر، محسن، حسين جعفری ثانی و محسن آیتی (۱۳۸۹)، «میزان درگیری برنامه درسی فارسی دوره ابتدایی (پایه سوم و چهارم) با مهارت‌های سواد خواندن براساس مطالعه بین‌المللی پرلز»، *فصلنامه نوآوری‌های آموزشی*، س ۹، ش ۳۶، ص ۲۹-۴۹.
- رستمیان، محمدعلی (۱۳۸۹)، «ائمه علیهم‌السلام منادی هم‌زیستی مسالمت‌آمیز»، *هفت آسمان*، س ۱۲، ش ۴۷، ص ۱۰۵-۱۳۰.
- سرخیل، بهنام (۱۳۹۵)، «آثار هم‌زیستی مسالمت‌آمیز بر روابط خارجی دولت اسلامی»، *سیاست متعالیه*، س ۴، ش ۱۵، ص ۱۳۹-۱۶۰.
- سرمد، زهره، عباس بازرگان و الهه حجازی (۱۳۸۰)، *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*، تهران: آگه.
- صالحی عمران، ابراهیم و مهدی سبجانی‌نژاد (۱۳۹۴)، «تحلیل میزان توجه به مؤلفه‌های شهدا و ایثارگران دفاع مقدس در محتوای کتب درسی دوره ابتدایی»، *پژوهش‌های آموزش و یادگیری (دانشور رفتار)*، س ۲۲، ش ۶، ص ۲۱۱-۲۳۴.
- عبدالمحمدی، حسین (۱۳۹۱)، *تساهل و تسامح از دیدگاه قرآن و اهل بیت*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام.



کرپندورف، کلوس (۱۳۹۴)، *تحلیل محتوا؛ مبانی روش‌شناسی*، ترجمه هوشنگ نایی تهران: نشر نی.

کریمی خویگانی، روح‌الله و همایون رستمی (۱۳۹۹)، «پردازش علل گرایش و راه‌های پیشگیری از جرائم و آسیب‌های تربیتی در منابع درسی "مطالعات اجتماعی" و "تفکر و سبک زندگی" دانش‌آموزان دوره متوسطه»، *انتظام اجتماعی*، س ۱۲، ش ۲، ص ۵۵-۷۶.

کریمی‌نیا، محمد مهدی (۱۳۸۲)، «ادیان الهی و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز»، *رواق اندیشه*، ش ۲۶، ص ۸۸-۱۰۹.

کریمی‌نیا، محمد مهدی (۱۳۸۶)، *هم‌زیستی مسالمت‌آمیز در اسلام و حقوق بین‌الملل*، قم: نشر پژوهشی امام.

کعبی، علی عطیه (۱۳۸۶)، *هم‌زیستی مسالمت‌آمیز میان ادیان آسمانی*، ترجمه حمیدرضا شیخی، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی. گال، مردیت و والتر بورگ (۱۳۸۴)، *روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی*، ترجمه نصر و همکاران، تهران: سمت.

مبلغی، احمد (بی‌تا)، *نظریه هم‌زیستی در دین اسلام*، با اتکا به منابع و آرای علمای مذاهب اسلامی، قم: واحد فرهنگی و آموزش اتحادیه بین‌المللی امت واحد.

مستر حمی، سید عیسی و محمد یوسف تقدسی (۱۳۹۶)، «راهکارهای قرآنی هم‌زیستی مسالمت‌آمیز ادیان»، *مطالعات قرآن و علوم*، ش ۱، ص ۱-۲۵.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

موحدی ساوجی، محمد حسن (۱۳۹۳)، «هم‌زیستی مسالمت‌آمیز انسان‌ها از دیدگاه قرآن و نظام بین‌المللی حقوق بشر»، *حقوق بشر*، ش ۱ و ۲ (پیاپی ۱۷ و ۱۸)، ص ۱۳۱-۱۵۸.



نجفی، حسن، مهدی سبحانی‌نژاد و رضا وفایی (۱۳۹۴)، «تبیین مؤلفه‌های آموزش چندفرهنگی و تحلیل آن در محتوای کتب درسی تاریخ دوره متوسطه ایران»، پژوهش‌نامه تربیتی، س ۱۰، ش ۴۲، ص ۱۱-۳۴.

وفایی، رضا و مهدی سبحانی‌نژاد (۱۳۹۴)، «مؤلفه‌های آموزش چندفرهنگی و تحلیل آن در محتوای کتب درسی»، نظریه و عمل در برنامه درسی، س ۳، ش ۵، ص ۱۱۱-۱۲۸.

هولستی، ال. آر. (۱۳۷۴)، تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی، ترجمه نادر سالارزاده، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.

Tricky, S. & Topping, K. J. (2005). "Philosophy for Children, a Systematic Review". *Research Paper in Education*, Vol. 19, No.3, pp. 363-378.

Editorial Board (in alphabetical order):

Alizadeh, Mahdi

Assistant Professor of the Islamic Science and Culture Academy

Azarbayjani, Masoud

Associate Professor of the Institute of Hawzah and University

Diba, Hossein

Assistant Professor of the Islamic Science and Culture Academy

Mohammad Mahdi Safouraie Parizi

Associate Professor at the Higher Education Complex of Islamic
Humanities, Al-Mustafa International University

Habibollahi, Mahdi

Assistant Professor of Bagher-'Oloom University

Hadi, Asghar

Assistant Professor of the Islamic Science and Culture Academy

Salarifar, Mohammadreza

Assistant Professor of the Institute of Hawzah and University

Editorial Board of this Issue:

Mehrdad Agha Sharifian, Hossein Diba, Mohammad Mahdi Safouraie
Parizi, Ali Ataei, Asghar Hadi



Islamic Sciences and Culture Academy
Institute of Family and Theology

Journal in Applied Ethics Studies
Vol. 14, No. 3, Fall 2024
(77)

Publisher: Islamic Preaching Office of the Qom Islamic Seminary

Editor-in-Chief:
Ahmadian, Abdorrasool

Managing Editor
Hadi, Asghar

Executive Director
Khani, Saeed

Tel: 031-32344410 (EX7321) PO Box: 81465-697 Fax: 031-32208005

Jf.isca.ac.ir • *****



